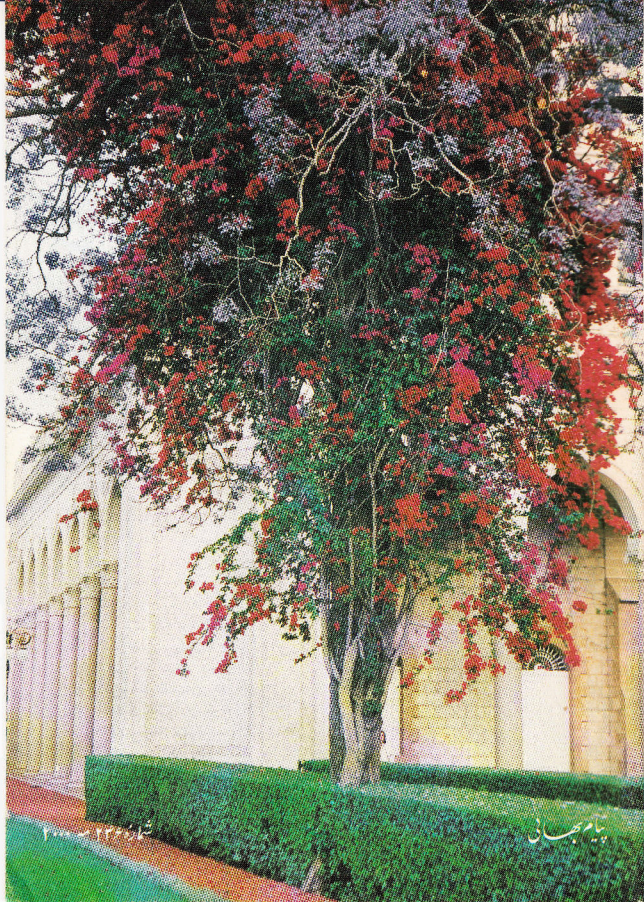




شماره ۲۲۲

پیام جهانی

یادداشت ماه

۲۳ ماه می (مه) مقارن صد و پنجاه و هفتمین سال اظهار امر حضرت باب در شهر شیراز به جناب ملا حسین بشروئی است و نیز در بیست و نهم همین ماه است که صعود جمال اقدس ابهی روی داده است. شگفت است که هیجدهم ماه می به عنوان وساک از جانب بودائیان جشن گرفته می شود و مهمترین روز سال تلقی می شود زیرا هم تولد بودا و هم نزول نور هدایت الهی بر او و هم درگذشت حضرتش به روایتی در همان روز واقع شده است و البته اهل بها می دانند که دوم ماه می مطابق با دوازدهم رضوان و نیز روز عزیمت محبوب جانان حضرت بهاءالله از بغداد به استانبول است. پس ماه می به راستی ماهی فرخنده است زیرا تجلی حقیقت الهی بر عالم بشری لا اقل سه بار در طی تاریخ در این ماه روی داده، ماهی که در مناطق معتدله زیبایی و شکوفائی بهار به حد اعلای خود می رسد و زمین و زمان جلوه بهشت برین را می گیرد.

حتی صعود جمال قدم در این ماه خجسته قدم را نباید فارغ از این ندیشه دید که در هفتادم نوروز سال ۱۸۹۲ میلادی حضرتش رسالت آسمانی خود را به مصداق «ایوم اکملت لکم دینکم» تکمیل فرمود و آنچه جامعه بشری در طی هزار بلکه هزارها سال تحول بی سابقه خود از نظر اصول روحانی و اخلاقی و مبادی مربوط به نظام اجتماعی بدن نیازمند است در گنجینه عالم برای ابد بیادگار نهاد.

در ۲۳ ماه می وقتی حضرت باب جناب ملا حسین را به خانه خود دعوت فرمود و سر ظهور عظیم خویش را بر وی مکشوف داشت در همه عالم فقط یک شمع بود که از برکت عنایت حق روشن گردید. صد و پنجاه و هفت سال بعد که میلیون ها بهائی در سراسر عالم آن واقعه خجسته تاریخ ساز را جشن می گیرند میلیون ها شمع دل به مهر حضرتش روشن و فروزنده دارند.

بقیه در ۱۲

فهرست مندرجات

تجلی رحمان / ۳۸	از آثار مقدسه / ۳
مهمترین روز سال برای بوداییان / ۴۰	مختصری از پیام رضوان ۱۵۷ / ۵
شیرین رضویان شاعری نوشکفته / ۴۱	ذکر نود و پنج بار الله ابهی / ۸
معرفی کتاب / ۴۹	سفر حضرت عبدالبهاء به وین / ۱۲
از گلخن فانی به گلشن باقی / ۵۳	بعثت حضرت اعلی (شعر) / ۱۵
نامه های خوانندگان / ۵۷	شرح حال امة البهاء روحیه خانم (۲) / ۱۷
اخبار و بشارات / ۶۱	دوگانگی فکری و راه سوم / ۲۸
	آیا صلح اصغر نزدیک است؟ (۲) / ۳۰
	یک سفر تاریخی / ۳۵

روی جلد: مقام مقدس اعلی، به مناسبت بعثت حضرت اعلی. عکس به لطف یکی از خادمان ارض قدس.
پشت جلد: شش تن از اعضای بیت العدل اعظم هنگام حمل تابوت حامل جسد امة البهاء روحیه خانم.
مربوط به مقاله ص ۱۷

یکی از فیوضات دین و ایمان، حصول طمینان قلب و جهان است از حضرت عبدالبنیاقصیل ثنائی

در بدایع الآثار (ج ۱ - ص ۳۹۴) چنین آمده :

از جمله بیان مبارک اینک یکی از فیوضات دین و ایمان، حصول طمینان قلب و جهان است و سرور و مسرت و جنان این مقام به ایمان و عرفان حاصل شود. اطمینان قلب جنت جان است و سبب حصول حالتی خارق العاده که انسان در بلا یا ستر و ریا بد، در حمت راحت بیند، با وجود فقر حال استغنا جوید و در حال قدرت و غنا به اعانت و حمایت ضعیفان و دزدان و زورافش مطمنانه مانند شجره است که ریشه محکم دارد و هیچ حادثه ای نلرزد و این حس به ایمان و عرفان کامل حاصل نکرد چه قدر نفوس که دارای جمیع اسباب راحت و آسایش هستند و امنیت و ثروت دارند و هرگونه وساطت عیش و عشرت را تمیها اما قلبشان ابد اطمینان ندارد همیشه مکرر و مضطربند، اگر روزی به ظاهر سرور و روز دیگر مکرر و محزون، اگر آنی آسایش تن جویند اوقاتی دیگر دچار زجر و ماتم شوند تا وقت رفتن از این عالم که با کمال حسرت و الم جان بسیارند اما نفوسی که ایمان بالله دارند، عمل به تعالیم الهیه نمایند اگر به قوت لایموت محتاج باشند ایام زندگانی را بانهایت سرور و حسیور گذرانند. این یکی از فیوضات دیانت است، این سرور ابدی است و حیات سرمدی و غنای حقیقی بدون این همه ثروتی مایه حسرت است و هر قدر قدرت و اقتدار و عظمت و اذیت، پس حمد کنید خدا را که به این دولت بی زوال رسیدید و به این موهبت عظمی فائز شدید.

در خطابه ای در سنه ۱۹۱۱ در لندن فرموده اند :

من از خدای خواهم که قلوب را گشایش بخشد، یاران را وسعت عطا فرماید و گشایش قلوب ممکن نیست

جز به محبت الله . اگر کشایش از امور دیگر حاصل شود عرضی است . موقت است زود به تنگی تبدیل می شود
 اما سرور و کشایشی که به محبت الله باشد ابدی است . همه سرور و لذت دنیوی زود و جسمی دارد
 لکن چون نزدیک شود سراب است و نمایشی بی حقیقت ... اگر انسان سرورش به صحت باشد صحت وقتی زائل
 می شود پس یقین است که صحت هم سبب سرور نیست اگر سرور انسان به ثروت باشد وقتی ثروت
 زائل می شود اگر سرورش به منصب باشد وقتی منصب از دستش می رود مادام که سبب قابل زوال است
 سبب هم زائل می شود ولی هرگاه سبب سرور فیض الهی باشد آن سرور ابدی است چه که فیوضات
 الهیه ابدی است و چون که محبت الله ابدی است اگر انسان دل به فیض الهی بندد ، محبت الهی در قلبش باشد
 سرورش ابدی است . به هر چه دل بندد فانی است و عاقبت مأیوس میشود مگر محبت الله و محبت به عالم
 انسانی . شما باید شکر کنید خدا را که ابواب ملکوت بر شما باز فرمود و شما را به محبت الله و خدمت به وحدت
 عالم انسانی دعوت نمود .

و در مفاد ضامات مبارکه مسطور (فضل آخر) :

الحمد لله شاه ایران فرستید و ملاحظه نمودید که از نفحات قدس مجسا ، الله ایرانیان چگونه به نوع انسان مهربان
 و پیش بر نفسی را از سائر طوائف تصادف می نمودند نیش می زدند و نهایت عداوت و بغض و کینه داشتند
 حتی تجیس نمینمودند و انجیل و تورات را می سوختند و اگر دشمنان آلوده به آن کتاب می شد می شستند حال آنکه اثر
 مضامین این دو کتاب را در محافل و مجالس با المناسبه ترتیل مینمایند و تفسیر می کنند و معانی و رموز آن را شرح و تفسیر
 میدهند و دشمنان خویش را می پرورند و گرگان خونخوار را مانند غزال محبته الله نوازش می نمایند . روش و سلوک
 آنان را دیدی و اخلاق سایر ایرانیان را شنیدی . این تقلید اخلاق و تعدیل رفتار و گفتار را به محبت
 حصول یافت ؟ لا والله . اگر میخواهیم که به وسائط معارف و علوم ترویج این اخلاق و اطوار کنیم البته بهر وسیله
 میکندشت و بین عموم حصول نمی یافت حال بسبب محبته الله بنهایت سهولت حصول یافت فاعلموا یا اولی الدلبا .

پیام رضوان ۱۵۷

شرح زیر مضمون پیام رضوان امسال بیت عدل اعظم است. پیام بهائی امیدوار است ترجمه رسمی این پیام منبع را در شماره بعد نشر کند.

جلسات مخصوص ذکر الهی نیز نفس بارزی در این تحوّل کیفی داشته است.

تحوّل مهم دیگر گشایش روزافزون جامعه بهائی به دنیای خارج است که در زمینه‌های زیر مشاهده می‌شود: در افزایش قابل ملاحظه طرح‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی که در پایان نقشه به حدود ۱۸۰۰ بالغ شده، در استفاده گسترده از وسایل ارتباط جمعی چون رادیو و تلویزیون، و نیز در بکارگرفتن انواع هنر رقص و موسیقی و نمایش و غیر آن برای ابلاغ پیام جمال ابهی، و بسط بی سابقه آنچه به نام روابط خارجی نامیده می‌شود (از جمله همکاری با سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیر دولتی در زمینه امور انسانی)، در برقرار کردن برنامه‌های اطلاعاتی الکترونیکی Websites که مطالب صحیح درباره امر را در اختیار همگان می‌گذارد^۱، و بالاخره در گفتگوی مسالمت‌آمیز با ادیان سائره که نمونه‌اش عرضه امر بهائی توسط خانم سهرابجی در حضور پاپ اعظم در هندوستان بود. گوئی امر مبارک وارد مرحله جدیدی از تحوّل تاریخی خود بر طبق نقشه الهی شده و نه فقط از مرحله مجهولیت و ناشناختگی عمومی بیرون آمده بلکه مورد شناسائی و احترام و تکریم بسیاری از مراجع ملی و بین‌المللی و روشن‌بینان جهان قرار گرفته است.

پیام رضوان ۱۵۷ از مفصل‌ترین پیام‌های ساحت رفیع به انجمن‌های شور روحانی ملی و سرشار از اخبار مسرت‌بار درباره پیشرفت امر حضرت پروردگار در اقطار جهان است. به یک اعتبار می‌توان این پیام گرانبه را نوعی ترازنامه نقشه چهار ساله بهائیان که در رضوان سال حاضر به پایان می‌رسد بشمار آورد و از جهت دیگر آن را مکمل پیام ارجمند ۲۶ نوامبر ۱۹۹۹ که در آن اجرای نقشه‌ای یکساله و به دنبال آن نقشه‌های میان مدت تا سال ۲۰۲۱ اعلام شده بود محسوب داشت.

تحوّل جامعه جهانی بهائی را تنها از دیده ارقام و اعداد نباید نگریست هر چند توسعه شماره بهائیان ادامه دارد اما خصوصاً تحوّل کیفی این جامعه است که ستایش هر ناظر منصفی را بر می‌انگیزد. اوّل تحوّل مهم از این بابت دگرگونی فرهنگ جامعه بهائی است که به مقدار بسیار مدیون انستیتوهای پرورش نیروی انسانی است که جمع وسیع‌تری را به فعالیت و خدمت برانگیخته و تازه بهائیان را بیش از گذشته در حیات بهائی جذب کرده و موجب تشکیل حلقه‌های محلی مطالعاتی و قیام‌یاران به ابلاغ و تبلیغ کلمه الهی و بسط اعتقاد و اعتماد به فلسفه رشد و توسعه جامعه بهائی شده است.

توجه بیشتر به دعا و مناجات و تشکیل

بیت العدل اعظم الهی در پیام منیع رضوان ۱۵۷ اقدامات مهمه و پیروزی‌های حاصل شده را بر می‌شمرند که ذکر آن به ترجمه رسمی پیام مذکور محوّل می‌شود.

فداکاری احبای عزیز ستمدیده ایران در دو بند ۱۵ و ۱۶ این پیام والا مقام مورد اشاره و بحث قرار گرفته و بیت العدل اعظم اظهار تعجب و تأسف می‌فرمایند که اولیای امور در ایران متوجه این حقیقت نشده‌اند که تعالیم بهائی که این همه نفوس در مهد امرالله جان برای انتشار آن داده‌اند درمان حقیقی برای دردها و نیازهای مردم در این دوران ناکامیابی و حرمان است.

بند بیست و یکم این پیام شریف بیان این مطلب است که پیروزی‌های نقشه چهارساله بهائیان در زمانی روی می‌دهد که جهان با اختلافات و تضاد و تعارض منافع و برخوردهای شدید دینی و سیاسی و نژادی و قومی مواجه است و البته باید یادآور بیان حضرت ولی عزیز امرالله در حدود شصت سال قبل بود که فرمودند دو جریان یا روند موازی در عالم در کار است یکی در جهت اعتلاء و دیگری در جهت سقوط، یکی روند پیوستگی و دیگری روند از هم گسستگی، یکی در جهت نظم و دیگری در جهت هرج و مرج. بیت العدل اعظم با یادآوری برخی دگرگونی‌های اخیر که در هر یک از دو جهت یاد شده روی داده و می‌دهد به جامعه بهائی اطمینان می‌دهند که سرانجام از مواجهه این دو جریان متضاد که هر دو بخشی از نقشه الهی بشمار می‌آیند هدف نهائی که وحدت عالم انسانی و صلح بشری است تحقق خواهد پذیرفت.

مقارنه و تطابق دو تقویم بهائی و تقویم گریگوری مسیحی از این جهت در خور توجه است که از یک سوی با پایان قرن بیستم مواجه

هستیم. و از سوی دیگر زمان حاضر در منظر بهائی شاهد سه جریان ممتد موازی بوده و هست: یکی ساختمان و تکمیل ابنیه قوس کرمل. دیگر قدمات ولیای دول و ملل در جهت یک صلح سیاسی جهنگیر. و بالاخره تحوّل مؤسسات بهائی عم ز محلی و منی به سوی درجه بالاتری از تکامل و بنوعی که هر سه جریان در حال پیشرفت بنظر می‌رسد.

اهل بهاء قرن بیستم را با خاطره‌ای جاودانی پایان می‌رسانند. خاطره مرکز عهد حضرت بهاءالله که در عهد میثاق یک نظم نوین جهانی را ترسیم فرمود و بعد حضرت ولی امرالله نیروی خود را برای بنای نظم اداری بهائی تخصیص دادند و اینک آن بنای جلیل در مقابل دیدگان همه اهل عالم خودنمایی می‌کند.

ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و توانائی‌هایی که عاشقان آن دلبر یکتا در طی یک قرن کوشش و جنب و جوش و فداکاری بدست آورده‌اند حال باید مصروف سایر وظایف و مسئولیت‌هایی شود که برای عصر تکوین باقی مانده است تا سرانجام پیروزی‌های به دست آمده راه را بر عصر طلایی امر بهائی بگشاید، وقتی که صلح اعظم بر همه کوه خاک مستولی شود.

بند بیست و سوم پیام منیع بحث از نقشه دوازده ماهه است که احبای از رضوان امسال باید بدان پردازند و خصوصاً در مورد تحصیل منظم اطلاعات و پرورش منظم نیروی انسانی و کوشش پیگیر در مسیر تبلیغ امر رحمانی و در بعضی موارد اجرای طرح‌های رشد و توسعه در سراسر یک منطقه تاکید می‌کند و افراد و مؤسسات و جامعه‌های محلی بهائی را بدان دعوت می‌کند که زمینه را برای نقشه پنج ساله بعدی هموار سازند.

از بدیع‌ترین جنبه‌های پیام اخیر ساحت

پیام ژرف‌نگر معانی دقیق و مهمی را در بر دارد که مستلزم ساعت‌ها تفکر و سپس تصمیم بر اقدام است. از جمله وقتی در پارگراف ۶ آمده است که خدمت در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک اساسی به تحکیم و تشدید خود جامعه بهائی است و پرداختن به روابط خارجی عامل حیاتی برای اداره عواقب و نتایجی است که از معروفیت امر و خروج از مرحله مجهولیت حاصل می‌شود خواننده نکته سنج متوجه می‌گردد که انتظار از جامعه بهائی خیلی بیش از ابلاغ عمومی کلمه الهی است.

به مصداق هر که بامش بیش برفش بیشتر، جامعه بهائی که اکنون از مرحله ناشناسی بیرون آمده و منظور نظر اکثر اهل عالم شده باید کمر همت بریندد و در تخفیف عملی آلام بشری و بهبود زندگی مردم نیازمند اقداماتی بسزاکند و نظام بهائی و تعالیم الهی را به عنوان الگوئی برای حل مشکلات عالم انسانی به صورتی محسوس به دیگران ارائه نماید و در پرورش انسان‌هایی که فردا باید صلح جهانی و وحدت عمومی و عدالت الهی را به موقع اجرا در آرند با تربیت اخلاقی و روحانی نسل نوظهور نقشی بارز و سرمشق‌آمیز ایفا کند، و با تجسم روحانیت در حیات فردی و جمعی خود آنان را که تشنه معنویت هستند به این چشمه فیاض رهنمون گردد. اگر جامعه بهائی به آنچه در آثار مبارکه به عنوان ملکات حسنه آمده عامل شود شبهه نیست که گروه گروه مردم سرگردان را به سرمنزل امن آئین رحمن هدایت خواهد کرد. ■

۱ - تنها Website یا برنامه الکترونیکی که در اینترنت زیر عنوان «جهان بهائی» The Baha'i World استقرار یافته هر ماه مورد بازدید و استفاده حدود ۲۵ هزار نفر از سراسر جهان قرار می‌گیرد.

رفیع تاکید در مورد تربیت روحانی اطفال و نوجوانان و وظایف اولیاء و مسئولیت تشکیلات و جوامع محلی در این عرصه است که بندهای ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ و ۲۸ این پیام شریف را در بر می‌گیرد. بیت العدل اعظم کودکان را گرانبهاترین گنجینه‌ها و ودیعه‌های جامعه می‌خوانند و تربیت صحیح آنان را ضامن آینده درخشنده جامعه بهائی می‌شمارند.

پارگراف ۲۹ بشارت تشکیل کنفرانس مشاوران و اعضای هیئت معاونت در ژانویه ۲۰۰۱ در ارض اقدس مقارن استقرار دارالتبلیغ بین‌المللی در ساختمان جدید خود بر جبل رب است. شک نیست که اجتماعی چنین عظیم از خادمان امر مبارک نتایج و فوایدی بی شمار برای نقشه‌های توسعه و تحکیم امرالله در سراسر جهان به بار خواهد آورد. در همین بند است که بیت العدل اعظم از خدمات دو ایادی رفیع‌الشان امرالله جنابان علی اکبر فروتن و علی محمد ورقا که در ارض مقصود مستقر شده و مشعل خدمت ایادی امرالله را زنده و تابنده نگاه داشته‌اند تجلیل می‌فرمایند. بالاخره در بند آخر (سی‌ام) به سرمشق ابدی خدمات درخشان امة‌البهاء روحیه خانم که با سفر به ۱۸۵ کشور و نشر کلام حق آرزوی حضرت مولی‌الوری را در الواح ملکوتی به مرحله تحقق رساندند اشاره و سؤال می‌فرمایند که آیا شایسته نیست که ما هم مساعی نالایق خود را در طی این نقشه بخاطر آن نفس نفیس تقدیم کنیم که از نظر مبارکش تبلیغ هدف زندگی و بزرگترین لذت زندگی بود.

□ □ □

پیام روح بخش و شورانگیز رضوان ۱۵۷ بهترین طلیعه بر ربع قرن آینده است. به مرغان آرزومند پرواز در فضای خدمت افق‌های تازه‌ای ارائه می‌کند که هیجان آفرین است. هر عبارت این

ذکر نود و پنج بار "الله ابهی" در هر روز

طیب جمیع علتہای تو ذکر من است،
فراموشش منما" حضرت بهاء الله
"الابذکر الله تطمئن القلوب"

آنچه در این مقاله آمده انعکاس نظر شخصی نویسنده ارجمند است، در امور عبادتی آنچه یاران از زیارت
نصوص مبارکه استنباط نمایند همان ملاک عمل ایشان تواند بود. پیام بهائی

به چراغ ندارد (در اواخر این مقاله به آن خواهیم
رسید).

ذکر در نزد صوفیه، یعنی عرفای اسلامی،
بسیار اهمیت داشت و از جمله آداب و عادات
آنان بود که اسماء و صفات الهی را پیوسته
تکرار کنند و مورد تفکر قرار دهند زیرا به قول
مولانا جلال الدین رومی:

ذکر آرد فکر را در اهتزاز

ذکر را خورشید این افسرده ساز
غزالی در کیمیای سعادت لب لباب و
مقصود اصلی همه عبادات را ذکر الهی می داند
و به این حدیث مستند می شود که فرمود
"فاذکرونی اذکرکم" (مرا یاد کنید تا من شما را
یاد کنم).

ذکر از نظر عرفا شروطی دارد و دارای مراتب
و مراحل است که تفصیل آن البته موضوع
بحث ما نیست^۱ اما برخی نکات در تصوف
آمده که برای ذکر بهائی هم قابل تذکر است از
جمله شروط تمرکز فکر و توجه جمیع قوای
روحی به اسم یا صفت یا جمله ای است که در
وصف خدا بکار می رود بطوری که هر چه غیر
از آن است فراموش گردد. ذکر چنان که مؤلف
کیمیای سعادت گفته نباید فقط بر زبان باشد و
دل از آن غافل، بلکه باید در دل متمکن شود و

یاران ارجمند ایران که با احکام الهی در کتاب
مستطاب اقدس آشنائی دارند به خوبی می دانند
که به حکم آن کتاب شریف، همه بهائیان
موظف به ذکر ۹۵ بار الله ابهی در هر روز هستند،
حکمی که با دستخط مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹
در سراسر جهان بهائی شمول و عمومیت
حاصل کرده است.

در امر بهائی ذکر به معنی تکرار اسماء الهی
به صورت جلی (باصدای بلند) در کوچه و
خیابان مجاز نیست اما در خلوت سرای فردی،
گفتن یکی از اوصاف الهی که همان "الله ابهی"
باشد، در شمار عبادات واجب منظور گردیده
است. در جای خود نوشته و گفته آمده است که
اسم اعظم الهی که از آغاز اسلام طالبان در
جستجوی آن بودند، همین کلمه "بهاء" و صفت
ابهی است که برای دیانت جدید هم علم شده
است (بهائی)، و نیز آورده شده که بهاء، هم به
معنی زیبایی است و هم به معنی شکوه و جلال
و هم معنای روشنائی را افاده می کند و به همه
این اوصاف در نبوات گذشته، چون عهد قدیم و
عهد جدید (تورات و انجیل) اشارت رفته است
و در ترجمه های عربی و فارسی غالباً کلمه
بهاء الله یا جلال خداوند به کار رفته، بهائی که
عالم وجود از نور وجه او منور است و دیگر نیاز

حتی مستولی بردل شود "کمال آن است که ذکر و آگاهی ذکر از دل برود و مذکور بماند." یعنی ذاکر از خود فانی و به حق باقی گردد که البته در نزد اهل بهاء فناء فی الله و بقاء بالله معنائی دارد که عیناً با نظر برخی متصوفه مطابقت نمی‌کند. خود عبارت "الله‌ابهی" مبین آن است که عوالم هستی به خدا و بندگان خدا محدود نمی‌شود بلکه در این میان واسطه‌ای یعنی مظهر الهی هست که در این ظهور مبارک تجلی گاهش جمال اقدس ابهی است و اگر حال مشاهده‌ای در طی ذکر مطرح و مورد نظر است مشاهده حق نیست مشاهده مظهر حق یعنی جلوه‌گاه صفات و اسماء و کمالات الهی در هیکل بشری است. ذکر می‌تواند هم جلی و یا خفی باشد در حالی که صوفیه ترجیح می‌دادند که ذکر جلی باشد یعنی زبان و دل هر دو به آن مشغول باشد، اما اهل بهاء به ذکر خفی در خلوت محل دعا رجحان می‌نهند و چنان که اشارت رفت از ذکر علنی در معابر پرهیز دارند.

از میان اسماء حق امر مبارک "الله" را که سابقه‌اش در اسلام و آئین یهود (الوهیم) موجود است برای ذکر برگزیده. اله خداست و گاه به رب النوع اطلاق می‌شود، اما الله خدای مشخص معین است که با الهه بت پرستان اشتباه نمی‌شود و می‌دانیم که ادیان یهود، مسیحی و اسلام به تفاوت از ادیان شرق آسیا به "خدای شخصی" قائل هستند. در مسیحیت گرچه کلمه الله و مشابهات آن به کار نرفته اما از خدا به عنوان "پدر آسمانی" یاد شده که هم حالت شخصی خدا را نشان می‌دهد و هم به تفاوت از خدای "متعال"، خدائی را که به انسان بسیار نزدیک است عرضه می‌دارد. متصوفه مسلمان هم خدا را در همین رابطه عاطفی با خلق مشاهده کرده‌اند که نگاهی متفاوت از طرز فکر

غالب اصحاب شریعت است. می‌دانیم که "الله‌ابهی" تحیت بهائی است و سابقه‌ای در آئین حضرت باب دارد اما از دوره ادرنه به بعد در آئین بهائی پذیرفته و معمول شده است. در اسلام کلمه سلام بر تو یعنی صلح بر تو معمول است و ذکر از الله در آن نیست اما در تحیت متعارف بهائی، هم توجه به خدا و هم به تجلی او در آینه جمال ابهی معطوف می‌شود و ضمناً این تحیت تأکیدی بر هویت بهائی هریک از ما است که بنوبت خود باید آئینه کمالاتی باشیم که حق برای پیروان خود مقرر فرموده است. در عالم اسلام خدا را بدو دسته صفات جمالیه و جلالیه می‌ستودند. جمالیه چون صفت رحمن و رحیم و جلالیه چون منتقم قهار که همه در کتب مقدسه آمده اما کلمه بهاء جمع بین زیبایی و جلال است و خدا از منظر بهائی هم متعال *transcendant* و هم حاضر در قلب عالم هستی *immanent* است و تفاوتی که بین مفهوم خدا نزد مسیحی و مسلمان اشاره کردیم در دیدگاه بهائی مصداق ندارد. خدا در عین حال مظهر زیبایی و جذابت و شکوه و عظمت است.

اینکه خدا نور است اندیشه‌ای است که آئین زردشتی بر آن تأکید خاص کرده و قرآن هم تصدیق نموده که "الله نور السموات و الارض" و در این ظهور، موعود امم به اسم بهاء که یک معنی آن نور و روشنائی است تجلی کرده است. مکاشفات یوحنا در باب بیست و دوم چه خوب و درست ظهور مبارک را پیش بینی کرده است:

(۴) و چهره او را خواهند دید و اسم وی بر پیشانی ایشان (بندگان) خواهد بود (۵) و دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند زیرا خداوند بر ایشان روشنائی

می بخشد و تا ابدالاباد سلطنت خواهد کرد.

و در باب بیست و یکم فرمود:

(۲۳) و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنائی دهد زیرا که جلال خدا (بهاءالله) آن را منور می سازد و چراغش برّه (حضرت باب) است و امت ها در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان جلال و اکرام خود را بآن خواهند آورد (۲۵) و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب در آنجا نخواهد بود.

□ □ □

اینکه چرا باید الله ابهی ۹۵ بار تکرار شود درک و بیانش برای افراد بشر آسان نیست. عدد ۹۵ که مضرب دوعدد ۱۹ و ۵ است در علم اعداد می تواند معانی متعدّد داشته باشد. حضرت عبدالبهاء در تشریح رموز نگین اسم اعظم عدد ۵ را با کلمه باب مترادف شمرده اند و عدد ۱۹ که هم قرآن بر آن یا بر مضاربش بنیاد نهاده شده (مثلاً بسم الله الرحمن الرحیم ۱۹ حرف - ۱۱۴ سوره قرآن مضرب ۱۹ × ۶ و امثال آن) در آئین حضرت باب بسیار مورد توجه بوده و ساخت کتاب بیان براساس آن طراحی شده و عدد ۱۹ در مورد حروف حی و نفس مقدس حضرت مصداق دارد و در مورد فاصله زمانی ظهورتین (اظهار امر علنی در بغداد ۱۹ سال بعد از مبعث حضرت اعلی بود) هم صدق می کند و همین عدد و مضارب آن است که حضرت ولی امرالله برای تعداد نمایندگان انجمن های شور روحانی ملی تعیین فرموده اند. احکامی در کتاب مستطاب اقدس نیز عدد ۱۹ را مبنی قرار داده و به گفته قرآن مجید این عدد نوعی امتحان مؤمنان است. شاید اذهان عادی با عدد صد بیشتر مأنوس است و عدد ۹۵ از آن دور نیست و تکرار ۹۵ بار اسم اعظم الهی بصورت "الله ابهی" فرصتی کافی برای تفکر و

تأمل در ظهور الهی و مظهر الهی و وظایف فرد مؤمن در قبال آن در اختیار هرنفس می گذارد و بقول یکی از دوستان این ۹۵ الله ابهی چون پلکان نردبانی است که آدمی را از فرش تا به عرش می رساند و هر بار تکرارش فرصت تازه ای برای تعالی و ترقی روحانی و حرکت بسوی محبوب الهی و تقرب به درگاه عزّ قدسی است

در دور اسلام گفته می شد آن کس که دائماً ذکر خدا را می گوید جلیس واقعی خداوند است زیرا که خداوند در حدیثی قدسی وعده کرده است که "انا جلیس من ذکرنی" (من جلیس آن کسی هستم که مرا یاد می کند)^۲ و نیز گفته شده که "ذکر" اولین گام در طریق محبت است چون وقتی کسی کسی را دوست دارد هم چنین علاقه مند است که دائماً نام وی را بر زبان آورد و پیوسته یادش کند و در امر بهائی این فریضه یک بار در روز پس از وضو و رو به قبله ادا می شود در عین آنکه تحیت بهائی دائماً نام و صفت خدا را در هر زمان یاد آور می گردد.

این تمثیل شعرای مسلمان هند در خور توجه است که قلب آدمی چون درختی است که از نسیم عشق حیات و حرکت دارد و از آب ذکر تغذیه میکند و سیراب می شود لذا ذکر باید قلبی باشد. ذکر لسانی کافی نیست یعنی حضور قلب در هنگام ذکرالله ابهی اهمیت اساسی دارد. این اندیشه کلابادی مؤلف مشهور در زمینه تصوف شایسته اعتناء است که ذکر نوعی پاسخ به ندای الست (الست بر بکم - آیا من خدای شما نیستم - سوره اعراف آیه ۲۷۲) است یعنی ذکر به زمان عهد و میثاق ازلی برمی گردد. الله ابهی نیز تأیید و تأکید ایمان و وفا به پیمان یزدان در این دور از تاریخ روحانی بشری است.

□ □ □

بقیه یادداشت ماه

بقیه از ص ۲

در این فاصله چه طوفان‌های مخالفت که برنخاست و چه تندبادهای ریشه بر افکن دشمنی که دلدادگان حضرتش را در بر نگرفت. اما چراغی را که ایزد برافروخته بود نه تنها خاموش نکرد بلکه بر التهاب و فروزش گسترده آن هزارها بار افزود.

آئین حضرت باب که روشن‌بینان غرب در آن تنها امید احیاء و اصلاح شرق را می‌دیدند و تنگ نظران شرق در نابودی آن از هیچ آزار و زیانی دریغ نداشتند با ظهور علنی حضرت بهاءالله در باغ رضوان (رضوان ۱۸۶۳) به دست پیروان جمال مبارک مشعلی شد که توانایی افروختن عالم را داشت و وقتی رسالت حضرت بهاءالله در این جهان خاکی به کمال و تمامیت خود رسید آن مشعل تابناک در دست مرکز عهد و پیمان و با تکیه بر الواح ملکوتی و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به راستی سراسر دنیا را شعله ور کرد. از این رو وقتی ماه می پیش می‌آید باید متذکر باشیم که این ماه شاهد ولادت دو امر بابی و بهائی بوده است و هم ناظر به اعتلاء و به کمال گراییدن دیانتی که در آغاز چهره شرقی داشت و در نهایت شرق و غرب را در زیر خیمه یک رنگ تعالیم جهان شمول خود آورد.

ماه مه همانطور که گفتیم در نقاط معتدله جهان ماه سبز شدن درختان و شکفتن گل‌ها و زیبا شدن طبیعت است. اگر بخواهیم بطور نمادین هم ظهور امر جدید را در رابطه با کیفیت ماهی که در آن تولد یافته بررسی کنیم به نتیجه‌ای جز این نمی‌رسیم که این آئین نیز تازگی و طراوت و پاکی و لطافت ماه می را دارد. آئینی است برای آن که جهان تیره و تار را گلستان کند و بهار معنوی جاودانی بر سراسر آن بگسترده. ■
پیام بهائی

ذات و عمق ادیان الهی رابطه روحانی و عرفانی است که انسان را به کردگار خود می‌پیوندد و امر بهائی از این قاعده مستثنی نیست و توجه به مبادی اجتماعی و اداری امر مبارک نباید ما را از این حقیقت غافل سازد. پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۹۹ بیت العدل اعظم الهی خطاب به عموم بهائیان عالم این حقیقت مهم را بار دگر یاد آور می‌شود که بذل توجه بیشتر به معانی و مفاهیم روحانی تعالیم امر بهائی که این احکام^۳ ارائه می‌دهد «سبب ازدیاد اخلاص و ایمان یاران الهی به آستان ربّ منان... گردد». ■

یادداشت‌ها

۱ - در دائرةالمعارف عرفان که زیر نظر محقق فرانسوی ماری داوی Davy در ۴ جلد نشر شده (۱۹۷۷) در جلد دوم فصلی به عرفان اسلامی اختصاص دارد (به قلم محمد مکرری) که در باره ذکر به تفصیل سخن رانده. عبدالرحمن وفائی از طریقه نقشبندی که از نویسندگان متأخر است در تحفة المریدین خود هشت نوع ذکر را که در این طریقه معمول بوده یاد آور شده: یادکرد یعنی ذکر که مرشد به مرید برای تکرار القاء می‌کند - بازگشت که نوعی دعا بعد از ذکر اسم جلیل الهی است - نگاهداشت که مرید در آن دل را از ماسوی خالی می‌کند - یادداشت که انحصار فکر به خدا است هوش در دم که یک دم بدون هشیاری بحضور خدا بر نیآورد - نظر بر قدم یعنی برای تمرکز و حضور قلب تنها به بانی خود خیره نگریستن - خلوت در انجمن یعنی در میان جمع بودن و دل و نظر به سوی محبوب داشتن - سفراندر وطن که سفر درونی و تبدیل صفات انسانی به ملکات ملکوتی است. علاقمندان به جلد دوم کتاب یاد شده صفحات ۵۱۷ - ۵۲۲ مراجعه کنند

۲ - ابعاد عرفانی اسلام اثر «آن ماری شیمل» - ترجمه فارسی نشر ۱۳۷۴ ص ۲۸۹
۳ - احکامی چون صوم و صلوٰه و ذکر روزانه ۹۵ بار "الله‌ابهی"

مجملی درباره سفر

حضرت عبدالبهاء به وین - اطریش

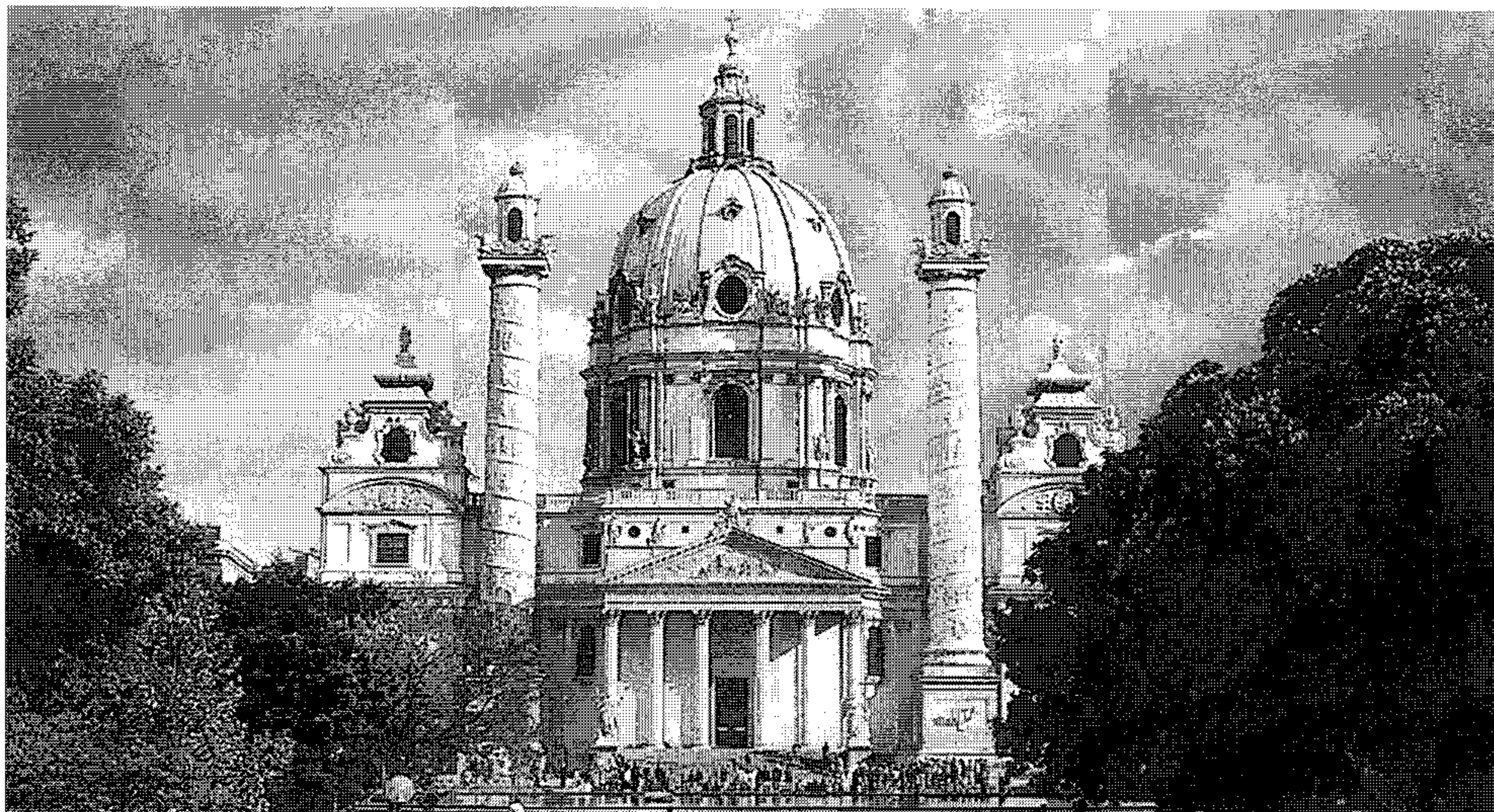
دکتر مهدی ورقا

در سال ۱۹۱۳ که حضرت عبدالبهاء از وین بازدید فرمودند وین پایتخت امپراطوری اطریش و بزرگترین مرکز فرهنگی و جایگاه درخشانی برای والس و موسیقی بود. سقوط امپراطوری اطریش در سال ۱۹۱۸ روی داد و وین تبدیل به پایتخت کشور کوچکی با جمعیت ۶ میلیون نفر گردید. آنچه یادگار آن دوران باقی مانده کلیساها و بناهای بزرگ و با عظمت است.

در مورد اقامت کوتاه هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء در وین متأسفانه اطلاعات جامعتری علاوه بر آنچه در بدایع الآثار ذکر گردیده در دست نیست. قریب ۲۰ سال قبل نماینده‌ای از طرف محفل روحانی ملی اطریش مصاحبه‌ای با آقای پولینگر Pollinger اولین بهائی اطریشی به منظور تهیه تاریخچه امر در اطریش به عمل آورده که تحت عنوان "تاریخچه دیانت بهائی در اطریش" در ۱۵ صفحه تکثیر شده و موجود است و دو صفحه در ابتدای آن به تشریف فرمایی هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء به وین تخصیص داده شده است. در این مصاحبه علاوه بر مندرجات بدایع الآثار که به اختصار اخذ شده به مواردی دیگر نیز اشاره گردیده که اگرچه با متن سفرنامه مطابقت ندارد و آقای پولینگر نیز در ایام اقامت حضرت عبدالبهاء در وین هنوز به

امر مبارک مؤمن نبوده که خود شاهد آن باشد ولی خاطرات او می‌تواند چند نکته را روشن کند.

در این مصاحبه ذکر شده است که «روز ۱۸ آوریل ۱۹۱۳ هنگام ورود هیکل مبارک به وین آقای رضا خمسی باقرآف که در سفارت ایران شاغل بوده‌اند و از ۱۹۱۱ با خانواده خود ساکن وین بوده‌اند با چند نفر دیگر به استقبال هیکل مبارک به ایستگاه راه آهن آمده بوده‌اند» و سپس اضافه می‌شود که «این خانواده بهائی در ۹ آوریل نیز هنگامی که هیکل مبارک از اشتوتگارت عازم بوداپست بوده‌اند برای عرض تحیت به ایستگاه راه آهن آمده بودند.» در صفحه ۲۲۵ سفرنامه مذکور است که «چون موکب مبارک به ایستگاه رسید چند نفر از دوستان ایرانی به استقبال قدوم مبارک آمده تشریف حاصل نمودند...» در اینجا ذکری از آقای رضا خمسی به میان نیامده ولی در صفحات دیگر نام جناب سید احمد خمسی برده شده که در پاریس، اشتوتگارت، بوداپست و وین جزء ملتزمین رکاب مبارک بوده‌اند و این مطلب در کتاب "خاندان سادات خمس" تألیف جناب مهرباخانی نیز در صفحات ۳۱ و ۳۲ تأیید گردیده است.



کلیسای کارل که به قدوم حضرت عبدالبهاء مزین گردیده

اشکبار از عنایات مبارک تشکر نموده است. در سال ۱۹۸۸ نیز محفل روحانی وین به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تشریف فرمایی حضرت عبدالبهاء کتابی تحت عنوان "حضرت عبدالبهاء در وین" تهیه کرد و به چاپ رسانید که در چند صفحه اول آن اقامت چند روزه هیکل مبارک از ۱۸ تا ۲۳ آوریل ۱۹۱۳ عیناً از سفرنامه اخذ و ترجمه گردیده است ولی در آن نام هریگل Herrigel که در سفرنامه تصریح گردیده حذف و به جای آن "شخصی از آلمان" ذکر شده است. در صفحه ۲۴۹ بدایع الآثار سفارش هیکل مبارک به هریگل که از اشتوتگارت جزء ملتزمین رکاب بوده است ذکر شده که فرموده بودند: «شماها باید از اشتوتگارت به این حدود بیایید و به نشر نفحات الله بپردازید و رسائل امریه به تنوزوفی ها و نفوس طالبه بدهید زیرا اینجا مرکز مهمی است نفوس مستعدۀ یافت می شوند.» هریگل یکی از اعضاء فعال جامعه بهائی آلمان بوده ولی در دوره هیکل مبارک

در مصاحبه ای که با آقای پولینگر به عمل آمده مذکور است که هیکل مبارک اول شب ۱۸ آوریل با راه آهن به وین وارد و یکسر به گراند هتل تشریف فرما شده اند ولی در سفرنامه چنین ذکر گردیده که «ابتدا به هتل محقری که بعضی احباء آدرس داده بودند نزول اجلال فرمودند ولی همان شب چون آن هتل مناسب نبود از آنجا به گراند هتل که بزرگترین هتل های آن شهر بود نقل مکان فرمودند.»

از جمله نفوسی که به افتخار تشرّف به حضور مبارک نائل شدند خانم برتا فون سوتنر Baronn Bertha Von Suttner^۱ بوده. تشرّف این خانم به حضور مبارک و اظهار عنایتی که هیکل انور درباره او مبذول فرموده بودند بطور مختصر در ذیل صفحه ۲۵۶ و صدر صفحه ۲۵۷ ذکر گردیده است. در جزوه ای که از مصاحبه آقای پولینگر تهیه شده ضمناً آمده است که خانم مشارالیه تعدادی گل رز به حضور مبارک آورده بوده و در موقع مرخصی با چشمانی

حضرت ولی امرالله نقض عهد کرد و طرد شد. ورود هیکل مبارک به وین روز ۱۸ آوریل ۱۹۱۳ اوائل شب و حرکت از وین ساعت ۹ صبح ۲۴ آوریل بوده که در واقع اقامت حضرتشان را از ۱۹ تا ۲۳ آوریل باید به حساب آورد.

نفوسی که در چند روز اقامت هیکل مبارک افتخار تشریف حاصل نمودند:

۱- آقای John Gordes که رئیس جمعیت تنوزوفی‌ها بوده^۲ و به دعوت او حضرت عبدالبهاء به وین تشریف آورده بودند.

۲- خانم بارون ماری تالر Baronn M. Thaler که همسر Thaler هنرپیشه تأثر دولتی بوده.

۳- Idus Thern پیانیست شهیر و همسرش خانم مارگریت و دخترش ویولا.

۴- خانم Lukaneder و پسرش.

۵- خانم بارون برتا فن سوتنر (Baronn Bertha von Suttner) که مؤسس و رئیس جمعیت صلح طلبان اطریش و مؤلف کتابی تحت عنوان "سلاح‌ها را زمین بگذارید" بوده و در سال ۱۹۰۵ برنده جایزه صلح نوبل شده است.

طبق مندرجات دو نشریه مذکور که از اقامت حضرت عبدالبهاء در وین موجود است هیکل مبارک سه بار در جمعیت تنوزوفی‌ها ایراد نطق فرموده‌اند. دو بار در محل جمعیت به آدرس Johannesgasse 2 و یک بار در منزل پرفسور Thern به آدرس Kostlergasse 11 محل اقامت هیکل مبارک گراند هتل بوده است. این هتل در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم در اشغال قوای شوروی و مرکز اداری آنها بود و پس از انعقاد معاهده صلح که قوای متفقین و شوروی خاک اطریش را ترك کردند پس از تعمیرات بسیار مورد استفاده قرار گرفت و چند سال قبل ژاپنی‌ها این محل را خریده و به صورت هتل

بسیار مجللی درآوردند که در آن محفل روحانی وین در ۱۹۹۸ به مناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد مسافرت هیکل مبارک به وین احتفال مجللی منعقد نمود و از بسیاری از رجال و نمایندگان از جمعیت تنوزوفی‌ها دعوت به عمل آورد.

محل‌هایی در شهر وین که به قدوم مبارک مزین گردیده کلیسای کارل (عکس ضمیمه) و قصر شون برون Schonbrunn در خارج شهر بوده است.

همانطور که مقدمتاً معروض گردید در خصوص ایام اقامت حضرت عبدالبهاء در وین اطلاعاتی بیش از آنچه که در بدایع الآثار ذکر گردیده است در دست نیست و از دو نشریه دیگر نیز مطلب تازه‌ای غیر از مختصری از مشخصات و مراتب اجتماعی بعضی نفوس که افتخار تشریف به حضور مبارک را داشته‌اند به دست نمی‌آید.

وین شهر معماری‌های عالی است از جمله کاتدرال سنت اتین (قرن ۱۴- قرن ۱۶)، کلیسای اکوستن (قرن ۱۴)، کلیسای ماریا آم گشتاد (قرن ۱۴)، کلیسای سن شارل بورومه که همان کلیسای کارل باشد (نگاه کنید به عکس) و در فاصله ۱۷۱۵ و ۱۷۳۷ ساخته شده و نفوذ معماری کلاسیک فرانسه و دوره باروک ایتالیا را در خود دارد و سازنده آن فیشر و آن اراخ بوده. وین همچنین هتل‌ها و قصرهای عالی از روزگار گذشته در خود حفظ کرده که از جمله کتابخانه سلطنتی است (قرن ۱۸) که تالار بیضی شکل آن را زیباترین محل کتابخانه خوانده‌اند از جمله ساختمان‌های زیبای نیمه دوم قرن ۱۹ پارلمان، شهرداری، دانشگاه، اپرا و آکادمی هنرهای زیباست که همه دیدنی و ستودنی است.

پایان

ماه می مبعث حضرت ربّ اعلیٰ

از همکار پیام بهائی

ز بس طبیعت سبز است و باغ و صحرا سبز
کمان بری که بود آسمان و دریا سبز
زمرد است تو گوئی فشانده بر گیتی
درخت سبز و چمن سبز و صحن غبرا سبز
ردای شاهد شیراز را بیسار آرد
چه قامتی که قیامت از اوست، مانا سبز
بخاطر آیدم آن بیت کوچک روشن
در و برش همه زان سرو ناز رعنا سبز
خوش آن درخت همایون که دست ایزد کاشت
جهان از آن همه نارنج پاک خضرا سبز
چراغ حیفنا از نور مهر او تابان
فضای کرمل از رنگ او سرا پا سبز
خجسته ماه می بود آن که مرد طلب
دو دیده کرد در او بر لقای مولی سبز
چه طلعتی که جهان بر جمال او مسحور
چه صورتی که از او باغ عرش اعلی سبز
دو چشم عاشق بشرویه بر شکفت چو گل
دلش ز صحبت حق همچو شاخ طوبی سبز
درود باد بر آن شهر دلکشا که در او
نهال امر خدا گشت تا ثریا سبز

روحانی
جمین
حتفل
رجل و
به عمر

مبارک
سیمه او
شهر

ریشه در
تر وین
در شهر
شهر
سری ز
وین که
نه به

رجمه
رجمه
رجمه
رجمه
رجمه

عکس
و نفوذ
صید را
بوده
روزگار

بخانه
مکر آن
رجمه
برسان
فتردی

پایان



امّة البهائیه روحیه خانم ۲

باهره روحانی معانی

دنباله از شماره قبل

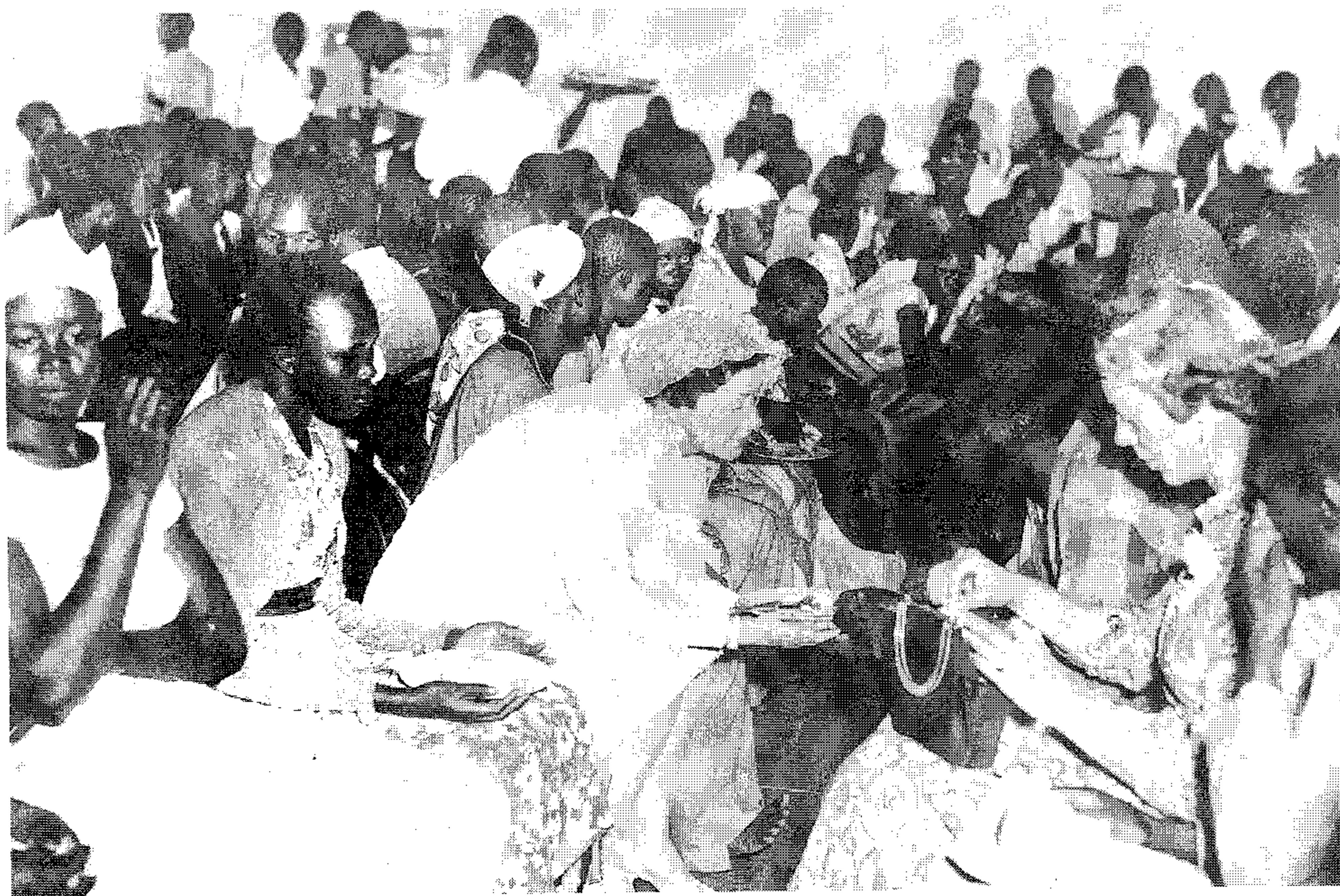
خدمات روحیه خانم پس از صعود حضرت ولی امرالله بسیار دامنہ دار بود که این مقاله گنجایش شرح آنها را ندارد. برای اینکه تا حدی به نقش مهم ایشان بعد از صعود مبارک آشنا شویم، آن خدمات بطور مختصر در دو دوره مورد بحث قرار می‌گیرد.

**الف: از صعود حضرت ولی امرالله
نوامبر ۱۹۵۷ تا تشکیل بیت‌العدل
اعظم در آپریل ۱۹۶۳:**

در ۴ نوامبر ۱۹۵۷ روحیه خانم در همان تلگرافی که با قلب شکسته و حزین دنیای بهائی را از فاجعه صعود حضرت ولی امرالله با خبر نمود، احباء را تشویق فرمود که متحداً و در نهایت استقامت گرد مؤسسه ایادیان امرالله که اخیراً توسط حضرت ولی امرالله تقویت شده و وظایف خطیر آن تأکید گردیده بود حلقه زنند و وفای خود را به آن حضرت که تمام حیات خود را وقف خدمت به امرالله نموده بودند ثابت نمایند. آن تلگراف در روز صعود هیکل مبارک از طریق حیفای مخابره گردید. در همان روز ایشان از دبیر کل شورای بین‌المللی در حیفای، یعنی ایادی امرالله جناب لروی ایواس، خواست که

درهای آپارتمان حضرت شوقی افندی را که هیکل مبارک قبل از سفر بسته بودند مهر و موم نموده و اولیای امور را در اسرائیل از خبر صعود حضرتش آگاه نماید. سپس به انجام تمهیدات کفن و دفن به بهترین وجه ممکن اقدام و مراسم تشییع جنازه در روز ۹ نوامبر ۱۹۵۷ در حضور ایادیان امرالله و نمایندگان چندین محافل ملیّه و جمعی از یاران الهی در لندن انجام گرفت. پس از آن امّة البهائیه روحیه خانم در نهایت تأثر به حیفای مراجعت نمود تا به انجام وظایف خطیری که در پیش بود به همراهی سایر ایادیان امرالله اقدام نمایند، شرح آنچه در آن ایام پر ابتلا گذشت و کیفیت تصمیمات متخذه در مقدمه‌ای که امّة البهائیه به کتاب «the Mimistry of the Custodians» نگاشته‌اند آمده است.

پیداست نقش امّة البهائیه روحیه خانم که مدت بیست سال و اندی نزدیکترین فرد به حضرت ولی امرالله بود و ایشان را در نهایت صفا و وفا و صداقت خدمت کرده بود چه در مجمع ایادیان و چه در جلسات هیأت نه نفری ایادیان مقیم ارض اقدس تا چه حد ارزنده و حیاتی بود. مزیت دیگری که روحیه خانم این بود که باآشنائی تام به فرهنگهای غربی و شرقی



ژانویه سال ۱۹۵۸ کنفرانس بین القارات افریقا در کامپالا

می توانست نکات مورد توجه و حساسیت های همه ایادیان را در وقتی که مولا و رهبر خود را از دست داده و محزون و دلخون با مسئولیتهائی خطیر روبرو بودند بخوبی ادراک و در حل مشاكل ناشی از آن اختلافات فرهنگی کمک مؤثری باشد. مورخین بهائی در آتیه بدون شک نقش مهمی را که حضرت روحیه خانم در آن برهه از زمان برعهده داشت مورد بحث دقیق و عمیق قرار خواهند داد و حق مطلب را ادا خواهند کرد. آنچه در اینجا شایان توجه است شباهت نقشی است که حضرت ورقه مبارکه علیا بعد از صعود حضرت عبدالبهاء و امة البهاء روحیه خانم بعد از صعود حضرت شوقی افندی در حفظ وحدت جامعه جهانی بهائی و نجات امرالهی از ورطه ای بالقوه پر مخاطره و حساس ایفا نمودند. در آن موقعیت حساسی که مرکز میثاق رخت از عالم بر بسته و جانشین ایشان بی خبر از بار مسئولیتی که بردوششان قرار گرفته بود هنوز به ارض اقدس مراجعت ننموده بودند، حضرت ورقه علیا با وجود

تحمل ثقل آن مصیبت کبری یک لحظه از حفظ جامعه جهانی بهائی از رخنه بدخواهان و وسوسه های عهد شکنان غافل نگردید و یاران الهی را در شرق و غرب عالم بهائی از دسیسه های جاه طلبان برحذر داشت، آنان را به وحدت و وفا دعوت نمود و نوید داد که الواح وصایا موجود و تکلیف اهل بهاء را حضرت عبدالبهاء معین فرموده اند. با این ترتیب زمینه را برای معرفی حضرت شوقی افندی، وصی حضرت عبدالبهاء و ولی امرالله، آماده نمود و عالم امر را از انشقاق و بحران های ناشی از صعود مرکز میثاق حفظ کرد.

روحیه خانم پس از صعود حضرت ولی عزیز امرالله همان نقش را ایفا نمود. همانطور که حضرت ورقه علیا از جانشینی حضرت شوقی افندی مطلع و اهل بهاء را برای گرویدن به او و پیروی از او امرش آماده می نمود، امة البهاء روحیه خانم از عدم وجود وصی بعد از حضرت شوقی افندی مطلع و به نقشی که مقدر بود حضرات ایادیان امرالله به عهده گیرند کاملاً



حدود سال ۱۹۶۰ همراه با ۲۱ تن از حضرات ایادی امرالله در ارض اقدس

خطرترین مسئولیت روحیه خانم و حضرات ایادیان امرالله پس از حفظ جامعه جهانی بهائی از انشقاق، توسعه دایره امرالله در سراسر عالم و اجرای اهداف نقشه دهساله و آماده ساختن زمینه برای تشکیل بیت العدل اعظم در سنه ۱۹۶۳ بود. انجام اهداف نقشه دهساله برای تحقق این مشروع عظیم جنبه حیاتی داشت و ایادیان امراللهی منتهای کوشش را برای این منظور نمودند و در رأس مدت معین زمام امور را به ید کفایت مقام مصون از خطای بیت العدل اعظم سپردند. رؤس خدمات بین المللی امة البهاء روحیه خانم بین نوامبر ۱۹۵۷ و آوریل ۱۹۶۳ از این قرار است:

۱ - عضویت شورای بین المللی بهائی تا سال ۱۹۶۱، در آن سال اعضاء شورا، همانطور که حضرت ولی امرالله پیش بینی فرموده بودند، توسط نمایندگان محافل ملی انتخاب گردیدند و حضرات ایادیان از قبل خواسته بودند که در مؤسسات انتخابی عضویت نداشته باشند تا تمام کوشش آنان صرف وظایف سنگینی گردد

واقف بود و این وقوف از خلال مندرجات تلگرافی که در روز صعود مخابره نمود که اهل بهاء گرد ایادیان جمع گردند کاملاً پیداست. همانطور که حضرت ورقه علیا در نهایت محبت و عطوفت حضرت شوقی افندی را پس از مراجعت به ارض اقدس در آغوش مهر خود پرورد و به حمایت و یاری او در کمال جهد و کوشش برخاست امة البهاء روحیه خانم نیز پس از آنکه ایادیان از نبودن جانشین و عدم وصیت نامه غم زده و مأیوس بودند، آنان را تسلی داد و به مقتضای وفا و قیام عاشقانه تشویق نمود تا سفینه امر الهی را تا تشکیل بیت العدل اعظم به سوی ساحل نجات هدایت نمایند. این مقایسه مختصر در ایفای نقش مشابهی که حضرت ورقه علیا و امة البهاء روحیه خانم برعهده داشتند هدفش فقط مقایسه خدمات تاریخی آنان پس از صعود مرکز میثاق و حضرت ولی امرالله است نه مقایسه مقام آنان، چون مقام حضرت ورقه مبارکه علیا، سرحلقه اهل بهاء و ممتازترین زن دور بهائی در تاریخ امر بی مثل و نظیر است.



۱۹۶۰ کانادا، آلبرتا، رئیس قبیله سرخ پوستان طی مراسمی به ایشان لقب «مادر ملکوتی» می دهد

- که برعهده داشتند.
- ۲ - شرکت در تمام جلسات مجمع ایادیان که تقریباً سالیانه تشکیل می شد.
- ۳ - عضویت در هیأت نه نفری ایادیان مقیم ارض اقدس.
- ۴ - شرکت در کنفرانس بین القارات کامپالا، یوگاندا در ژانویه ۱۹۵۸. حضرت ولی امرالله قبل از صعود نمایندگان خود را برای شرکت در پنج کنفرانس بین القارات که در وسط نقشه دهساله قرار بود تشکیل شود معین فرموده بودند که همه از ایادیان امرالله و اعضاء انتصابی شورای بین المللی بهائی بودند. امةالبهاء روحیه خانم نماینده حضرتش در کنفرانس کامپالا بود و از جمله مأموریتهای ایشان آن بود که تربت مقدس غرقة داخلی روضه مبارکه را در شالوده بنای امالمعابد افريقا قرار دهند و همچنین حامل نسخه شمایل جمال اقدس ابهى بودند که بعد از زیارت شرکت کنندگان در کنفرانس با شعرات مبارک حضرت بهاءالله به آرشیو محفل ناحیه ای شرق و مرکز افريقا سپرده شد.
- ۵ - سرپرستی بنای مرقد مبارک حضرت ولی امرالله در لندن در اکتبر و نوامبر ۱۹۵۸.
- ۶ - شرکت در کنفرانس ایادیان امر اروپا در کپنهاگ، دانمارک در جون ۱۹۵۹.
- ۷ - شرکت در کانونشن سالیانه ایالات متحده امریکا و کانادا به نمایندگی از طرف مرکز جهانی بهائی در آپریل ۱۹۶۰
- ۸ - شرکت در مراسم افتتاح امالمعابد افريقا در کامپالا به نمایندگی از طرف مرکز جهانی بهائی در ژانویه ۱۹۶۱
- ۹ - دیدار از مراکز امری یوگاندا، کنیا و تانگانیکا در ژانویه و فوریه ۱۹۶۱ و دیدار مهاجرین و تشویق آنان به ادامه فعالیت در میادین خدمت.
- ۱۰ - شرکت در مراسم افتتاح امالمعابد استرالیا در سیدنی به نمایندگی از طرف مرکز جهانی بهائی در سپتامبر ۱۹۶۱.
- ۱۱ - دیدار از مراکز امری استرالیا، مالایا، اندونزی، ویتنام، کامبوجیا، تایلند و برما در سپتامبر و اکتبر ۱۹۶۱.



اگست ۱۹۶۴ سری لانکا، هنگام عبور از پلی برای رسیدن به یک دهکده بهائی

فراغت بال به اشاعه امرالله و حفاظت جامعه اهل بهاء که وظایف مخصوص آنان بود پرداختند و تحت اشراف معهد اعلی با قیامی عاشقانه به گوشه و کنار پنج قاره عالم سفر نمودند و صیت امراللهی را به گوش جميع طبقات روی زمین رساندند. سفرهای امةالبهاء روحیه خانم با وسایل نقلیه زمینی از زمان تأسیس بیتالعدل اعظم به بیش ۱۰۰/۰۰۰ میل و اسفارشان با هواپیما به بیش از ۵۰۰/۰۰۰ میل تخمین زده شده است. خانم ویولت نخبجوانی در اکثر قریب به اتفاق سفرهایی که بعد از تشکیل بیتالعدل اعظم انجام شد با امةالبهاء روحیه خانم همراه بود و می دید با چه عشق و فداکاری امراللهی را در بین بومیان ممالک مختلف منتشر نموده و با ملاقات سران کشورها و اولیای امور آنان را با اصول و مبادی آئین جمال اقدس ابهی آشنا می نمودند. سفرهای مهم امةالبهاء روحیه خانم از سال ۱۹۶۳ برحسب تاریخ از این قرار است: ۱۹۶۴: سفر نه ماهه به شبه قاره هندوستان

۱۲ - شرکت در کنفرانس ایادیان امراروپا در لوکزامبورگ در دسامبر ۱۹۶۲.

۱۳ - سرپرستی تزئینات داخلی دارالاثار بین المللی، انتقال آثار متبرکه و اشیاء تاریخی از دارالاثارهای فرعی و تنظیم و ترتیب آن آثار در قفسه های مخصوص که حضرت ولی امرالله برای این منظور ابتیاع فرموده بودند.

۱۴ - سرپرستی ترتیبات اولین کانونشن بین المللی بهائی که در آوریل ۱۹۶۳ جهت تشکیل بیتالعدل اعظم در مرکز جهانی بهائی انعقاد یافت.

۱۵ - شرکت در اولین کنگره جهانی بهائی در آوریل و می ۱۹۶۳.

ب: از زمان تشکیل بیتالعدل اعظم در آوریل ۱۹۶۳ تا ژانویه ۲۰۰۰:

پس از تشکیل بیتالعدل اعظم در پایان نقشه دهساله، ایادیان امرالله و بخصوص امةالبهاء روحیه خانم که مسئولیتهای اداری خود را با موفقیت به اتمام رسانده بودند با



نوامبر ۱۹۶۷ بلیویا، بازدید از نهضت مبارزه با بیسوادی، از برنامه‌های محفل ملی آن کشور

یوگاندا، کنیا، حبشه، تانزانیا (و جزیره مافیا)،
زئیر، جمهوری افریقای مرکزی، چاد، نیجریه،
نیجر، دهمی، توگو، گانا، ساحل عاج، لیبیا،
مالی، ولتای علیا، سیرالیون، سنگال، گامبیا،
جمهوری کامرون، زامبیا، رودزیا، بوتسوانا،
جمهوری افریقای جنوبی، جنوب غرب افریقا
(نامی‌بیا)، لسوتو، سوازیلند، موزامبیک،
مالاوی، سیشلز، رواندا، بروندی.

با اغلب سران کشورهای بالا و اولیای
برجسته هریک ملاقات نموده و درباره ظهور
حضرت بهاءالله با آنان گفتگو کردند.

۱۹۷۰ - نماینده بیت‌العدل اعظم در اولین
کانونشن گیانا، سورینام و گیانای فرانسه.
۱۹۷۰ - شرکت در کنفرانس بین‌القارات
بلیویا در لاپاز.

۱۹۷۱ - شرکت در اولین کانونشن ناحیه‌ای
ساحل عاج مالی و ولتای علیا.
۱۹۷۲ - شرکت در اولین کانونشن جزایر
وینوارد.

۱۹۷۲ - شرکت در مراسم افتتاح ام‌المعابد

۱۹۶۴ - شرکت در کانونشن‌های ملی
مالزی، تایلند و ویتنام به نمایندگی از طرف
بیت‌العدل اعظم.

۱۹۶۴ - شرکت در مراسم افتتاح ام‌المعابد
اروپا در فرانکفورت به نمایندگی از طرف
بیت‌العدل اعظم.

۱۹۶۷ - سفر به ادرنه در معیت چند نفر
دیگر از ایادیان امر جهت زیارت محل نزول
الواح ملوک به مناسبت صدمین سال نزول آن
الواح.

۱۹۶۷ - شرکت در کنفرانس بین‌القارات
پاناما به نمایندگی از طرف بیت‌العدل اعظم.

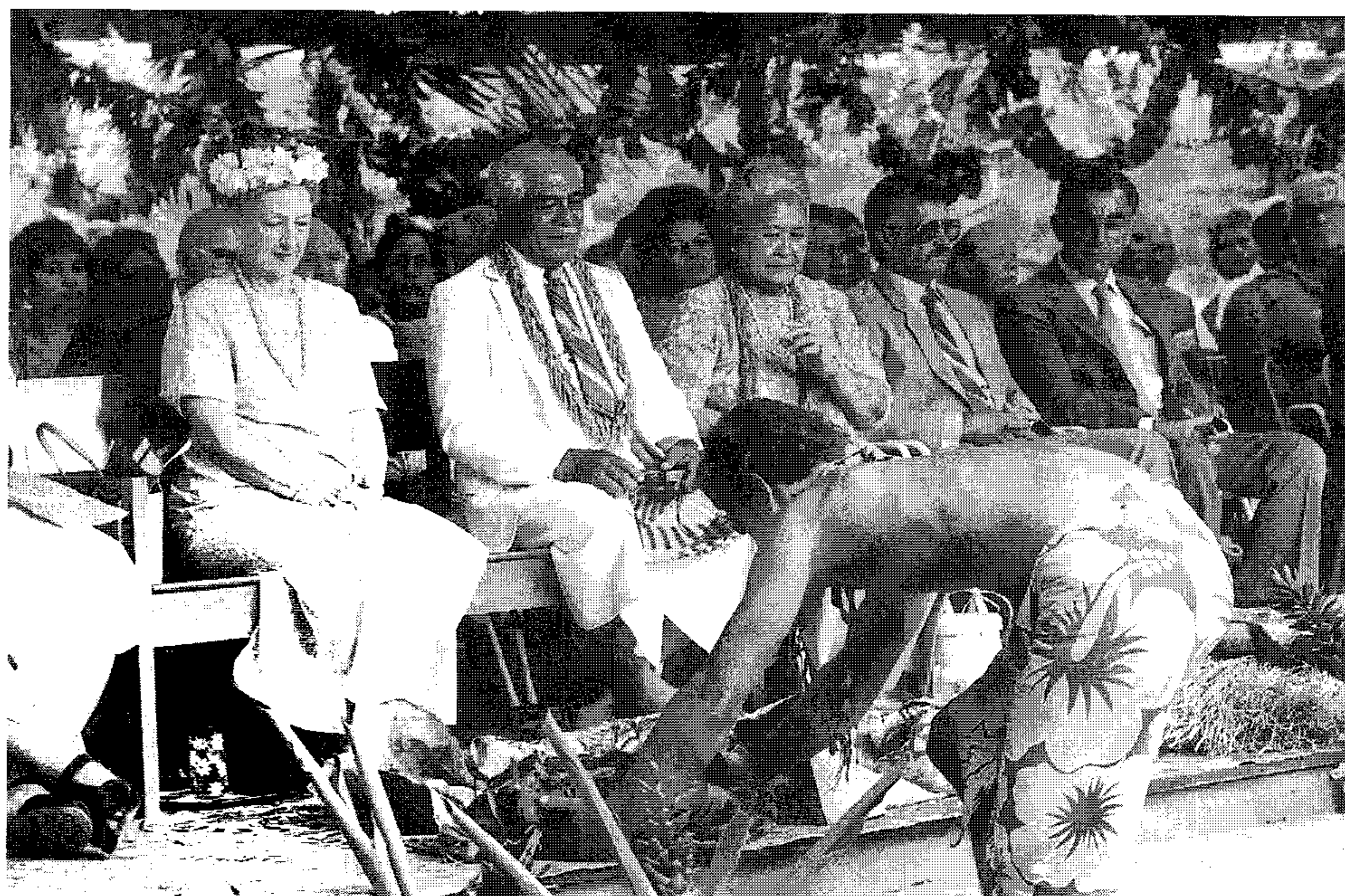
۱۹۶۷ - شرکت در مراسم شروع ساختمان
ام‌المعابد امریکای لاتین در پاناما.

۱۹۶۹ - سفر طولانی به قاره افریقا که در
اگوست ۱۹۶۹ شروع و تا ۱۹۷۳ در چهار
مرحله انجام گرفت. در آن سفر حضرت خانم
رانندگی جیپ را برای مسافت ۳۶۰۰۰ میل
شخصاً به عهده داشتند. لیست کشورهای
متعددی را که دیدن فرمودند از این قرار است:



۱۹۷۵ در آمازون سفر نور سبز

- امریکای لاتین در پاناما. ۱۹۷۳ - در این سال بیت‌العدل اعظم دارالتبلیغ بین‌المللی را تشکیل دادند که اعضای هسته مرکزی آن عبارت بود از چهار ایادیان مقیم ارض اقدس که امة‌البهاء روحیه خانم یکی از آنها بود، و سه مشاور.
- ۱۹۷۳ - سفر به آلاسکا.
- ۱۹۷۴ - شرکت در اولین کانونشن هنگ کنگ.
- ۱۹۷۴ - نخستین سفر به چین.
- ۱۹۷۴ - سفر به هندوستان، بنگلادش، سفیم، نپال و برما.
- ۱۹۷۴ - سفر به ایالات متحده امریکا برای شرکت در کنفرانس سنت لوئیز.
- ۱۹۷۴ - سفر به کانادا.
- ۱۹۷۵ - سفرهفت ماهه به آمازون برای دیدار از طوایف بومی امریکای جنوبی، اغلب مسافت ۸۰۰۰ میلی را که در آن سفر طی نمودند با قایق بود. از آن سفر فیلمی تهیه شده به نام The Green Light Expedition
- ۱۹۷۵ - شرکت در دو کنفرانس که در بلیویا و پرو تشکیل شد.
- ۱۹۷۶ - شرکت در کنفرانس بین‌المللی تبلیغی در پاریس به نمایندگی از طرف بیت‌العدل اعظم.
- ۱۹۷۶ - سفر چند ماهه به برمودا.
- ۱۹۷۷ - سفر سوم به هندوستان. در آن سفر از تایلند، برما، هنگ کنگ، ژاپن، استرالیا، نیوزیلند، فیلیپین، ساموا، فیجی، هبریدیس و نیوکالیدونیا نیز دیدن نمودند.
- ۱۹۷۷ - مراجعت به هند جهت گذاشتن نخستین سنگ شالوده ساختمان ام‌المعابد شبه قاره هندوستان.
- ۱۹۷۸ - دیدار از چند کشور اروپائی.
- ۱۹۷۸ - دیدار از ژاپن، تایوان، هنگ کنگ و ماکاو.
- ۱۹۷۸ - سفر به ساموا جهت نهادن حجر زاویه مشرق‌الاذکار آن کشور.
- ۱۹۷۸ - دیدار دو هفته‌ای از جزایر پاسفیک.



۱۹۸۴ مراسم افتتاح مشرق الاذکار ساموا

- ۱۹۸۱ - نماینده بیت‌العدل اعظم در اولین کانونشن برمودا.
- ۱۹۸۱ - نماینده بیت‌العدل اعظم در اولین کانونشن جزایر لیوارد.
- ۱۹۸۱ - سفر به کشورهای نیکاراگوا، پاناما، کاستاریکا، هندوراس، بلیز، السلوادور، گواتمالا، مکزیک، باهاماس، انتیگوا، پورتوریکو، جمهوری دامینیکان، هائیتی و جامائیکا.
- ۱۹۸۱ - دیدار از اسکاتلند، جزایر دریای شمال و قبرس.
- ۱۹۸۲ - سفرهای دامنه دار در داخل کانادا به مسافت ۲۰۰۰۰ میل و ملاقات با طوایف اسکیمو و بومیان هندی.
- ۱۹۸۲ - سفر مجدد به کشور هائیتی.
- ۱۹۸۲ - شرکت در کنفرانس بین‌المللی مونتریال در کانادا به نمایندگی از طرف بیت‌العدل اعظم.
- ۱۹۸۲ - دیدار از ایالات متحده امریکا، گرینلند، ایسلند و انگلستان.
- ۱۹۸۳ - دیدار از ترکیه و بعضی کشورهای اروپائی.
- ۱۹۸۴ - شرکت در اولین کانونشن جزایر اندامان و نیگوبار به نمایندگی از طرف بیت‌العدل اعظم.
- ۱۹۸۴ - شرکت در مراسم افتتاح مشرق الاذکار ساموا به نمایندگی از طرف بیت‌العدل اعظم.
- ۱۹۸۴ - ۱۹۸۵ - سفر به ۲۶ کشور در پاسیفیک و آسیا، از جمله هندوستان، تایلند، کره جنوبی، گرام، پاپوانیوگینی، ساموا، ماکرونزی، ملانزی، پولینزی و ژاپن.
- ۱۹۸۸ - سفر طولانی به چین.
- ۱۹۸۹ - سفر مجدد به چین.
- ۱۹۸۹ - سفر به مغولستان.
- ۱۹۹۰ - سفر به آرژانتین جهت شرکت در کنفرانس مخصوصی که به مناسبت پنجاهمین سالگرد درگذشت مادرشان، خانم می‌ماکسول، در آن کشور منعقد گردید.
- ۱۹۹۰ - سفر به اروپا، چین و تبت.



۲۲ نوامبر ۱۹۸۵ هنگام ابلاغ پیام صلح بیت العدل اعظم به دبیر کل سازمان ملل متحد

- ۱۹۹۲ - سفر به کشورهای برمودا و کانادا.
 ۱۹۹۲ - شرکت در اولین کانونشن ملی بهائیان بلغارستان.
 ۱۹۹۲ - شرکت در اولین کانونشن ملی بهائیان لهستان.
 ۱۹۹۲ - شرکت در دومین کنگره جهانی بهائی در نیویورک به نمایندگی از طرف بیت العدل اعظم
 ۱۹۹۳ - سفر به مجارستان برای شرکت در مراسم هشتادمین سال سفر حضرت عبدالبهاء به آن کشور.
 ۱۹۹۳ - سفر به جمهوری‌های چک و سلواک.
 ۱۹۹۳ - شرکت در اولین کانونشن ملی بهائیان آذربایجان.
 ۱۹۹۳ - شرکت در اولین کانونشن ملی بهائیان ازبکستان از طرف بیت العدل اعظم
 ۱۹۹۳ - سفر به روسیه و جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ساخالین، بوریات، استونیا، لاتویا، لیتوانیا، بلاروس و اوکراین.
 ۱۹۹۳ - سفر به انگلستان و ملاقات با پرنس فیلیپ در قصر باکینگهام و مذاکره با او در باره تعلیم بهائی در مورد کره خاک.
 ۱۹۹۴ - نماینده بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی بهائیان مغولستان.
 ۱۹۹۴ - نماینده بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی بهائیان کامبوجیا.
 ۱۹۹۴ - سفر به ترکیه و انگلستان.
 ۱۹۹۵ - نماینده بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی بهائیان گرجستان.
 ۱۹۹۵ - سفر به آلبانی برای شرکت در کنفرانس ناحیه‌ای تبلیغی.
 ۱۹۹۵ - سفر به ایالات متحده آمریکا برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی «انتقال به یک جامعه جهانی»
 ۱۹۹۶ - سفر به برزیل برای بزرگداشت هفتاد و پنجمین سال معرفی امر در آن کشور.
 ۱۹۹۶ - سفر به مملکت پرتغال.



۲۲ سپتامبر ۱۹۹۰ در جزایر ساخالین

۱۹۹۷ - سفر به اسپانیا برای بزرگداشت پنجاهمین سال معرفی امر در آن کشور.

۱۹۹۷ - سفر به لوکزامبورگ.

با اینکه کوشش شده تا همه سفرهای مهم امة البهاء روحیه خانم در صورت بالا منظور گردد، این سیاهه بهیچ وجه کامل نیست.

مقام و آثار امة البهاء روحیه خانم:

علاوه بر احراز افتخار همسری حضرت ولی امرالله که ایشان را با فامیل حضرت عبدالبهاء مرتبط ساخت، روحیه خانم در مقام ایادی امرالله، عضو شورای انتصابی بین المللی بهائی، عضو هیأت ایادیان، عضو ایادیان مقیم ارض اقدس در سالهای اولیه تأسیس بیت العدل اعظم و همچنین عضو هسته مرکزی دارالتبلیغ بین المللی بهائی، و در مقام نویسنده ای زبردست و سخنرانی توانا که در پنج قاره عالم سفرهای طولانی نموده و با طبقات مختلف جهان تماس های نزدیک داشته، آئین جمال اقدس ابهی را بهتر و گسترده تر از هر فرد دیگر از

ابتدای تاریخ امر تا کنون ترویج نموده و گوی سبقت را در تبلیغ و اشاعه امرالله از همگان ربوده است. قبل از ایشان تنها نفسی که از نظر سیر و سفر برای تبلیغ و انتشار امرالله در سراسر جهان و تماس با سلاطین و سران ممالک به خدمات جاودانی نایل آمده بود، خانم مارثاروت، فخرالمومنین و المؤمنات بود. علاوه بر سفرهایی که به زوایای کره ارض نمود، امة البهاء روحیه خانم به نمایندگی از طرف حضرت ولی امرالله و همچنین از طرف بیت العدل اعظم نیز به انجام مأموریت های عمده موفق گردید و امرالهی را در انظار آشنا و بیگانه آنطور که شایسته بود جلوه داد و مورد ستایش مولا و محبوب خود و مقام مصون از خطای بیت العدل اعظم الاهی به کرات قرار گرفت.

روحیه خانم علاوه بر زبان انگلیسی که زبان مادری ایشان بود، به زبان های فارسی، آلمانی و فرانسه هم تکلم می نمود و همچنانکه از مادر احساسات روحانی شدید به ارث برده بود از



کنگره نیویورک به نمایندگی از بیت عدل اعظم، نوامبر ۱۹۹۲

3 - Compilation of the International Archives

4 - Intrduction to Bahíyyih Kháanum, The Greatest Holy Leaf

5 - In memoriam: Hand of the Cause of God Paul Heney (in collaboration with Mr. David Hofman.)

6 - In memoriam: Hand of the Cuase of God Enoch Olinga

7 - Introduction to @The Ministry of the Custodians 1957-1963

کتاب ها

1 - Prescription for Living

2 - The priceless Pearl

3 - A Manual for Pioneers

5 - The Desire of the World

6 - The Guardian of the Bahá'í Faith

7 - Poems of the Passing

ذوق هنری و قریحه خلاقیت پدر نیز بهره وافر داشت.

آثار امه‌البهاء روحیه خانم به صورت نطق‌هایی که در زمینه‌های گوناگون نموده وضبط شده فراوان است. علاوه بر آنها از ایشان دو فیلم، یک جلد کتاب اشعار، چند جلد کتاب در باره مقام جمال‌اقدس ابهی و حیات حضرت ولی امرالله و همچنین درباره دستورالعمل زندگی و نکاتی عملی برای استفاده مهاجرین و چندین مقالات باقی مانده که اسامی آنها به قرار زیر است:

فیلم مستند

1 - The Green Light Expedition

2 - The Pilgrimage

مقالات

1 - Twenty five Years of Guardianship

2 - The Guardian of the Bahá'í Faith

دوگانگی فکری و راه سوم

افول کمونیسم شوروی پایان عصر ایدئولوژی‌ها را اعلام کرد اما این بدان معنی نیست که از این پس همه مردم جهان به یک نحو فکر کنند و از جمله در امر توسعه اقتصادی و در مورد سیر امور به سوی جهانی شدن و آزادی تجارت بین‌المللی بر یک عقیده باشند.

مجمع جهانی گفت‌وگو در باره اقتصاد که از سی سال قبل در کوههای گریزون سوئیس در شهرک داوس (Davos) تشکیل می‌شود و حدود هزار و پانصد تن از کارگردانان مؤسسات خصوصی اقتصادی و مسئولان دولتی و برخی از متفکران ممالک، خصوصاً کشورهای توسعه یافته را در ماه ژانویه هر سال به خود می‌کشد، این دوگانگی فکری را خوب نشان داد. از یک طرف عاملان و متفکرانی هستند که معتقدند باید همه موانع بر سر راه سرمایه‌گذاری و بازرگانی آزاد را برداشت و بازار جهانی را بر رقابت مؤسسات باز گذاشت و بالا بردن قدرت تولید و به حداکثر رساندن سود را هدف قرار داد. در مقابل، شخصیت‌های دیگر عقیده دارند که لیبرالیسم اقتصادی باید در تحت نظام و ضابطه‌ای در آید و هدف‌های اجتماعی و حفظ محیط زیست و مبارزه با فقر در ممالک در حال توسعه قویاً مورد توجه قرار گیرد و جهانی شدن سبب تعطیل هزارها کارخانه و کارگاه فاقد قدرت رقابت و از بین رفتن شغل برای طبقات ضعیف جامعه نباشد.

این متفکران با جهانی شدن امور - که تحققش حتمی است - ناموافق نیستند بلکه با

نحوه جریان و سیر کنونی آن سرسازگاری ندارند و ادامه آن را فاجعه‌آمیز می‌دانند. اینان با تمرکز قدرت مالی و اقتصادی جهان در چهار سازمان - صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، و بانک جهانی - که غالباً تحت نفوذ ممالک پر قدرت توسعه یافته عمل می‌کنند، موافق نبوده براین عقیده‌اند که ادامه وضع فعلی به فاصله طبقاتی بین مردم فقیر و ثروتمند جهان خواهد افزود، چنانکه این فاصله در طی قرن بیستم به تدریج افزایش یافته است و در حال حاضر از شش میلیارد جمعیت جهان تنها یک میلیارد نفر در رفاه و ثروت به سر می‌برند، چهار میلیارد نفر از حد اقل معیشت برخوردارند و یک میلیارد نفر در فقر کامل - یعنی با یک دلار در روز - زندگی می‌کنند. علی‌هذا این متفکران تأسیس سازمانی واحد را پیشنهاد می‌کنند که منتخب پارلمانهای ملل و مورد تأیید همه دول باشد، با شعبات لازم نه تنها برای اداره امور مالی و اقتصادی بلکه امور بهداشت، حفظ محیط زیست، تأمین آب سالم، تعلیم و تربیت کودکان، اداره جنگلها، حفظ حقوق مؤلفان و مخترعان و نظائر آنها زیرا که این امور همه به هم وابسته و پیوسته‌اند (در این نظر، تأثیر غیر مستقیم و شاید مستقیم آثار بهائی در این موضوع مشهود است). خوش بینان می‌گویند که تکنولوژی انقلابی جدید در زمینه ارتباطات و مخابرات عامل اصلی رشد اقتصادی در سالهای آینده خواهد بود و میلیاردها دلار عاید

دولتی و بالاخره با طرحهای توزیع بهتر درآمد در داخل هر کشور، عواقب نامطلوب لیبرالیسم بی پروا را کاهش دهند.

□ □ □

آنچه در این میان اشاره‌ای هم به آن نمی‌شود جهات معنوی و روحانی جامعه بشری است. همبستگی میان طبقات اجتماعی را نه با نطق‌های تشویقی رهبران، و نه با قوانین دولتی می‌توان به درستی تأمین و تحکیم کرد. تنها از طریق ایمان است که آدمی برای هم‌نوع خود ارج حقیقی قائل می‌شود و غم او را می‌خورد و حتی از مرحله مساوات در فرصتها و امکانات پا به سوی مواسات، یعنی ترجیح سود دیگری بر سود خود بر می‌دارد. مبارزه با "فساد" که امروزه رسم رایج در همه معاملات بین‌المللی شده است، آیا بدون اعتقاد صمیمی به اصل دینی امانت قابل تحصیل است؟ آیا جهان معاصر آماده است که تعلیم حضرت بهاءالله مبنی بر الغاء افراط در ثروت و فقر را به موقع اجرا نهد و پایه را برای صلح و آرامش جامعه‌های بشری استوار کند؟ در عده‌ای از مؤسسات اقتصادی فروش سهام به کارگران یا احیاناً مشارکت نسبی آنان در منافع و عوائد پذیرفته آمده است، اما این اصل مشارکت را که ضامن همبستگی و تعاون میان نیروی کار و سرمایه است و حضرت عبداله‌بهاء در ضرورت آن این همه تأکید فرمودند آیا جهان هزاره سوم می‌تواند در همه کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و مؤسسات اقتصادی و مالی پذیرا شود و بکار آورد؟ ■

پیام بهائی

دست اندرکاران خواهد کرد، در حالی که بدبینان عقیده دارند که میلیون‌ها مردم در کشورهای کم رشد نه فقط به الکترونیک و انترنت دسترسی ندارند بلکه حتی جریان برق در اختیارشان نیست تا بتوانند به چنان نویدهایی دل خوش کنند و در نتیجه، این انقلاب تازه فنی، فاصله بین اغنیاء و فقرا را افزون‌تر خواهد کرد و به عدم تعادل و تشنجات ناشی از آن منتهی خواهد شد. قابل یادآوری است که در آمریکا، مروج بزرگ و مقتدر "تجارت آزاد" (Free trade) روزنامه معروف وال استریت چند ماه قبل از مردم آن سرزمین سؤال کرد که در باره تجارت بین‌المللی چه فکر می‌کنند؟ ۵۸ درصد آمریکائیان عقیده داشتند که تجارت آزاد بین‌المللی خطری برای اقتصاد داخلی است و کار و اشتغال را در معرض تهدید قرار می‌دهد، و این اظهار عقیده به هنگامی شد که آمریکا در دوره رشد مداوم و نزدیک به اشتغال کامل بسر می‌برد.

در میان جانبداری از ضعف و فقر و فکر ضرورت تأمین نیازهای اساسی مردم از یک سو، و طرفداری از منافع تجارت بین‌المللی و سیر بلامانع جهانی شدن از سوی دیگر، دو تن از رهبران بزرگ جهان دعوی راه سومی را دارند و آن راه این است که جهانی شدن و لیبرالیسم اقتصادی و تجارت آزاد را به عنوان واقعیات اجتناب ناپذیر قبول کنند و در عین حال با طرحهای اجتماعی چون گسترش آموزش و پرورش در همه قشرهای جامعه و تأمین بهداشت برای همگان و جلوگیری از اجحافات سرمایه داران بزرگ و افتتاح باب مکالمه و تبادل نظر دائم بین کارگردانان اقتصادی جهان با جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی غیر

آیا صلح اصغر نزدیک شده است؟ (۲)

نوشتهء دکتر وندی مؤمن

ترجمهء دکتر کیومرث مظلوم

دنباله از شمارهء پیش

صلح اصغر تا چه حد نزدیک شده است؟

آنها که طبیعتاً اهل سازشند همهء این نظریه‌ها را تا اندازه‌ای صحیح می‌دانند و اظهار می‌نمایند که با برداشت عناصر هر يك از این نظرها می‌توان سیاهه‌ای از نشانه‌هایی ترتیب داد که وقتی با رویدادهای جهان مقابله کردند ممکن است در تعیین میزان نزدیکی به صلح اصغر به ما یاری دهند. البته در اینجا نزدیکی صلح تنها از جنبهء زمانی مورد نظر نیست بلکه بیشتر برای آنست که دریابیم تا چه اندازه شرایط لازم برای تأسیس صلح اصغر فراهم شده است.

نشانهء اول: انجمن زمامداران عالم

حضرت بهاءالله چنین پیشگویی فرموده‌اند: «لابد بر اینست مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند و آن اینست که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند.»^{۲۴}

حضرت عبدالبهاء پیشنهاد می‌فرمایند که سران دولتها شخصاً در چنین اجتماعی حاضر گردند و در ضمن خطوط اصلی متن مذاکرات انجمن را نیز به این شرح بیان می‌فرمایند: «چند ملوک بزرگسوار بلند همت آفتاب رخشندهء عالم غیرت و حمیت به جهت

حریت و سعادت عموم بشر به عزمی ثابت و رأیی راسخ قدم پیش نهاده مسئلهء صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و به جمیع وسائل و وسائط تشبث نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و يك معاهدهء قویه و میثاق و شروط محكمهء ثابتة تأسیس نمایند و اعلام نموده به اتفاق عموم هیئت بشریه مؤکد فرمایند این امر اتم اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است کل سگان ارض مقدس شمرده جمیع قوای عالم متوجه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند.»^{۲۵}

حضرت عبدالبهاء مسائل اصلی مندرج در عهدنامه‌ای که در انجمن زمامداران عالم باید مورد قبول قرار گیرد به شرح زیر مشخص می‌فرمایند:

«و در این معاهدهء عمومی تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیه و روابط و ضوابط مابین هیئت حکومتیهء بشریه مقرر و معین گردد و كذلك قوهء حربیهء هر حکومتی به حدی مشخص شود چه اگر تدارکات محاربه و قواء عسکریهء دولتی ازدیاد یابد سبب توهم دول

پیشرفت اجتماعی را با هم می‌توان همان مجمعی دانست که حضرت بهاء‌الله از آن سخن به میان آورده‌اند.

بیت العدل اعظم در سال ۱۹۹۵ در پیام خود به محافل ملی در معرفی نشریه "سعادت نوع بشر" (Prosperity of Humankind) این کنفرانس‌ها را «نقطه اوج و کمال فعالیت‌های بی‌شماری» محسوب می‌دارند «که در نقاط مختلف دنیا به ابتکار بسیاری از سازمان‌های غیردولتی- برای یافتن ارزش‌ها، نظرها و وسایل عملی که بتوانند چشم‌اندازهایی برای پیشرفت همه مردمان در صلح و آرامش فراهم آورند- انجام می‌گردد.»^{۳۱} به علاوه بیت العدل اعظم خاطرنشان می‌کنند که در این کنفرانس‌ها و فعالیت‌ها می‌توان «آغاز تبلور وحدت افکار را برای امور خطیر جهانی مشاهده کرد که تحقق آن در آثار مقدس این امر از جمله چراغ‌های وحدتی محسوب شده که راه به سوی صلح را روشن می‌کنند.»^{۳۲}

جریان بنای صلح اصغر با برگزاری يك سلسله از کنفرانس‌ها و انجمن زمامداران را شبیه سرگرمی موزائیک دانسته‌اند که به تدریج قطعات بریده شده کوچک و متعددی از يك تابلو در کنار هم قرار داده می‌شوند تا تابلوی مورد نظر به دست آید. قرار دادن این قطعات توسط بازی کن احتمالاً اتفاقی است و مطابق نظر طراح آن نمی‌باشد اما با گذاردن هر قطعه، اشتباهات قبلی اصلاح می‌گردند تا به تدریج سرانجام تابلو کامل گردد. صلح اصغر نیز، به عقیده اهل بهاء مطابق نقشه الهی، با برگزاری این گردهمایی‌ها، مانند سرگرمی موزائیک، به تدریج شکل می‌گیرد تا سرانجام بطور کامل بدست آید. طبق این نظریه هنگامی که همه تابلو بازسازی شود ممکن است هنوز قطعاتی باشند که به درستی در جای خود قرار نگرفته باشند و یا جاهای خالی که باید

سائره گردد.»^{۳۶}

اساس عمل حکومت جهانی که توسط انجمن زمامداران عالم و بر اساس عهدنامه مورد قبول بوجود می‌آید، امنیت عمومی است. حضرت بهاء‌الله در این باره فرموده‌اند:

«و اگر ملکی بر ملکی برخیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند.»^{۳۷} و نیز فرموده‌اند:

«ان اتحدوا یا معشر الملوك به تسكن ارياح الاختلاف بينكم و تستريح الرعية و من حولكم... ان قام احد منكم على الآخر قوموا عليه ان هذا الا عدل مبين.»^{۳۸}

در سال ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم در بیانیه صلح فرموده‌اند:

«دریفا که انعقاد چنین مجمع عظیمی بسیار به تأخیر افتاده است...»^{۳۹}

بنا بر این اجتماع پنجاه سال پیش سران کشورها در سانفرانسیسکو برای تأسیس سازمان ملل متحد را نمی‌توان همان مجمعی دانست که مورد توجه آئین بهائی است. علاوه بر این اجتماع سانفرانسیسکو در دوران زندگانی حضرت ولی امرالله بوجود آمد و آن حضرت با آنکه در توقیعات خود از آن یاد فرمودند^{۴۰} اما هیچگاه آن را همان انجمنی ندانسته‌اند که حضرت بهاء‌الله زمامداران جهان را به تشکیل آن دعوت فرموده‌اند.

بدیهی است که تاکنون هیچگونه مجمعی تشکیل نگردیده که تمام شرائطی را که حضرت عبداله‌بهاء تعیین فرموده‌اند در آن جمع باشد. ولی از آنجا که اکنون ده سال از صدور بیانیه صلح توسط بیت العدل اعظم گذشته است آنانکه دارای نظریه تدریجی برای تأسیس صلح اصغر می‌باشند اظهار می‌دارند که سلسله کنفرانس‌های اخیر سران کشورها درباره مسائل مانند جمعیت، حقوق بشر، محیط زیست، مسکن و

پُر شوند.

جریان مذاکرات و چانه زدن‌های طولانی لازم پیش از امضای هرگونه پیمانی در هر کنفرانس این احساس را بوجود می‌آورد که عمل آوردن صلح اصغر در زیر سندان این آهنگران تا چه اندازه پُرزحمت و نیازمند به نیرو و تلاش فراوان است. زیرا آنها که از نزدیک شاهد بوده‌اند این مذاکرات را بسیار آهسته، طولانی و کش‌دار یافته‌اند و نتیجه به دست آمده از هر کنفرانس نیز همیشه واضح و مشخص نبوده است. در حقیقت تکیه زیاد مذاکره‌کنندگان بر روی کلمه یا جمله و ویژه‌ای که بیشتر به نفع آنان است و دقتی که در این کار منظور می‌گردد بیشتر ماهیت اینگونه مذاکرات صلح را آشکار می‌سازد و هر ناظری به سادگی در می‌یابد که این مذاکرات برای دستیابی به توافقات سیاسی است و نه صلحی که به "صلح اعظم" منتهی گردد.

در ماه‌های اخیر پیشرفت جالب توجهی که حاصل گردیده پیشنهاد کمیسیون حکومت جهانی (Commission for Global Governance) است برای تشکیل کنفرانسی جهانی در سال ۱۹۹۸ به منظور مشورت پیرامون حکومت جهانی. تاکنون بررسی‌هایی بر روی گزارش کمیسیون نامبرده که با عنوان "همسایگی ما بر روی زمین" (Our Global Neighbourhood) منتشر گردیده آغاز شده و اقداماتی نیز صورت گرفته است.

تعدادی از سازمان‌های غیردولتی در بسیاری از کشورها شروع به مطالعه بر روی پیشنهادات مندرج در این گزارش کرده‌اند و مذاکراتی با نمایندگان و بلندپایگان دولت‌ها در جریان است تا از پیشنهاد تشکیل چنین کنفرانسی زیرنظر سازمان ملل متحد پشتیبانی نمایند.

نشانی دوم: مصیبت و بلا

همانند خود صلح اصغر، درباره مصیبت و بلا نیز نظرات و اندیشه‌های متفاوتی چه از نظر ماهیت و چه درباره زمان وقوع آن وجود دارد. بعضی از بهائیان باور دارند که مصیبت و بلا یکباره رخ خواهد داد، در حالیکه به عقیده برخی دیگر ما در میان بلایا و رنج‌هایی قرار گرفته‌ایم که به تدریج از سال ۱۸۶۸ یعنی از هنگام رد پیام حضرت بهاء‌الله از طرف پادشاهان و زمامداران وقت به تدریج عالم انسانی را فرا گرفته است. در حقیقت در مرقومه‌ای که از طرف بیت العدل اعظم نگارش یافته اظهار شده است که «بلایا چه در گذشته و چه در حال حاضر وجود داشته و دارند و در آینده نیز تا هنگام تأدیب کافی بشریت برای قبول مظهر امر الهی در این عصر، ادامه خواهند داشت.»^{۳۲}

بی‌گمان پس از تحریر بیان مذکور جهان در دو دهه گذشته محنت‌هایی به مراتب دردناکتر را آزموده است. هرگاه مصیبت‌ها و رنج‌های دو جنگ جهانی، جنگ‌های بیافرا، ویتنام و کامبوج همراه با قحطی‌های مکرر در افریقای مرکزی و سیل‌های متناوب در جلگه‌های هندوستان کافی برای تأدیب بشریت نبوده است انسان در حیرت است که جهان هنوز چه رنج‌ها و محنت‌های دیگری را باید در انتظار باشد.

جان هاچر John Hatcher در کتاب "قوس صعود" (The Arc of Ascent) اظهار می‌دارد که بلایا باید نتیجه رفتار انسان باشند تا بشر از آن پند گیرد و نه زمین لرزه‌های پی در پی و سیل‌ها یا حمله به گره زمین از کرات دیگر. وی می‌گوید: «به استنباط ما درس‌هایی که بلایا به ما می‌دهند باید روشن و واضح باشند یعنی از آن بتوان آموخت که مثلاً ماتریالیسم بی‌بند و بار عامل تباهی سازمان‌های دولتی است یا رفاه مادی میزان مناسبی برای سنجش کامیابی انسان و پارسایی او نیست یا اینکه حکومتی که بر همه

مستولی بر آن را تبدیل به دنیایی کرد که در آن هماهنگی و همکاری حاکم باشد.

«نظم جهانی را تنها بر اساس این آگاهی تزلزل ناپذیر که بشر نوع واحد است می‌توان استوار ساخت و این حقیقتی است معنوی که تمام علوم انسانی آن را تأیید کرده‌اند. از نظر علمی چون مردم شناسی، فیزیولوژی و روانشناسی با آنکه از جنبه‌های ثانوی زیست بین انسان‌ها تفاوت‌های بی‌شماری موجود است، نوع انسان یکی بیش نیست. اذعان به این حقیقت مستلزم ترك هر نوع تعصب از قبیل: نژادی، طبقاتی، تعصب از نظر رنگ پوست، دینی، ملی، جنسی، تعصب در میزان تمدن مادی و بطور کلی تعصب در هرچیز که مردم را وادار به احساس برتری نسبت به دیگران نماید، می‌باشد.

پذیرش وحدت نوع انسان اولین شرط اساسی برای تجدید سازمان جهان و اداره آن به صورت يك کشور واحد که به منزله خانه انسان است می‌باشد. از آنجا که پذیرش جهانی این اصل معنوی در موفقیت هرگونه کوششی برای پایه‌گذاری صلح در جهان امری است ضروری، لازم است به منظور تدارك تغییرات مؤثر در ساختمان هر جامعه‌ای این اصل را در تمام دنیا اعلان نموده آن را در مدارس تعلیم داد و پیوسته در تمام کشورها از آن حمایت کرد.»^{۳۷}

آیا می‌توان ادعا کرد که در تمام جهان "آگاهی بر وحدت نوع بشر" حاصل شده است؟ اگر اظهار شود که چنین آگاهی در اسنادی که مورد موافقت تعدادی از کشورها قرار گرفته (مانند منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر) منعکس می‌باشد در آن صورت باید پرسید تا چه میزان وحدت نوع انسان در عمل و از نظر

گروه ارض فرمانروایی کند نه تنها عملی است بلکه تنها راه نجات انسان از نابودی وی است.»^{۳۴} بنا بر این «فاجعه‌ای طبیعی... در حالیکه ما را وامی‌دارد تا درباره اقدامات فوری و لازم [برای فائق آمدن بر آن] اندیشه نمائیم، به نظر نمی‌آید که به ما بیاموزد که خود ما مسئول وضع فلاکت بار خویش می‌باشیم و نه باعث می‌شود که ما در این حادثه لزوم منطقی اندیشه درباره هویت خود را بیابیم یا درصدد تغییر سازمان‌های حکومتی خود به منظور مقابله با فاجعه‌ای که به آن مربوط نیست و در طبیعت بارها پیش می‌آیند برآئیم.»^{۳۵}

چنین می‌نماید که این نظر با آنچه حضرت ولی امرالله درباره بلایا بیان فرموده‌اند و پیش از این آن را نقل کردیم هماهنگ باشد آنجا که فرموده‌اند:

«جنگ، قحطی و ناخوشی‌های همه‌گیر مانند طاعون»- که عموماً نتیجه اعمال (یا عدم اقدامات) انسان می‌باشند- «اغلب فاجعه‌هایی هستند که بالاترین نقش را در تحريك وجدان دنیا بازی می‌کنند.»

نشانه سوم: تجدید بنیان نوع بشر در نتیجه اعتراف عموم به وحدت و جامعیت نوع انسان^{۳۶}

آیا صلح اصغر وابسته به شناسایی عمومی وحدت نوع انسان است؟ آیا باید پیش از دستیابی به صلح اصغر به این شناسایی نائل شد یا اینکه با تأسیس صلح اصغر می‌توان وحدت نوع انسانی را بازیافت؟ بیت العدل اعظم در بیانیه صلح ذکر کرده‌اند که بین این دو رویداد رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد، چنانکه می‌فرمایند:

«اساسی‌ترین مسئله‌ای که باید حل گردد اینست که چگونه می‌توان دنیای کنونی، با تمام رقابت‌ها و برخوردهای مداوم و شدید

خوشه هائی از خرمن ادب و هنر

شامل سخنرانی‌های دهمین دوره

انجمن ادب و هنر

با مقالات جالب و خواندنی

درباره حیات و آثار

ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی

همراه با تصاویر زیبا و نمونه های

خوشنویسی ایشان در ۳۰۰ صفحه با

جلدی زیبا منتشر شد

این کتاب نفیس را از مراکز فروش کتاب های بهائی و یا «عصر جدید» به نشانی زیر بخواهید

Asja Publishers

Elisabethenstr 31

D-64283 Darmstadt, Germany

Tel: 49-6151 28930

Fax : 49-615120393

شما فروکش کند و مردم راحتی یابند. هرگاه یکی از شما علیه دیگری قیام نماید همگی علیه او بپا خیزید زیرا چنین اقدامی نیست جز عدلی آشکار.»

۲۹- بیانیه صلح بیت العدل اعظم

۳۰- حضرت شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۰

31- The Prosperity of Humankind, 1995, pp. iii-iv.

۳۲- همانجا، ص ۱۷

۳۳- از مرقومه‌ای که از طرف بیت العدل اعظم به یکی از بهائیان نگاشته شده و در کتاب Lights of Guidance شماره ۴۲۷ صفحه ۱۲۸ آمده است.

34 - John S. Hatcher, The Arc of Ascent: The Purpose of Physical Reality II (Oxford: George Ronald Publisher, 1994), p.248.

35- Ibid, p.249

۳۶- حضرت شوقی افندی، قد ظهر يوم الميعاد، ص ۷۷.

۳۷- بیانیه بیت العدل اعظم.

رسمی و سیاسی مورد قبول قرار گرفته است. البته نسبت به پیش از سال ۱۹۴۵، که بطور مثال در کشور آلمان بخشی از مردمان از نظر سیاسی و قانونی جزء جامعه انسانی شناخته نمی شدند، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای حاصل شده است. از آن گذشته هرگاه طرز رفتار استعمارگران و برده‌داران را در برابر استعمار شدگان و بردگان بخاطر آوریم این پیشرفت را زیاده‌تر خواهیم یافت.

اما با همه این پیشرفت‌ها هنوز "تجدید بنیان نوع بشر" حاصل نگردیده است. نژاد گرایی نه فقط از میان برداشته نشده بلکه به نظر می‌رسد که در بعضی از جامعه‌ها رو به افزایش باشد. آتش احساسات ضد سامی که ده‌ها سال در اروپای شرقی در زیر خاکستر پنهان بود دوباره زبانه کشیده است. زنان هنوز برابر با مردان به آموزش و پرورش، استخدام و سایر موقعیت‌ها دسترسی ندارند. با وجود کنفرانس اخیر درباره حقوق کودکان، تجاوز جنسی به خردسالان در همه‌جا دیده می‌شود و واداشتن آنان به کار اجباری در کشورهای شرق همچنان ادامه دارد. حقوق معلولین و بیماران روانی در بسیاری از کشورها نادیده گرفته می‌شود و در چین، بطور مثال، افراد معلول و بیماران روانی را عقیم می‌نمایند (امکاناً کوششی برای پرده پوشی مجازات مخالفین سیاسی و مذهبی؟). بدیهی است تنها صدور اعلامیه‌ای که در آن ذکر شده باشد "بشریت نوع واحد است" لزوماً آن را به صورت حقیقتی قابل لمس در نمی‌آورد.

بقیه در شماره آینده

یادداشت‌ها

۲۸- همانجا شماره ۱۱۹، ص ۱۶۳

ترجمه تقریبی بیان مبارك به فارسی: «ای پادشاهان جهان به اتحاد رو آورید تا طوفان اختلاف در میان

یک سفر تاریخی دیدار پاپ اعظم از فلسطین و اسرائیل

خاصّ دینی بجای آورد. از اردن عازم بخش غربی رود اردن که در اختیار فلسطینی هاست گشت و هنگام بازدید از بیت اللحم زمین آن شهر را که زادگاه حضرت مسیح بوده است بوسید. در مراسمی که رهبر فلسطینی‌ها آقای یاسر عرفات نیز حضور داشت اظهار کرد که هیچ کس نمی‌تواند منکر رنج‌های فراوان مردم فلسطین در سال‌های طولانی گذشته بشود و به فلسطینی‌هایی که در آن مراسم حاضر بودند گفت دنیا شاهد رنج‌های بسیار طولانی شما بوده است و سران دولت‌های عالم برای تخفیف این دردها و مشکلات باید راه چاره جدی بیندیشند. وی هم چنین خواستار تشکیل کشور مستقل برای فلسطینی‌ها گردید و گفت «واتیکان همواره معتقد بوده است که مردم فلسطین باید سرزمین خود را داشته باشند. این هدفی است که همه ما باید برای حصول آن دعا و کوشش نمائیم زیرا این اراضی مقدّسه فقط وقتی به آینده‌ای درخشان دست خواهد یافت که بین ساکنان آن تفاهم و آشتی و دوستی برقرار گردد.» در کشور اسرائیل وی رسماً از مردم یهودی جهان بخاطر سیاست واتیکان در زمان جنگ جهانی دوّم معذرت خواست. در آن جنگ بود که آلمان هیتلری شش میلیون یهودیان کشورهای اروپائی را با برنامه‌ای منظم نابود ساخت و در کوره‌های مخصوص سوزاند. سکوت کلیسای با نفوذ کاتولیک و گاه همگامی آن دستگاه با برخی اقدامات فاشیست‌های ایتالیا و آلمان لکه ننگی بر دامان واتیکان است

در اواخر ماه مارچ پاپ اعظم جان پل دوم Pope John Paul II سفری به خاور میانه نمود و از چند کشور منطقه از جمله سرزمین خودگردان فلسطین و کشور اسرائیل دیدن کرد. هدف پاپ از این سفر زیارت قدمگاه‌های حضرت مسیح و اماکن مقدّسه‌ای بود که مربوط به مسیحیت می‌شود و اگر چه وی ظاهراً قول داده بود که حرفی در مورد سیاست حسّاس منطقه نزند ولی در طول سفر صریحاً به ابراز نظریات خود پرداخت که در اینجا به آن اشاره‌ای خواهیم کرد. این نخستین بار نبود که رهبر کاتولیک‌های جهان رهسپار ممالک دور و نزدیک می‌شد و در مراسم گوناگون چه مربوط به کلیسای مسیحی و چه غیر آن شرکت می‌نمود. سفرهای پاپ که اکنون سنن کهنولت را طی می‌کند به خاور دور، امریکای مرکزی، اروپای شرقی، آفریقا و حال به خاور میانه، به او در میان تمام پاپ‌ها مقام خاصی داده است. اهمیّت این سفرها در آنست که پاپ در همه جا از صلح و دوستی و برادری و آزادی صحبت می‌کند و کوشش دارد صورت تازه‌تری از کلیسای کاتولیک به جهانیان بنمایاند.

بیانات او مخصوصاً در سفر اخیر با اهمیّت بیشتری تلقی شد. در این سفر وی از مراکز مقدّس مذهبی هر سه مذهب یهودی، مسیحی و مسلمان دیدن کرد و همه جا با استقبال هزاران مردم از پیروان این سه دیانت روبرو گردید. در کنار رود اردن که گفته می‌شود حضرت مسیح در آنجا غسل تعمید یافته است مراسم

که اینک پاپ با پوزش رسمی خود امیدوارست آن کوتاهی را تا حدی جبران سازد. وی هم چنین از سایر گناهان و قصورهای کلیسای کاتولیک از جمله تفتیش عقاید در قرون وسطی که موجب قتل صدها هزار مردم روشنفکر و دیگر اندیش بود عذر خواهی کرد.

پاپ اعظم که اکنون ۷۹ سال دارد و بسیار ضعیف بنظر می‌رسد در این سفر با چابکی و تحمل سختی‌های سفر همه را متعجب ساخت. روزی که سفر شش روزه‌اش به پایان می‌رسید ابتدا از مسجد الاقصی که پس از خانه کعبه مقدس‌ترین مکان در عالم اسلام است دیدن کرد سپس به کلیسای مرقد مقدس رفت و سرانجام با پیمودن ۸۶ پله خود را به دیوار ندبه رساند و همانطور که رسم یهودیان است کاغذی که حاوی پیامی به بارگاه الهی بود در سوراخ سنگ‌های دیوار جا داد، سپس با دست خود به عادت صلیبی روی هوا رسم نمود. برنامه روز آخر نمودار کامل هدف پاپ از این سفر بود یعنی ایجاد آشتی و دوستی بین سه دین ابراهیمی: یهودی، مسیحی و اسلام. کاغذی که پاپ اعظم در دیوار ندبه قرار داد بلافاصله از طرف مقامات اسرائیلی به موزه «یهود کشی Holocaust» شهر اورشلیم انتقال داده شد. پاپ بر روی آن کاغذ اینطور نوشته است:

«ای خدای پدران ما، تو ابراهیم و فرزندان او را برگزیدی که نام ترا به ملت‌ها برسانند. ما از رفتار کسانی که در طول تاریخ موجب رنج فرزندان تو شده‌اند متأسفیم، از تو طلب پوزش و غفران می‌کنیم و آرزو داریم که خود را پای بند برادری حقیقی با مردم اهل میثاق نمائیم. اورشلیم ۲۶/۳/۲۰۰۰ یوحنا پالوس دوم.»

پاپ در آغاز همین ماه از میدان سن پل رم که مقر واتیکان است طی پیام رسمی از یهودیان

جهان معذرت خواسته بود، و لذا باید امیدوار بود با اقدام اخیر او حساب خصومت دو هزار ساله بین یهودی و مسیحی بسته شود. (بخشی که در ص ۳۵ در داخل همین مقاله آمده نیز ملاحظه فرمایید)

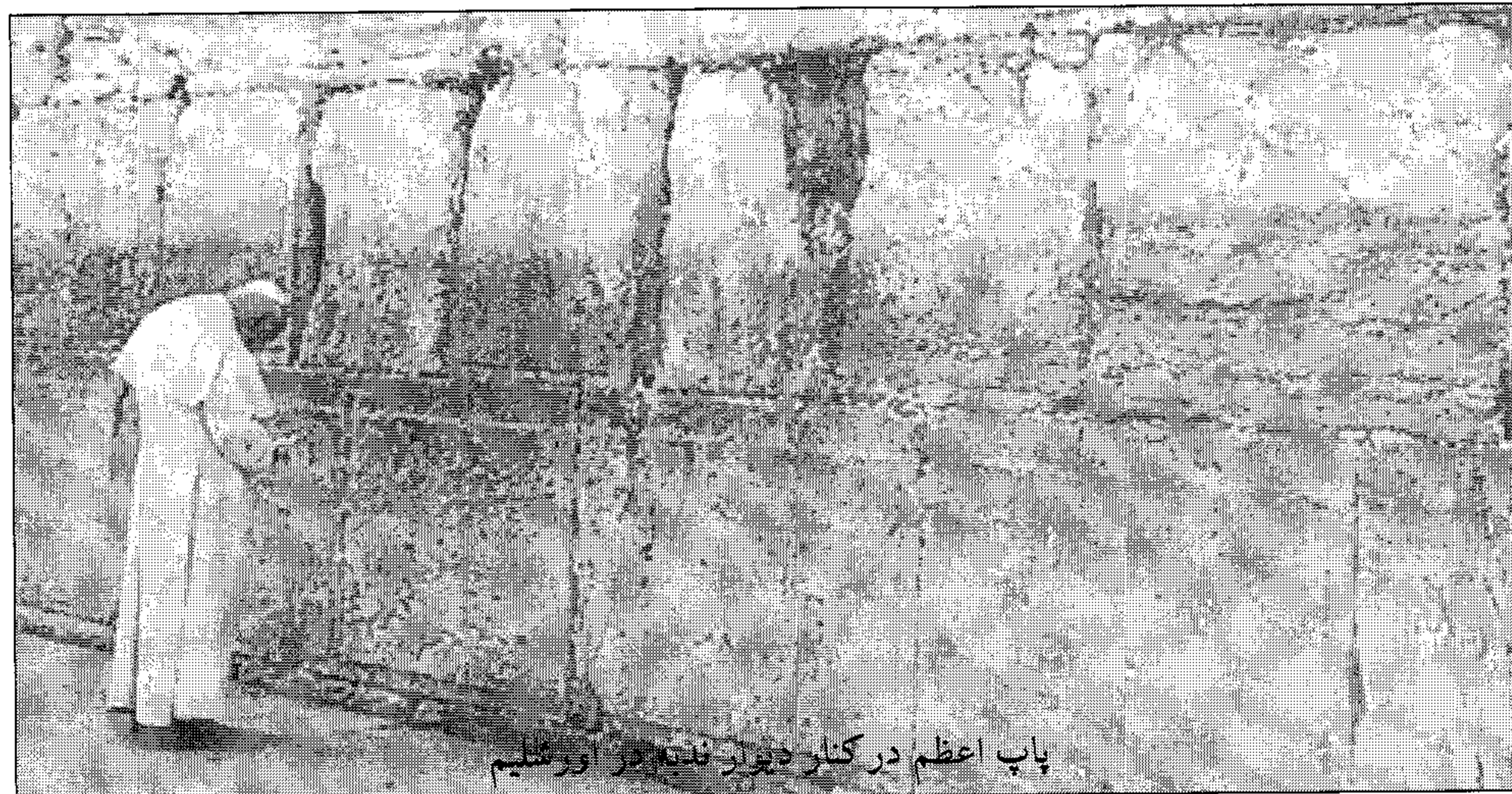
در مراسم با شکوهی که در حاشیه دریاچه طبریه انجام گرفت هزاران نفر از مسیحیان که نیمی از ایشان از خارج برای شرکت در آن به اسرائیل سفر کرده بودند حضور داشتند. آن مراسم از بسیاری تلویزیون‌های جهان پخش شد و در آنجا نیز بیانات پاپ بر مبنای دوستی بین ادیان و تفاهم و آشتی و صلح عمومی استوار بود.

□ □ □

برای بهائیان سفر پاپ مخصوصاً سخنان مسالمت‌آمیز ایشان مایه کمال خوشوقتی است زیرا در همان مسیر فکری و اعتقادی اهل بهاست که هدفی و نیتی جز صلح و ایجاد محبت بین ادیان و اقوام گوناگون و هم‌زیستی صمیمانه بین ملت‌های مختلف جهان ندارند.

اما اگر حضرت پاپ قبل از سفر به اراضی مقدسه به بایگانی واتیکان مراجعه می‌نمود و سابقه و رابطه آن سرزمین را با واتیکان جویا می‌شد شاید می‌توانست به نسخه‌ای از خطابی که بیش از یکصد سال پیش مسجون شهر عکا، حضرت بهاءالله، به یکی از اسلاف او پاپ مقدس نهم Pope Pius IX از ادرنه ارسال فرموده بودند دست یابد و در آن بخواند که به او فرموده‌اند قصر و ثروت و مقام خود را رها کند، در راه حق گام بردارد، و از پادشاهان و سلاطین بخواهد که به عدل توجه کنند و از مرزی که کتاب الهی معین فرموده تجاوز نمایند.

هم چنین اگر پاپ تجسس را درباره صاحب این پیام الهی ادامه می‌داد به آسانی در می‌یافت



پاپ اعظم در کناره دیوار قدیم در اورشلیم

می‌کرد و نه روزنامه‌های عالم به درج اخبار آن سفر و چاپ عکس‌ها و سخنرانی‌هایی که داروی درد جهانیان بود پرداختند.

افسوس که نه پاپ مقدس نهم توجهی به لوحی که به افتخارش نازل شده بود نشان داد و نه سیاستمداران و دولتمردان به پیام صلح و آشتی که حضرت عبدالبهاء در عالم سر دادند اعتنائی نمودند. بلکه دو جنگ جهانی - که اکنون پاپ اعظم از دخالت و نقش واتیکان در آن از جهانیان عذر می‌خواهد - دنیا را ویران کرد و میلیون‌ها نفر را به سینه قبرستان‌ها فرستاد. فاجعه‌ای که می‌توانست از حدوث آن جلوگیری شود و نشد.

امید و آرزوی اهل بها حصول اهداف دیانت بهائی است یعنی ایجاد صلح و آشتی و اتحاد و وحدت در عالم انسانی. جای خوشوقتی است که پاپ اعظم رهبر کاتولیک‌های جهان و نیز مردمان و گروه‌های دیگر اکنون به جوهر و حقیقت این اهداف واقف شده آن را همراه با میلیون‌ها بهائی در عرصه جهان تبلیغ می‌کنند، باشد که فاجعه جنگ‌های جهانی و ناحیه‌ای برای همیشه پایان یابد. ■

۹۹

که فرزند همان زندانی، پس از آنکه خود از زندان سلطان عثمانی آزاد شد بلافاصله در سنین کهولت سفری طولانی به اروپا و امریکا فرمود و در خطباتی که متون آن همگی موجود است ادیان مختلف را به برادری و محبت خواند. در کلیسای مسیحی ترویج اسلام کرد و در کنیسه یهودیان حقانیت حضرت مسیح را اثبات فرمود، در جمع مادیون دلایل درباره وجود خداوند گفت، و در انجمن خداپرستان از اهمیت علم و دانش و لزوم آن با دین و عقل سخن راند. در همه جا دست به دعا برداشت که ای خدا: «جمع ملل را ملت واحد کن تا اجزای یک خانمان گردند و روی زمین را یک وطن دانند و به نهایت اتحاد الفت جویند. ای خدا رایت وحدت عالم انسانی را بلند فرما و صلح اعظم را مستقر کن، قلوب را به یکدیگر التیام ده، ای خدا ای پدر مهربان قلوبمان را از نفحات محبت شادمان کن...»

در آن موقع که حضرتش از قاره‌ای به قاره‌ای و از شهری به شهری می‌شتافت نه وسایل راحت سفر امروزی فراهم بود، نه دوربین‌های تلویزیون تصویرش را در سراسر جهان پخش

تَجَلّی رحمان

دکتر وحید رأفتی

عید رضوان بنابر تصریح جمال قدم در کتاب مستطاب اقدس عیدی است که در آن حضرت رحمن برمن فی الامکان به اسماء حسنی و صفات علیای خود تجلّی فرموده است.^۱

در این فقره از کتاب اقدس قضایای "رحمن"، "اسماء حسنی و صفات علیای الهی" و مفهوم "تجلّی" اهمیتی خاص دارد و لذا موضوع مطالعه اجمالی ما در سطور ذیل خواهد بود.

رحمن از نظر لغوی صیغه مبالغه است و لذا دوام و استمرار لطف و مهربانی و احسان حضرت یزدان را افاده می‌کند. کلمه رحمن در قرآن با احتساب دفعاتی که در عبارت "بسم الله الرحمن الرحیم" به کار رفته ۱۶۹ مرتبه تکرار شده است.^۲ از مهم‌ترین مواردی که کلمه رحمن در قرآن مذکور شده چند موردی است که به جای کلمه "الله" به کار رفته است. مثلاً در سوره بقره آیه ۱۱۶ می‌فرماید: "و قالوا اتخذ الله ولداً" و در سوره مریم آیه ۸۸ می‌فرماید: "و قالوا اتخذ الرحمن ولداً" و در سوره اسراء آیه ۱۱۰ می‌فرماید "قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن".

رحمن در نظر قرآن شناسان حاکی از رحمت عام الهی است و لذا به فیض منبسط و نفس رحمانی که شامل تجلّی وجود است اختصاص دارد. در مقایسه با رحمن، اسم رحیم الهی دالّ بر

رحمت خاصّ و محدود الهی نسبت به اهل ایمان است، چنانچه در قرآن می‌فرماید "الله یختص برحمته من یشاء" (بقره آیه ۱۰۵) و در آیه دیگر می‌فرماید: "و کان بالمؤمنین رَحِیماً" (احزاب، آیه ۴۳). بنابراین اگرچه رحمن و رحیم هر دو دالّ بر مهر و رحمت و احسان الهی اند امّا رحمن فیض شامل و نامحدود الهی است، و رحیم احسان خاصّ الهی نسبت به اهل ایمان است.^۳

"اسماء حسنی و صفات علیاء" که در کتاب اقدس مذکور شده سابقه‌ای قرآنی دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید "و لله لاسماء الحسنی" (اعراف، آیه ۱۸۰) و در آیه دیگری می‌فرماید: "و ایّا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی" (اسراء، آیه ۱۱۰).^۴

براساس آیات فوق زعمای علوم قرآن بیش از صد اسم و صفت در آن سفر جلیل برای خداوند تعیین نموده‌اند و آنها را به انحاء گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند. مثلاً معتقدند که بعضی از اسماء الهی نظیر الله، رب، قدّوس و عزیز از اسماء ذات‌اند و اسماء دیگری نظیر حیّ، شکور، قهار از اسماء صفات و بالاخره گروهی دیگر از اسماء الله مانند باعث، مجیب و حکیم از اسماء افعال الهی محسوب می‌گردند. ذات الهی به نسبت صفت معینی از صفات و به اعتبار تجلیات گوناگون خود به اسماء عدیده

است که: "تجلّی تأثیر انوار حق باشد به حکم اقبال بر دل مقلان کی بدان شایسته آن شوند که به دل مر حق را ببینند"^۶. تجلیات الهیه در آثار گوناگون تقسیم بندی شده است^۷. از جمله تجلی ذاتی یا حبّی الهی است که از آن به فیض اقدس و مرتبه عما تعبیر می شود^۸. این تجلی صرفاً در ذات و برای خود ذات است و هنوز به خارج ذات سرایت ننموده است. این تجلی مرادف با مرحله کنز مخفی و یا مرتبه احدیت نیز هست، مرتبه ای که نه نعتی دارد و نه صفتی. در این تجلی ذات الهی بر صور ممکنات که در عالم الهی مستور و محجوب اند تجلی می نماید. صور ممکنات در این مرحله از صقع معقولاتند و هنوز در عالم عین و شهود وجود خارج نیافته اند. صور معقوله ممکنات در این مرحله به اعیان ثابتة نیز تسمیه شده اند^۹. تجلی دوّم، تجلی حق در صور اسماء الهی است. این مرتبه از تجلی را فیض مقدّس نامیده اند^{۱۰}. در این مرحله اعیان ثابتة یا صور معقوله ای که در مرحله اوّل تجلی از آنها یاد شد در صور شهودی و عینی خود ظاهر و پدیدار می گردند. در این تجلی که آن را تجلی صفاتی می گویند صفتی از صفات الهی مبداء تجلی و ظهور واقع می شود. مطابق منطق کتاب مستطاب اقدس در تجلی عید رضوان رحمانیت الهیه مبداء وجود واقع شده است. بنابراین مفهوم رحمانیت الهیه که جامع مفاهیم لطف، کرم، محبت، احسان و عنایت عام الهی است از عالم غیبی و علمی به عرصه شهود آمده، وجود عینی پذیرفته و در همه مدارج وجود سریان و جریان یافته است. به این تعبیر رحمانیت الهیه در این دور صمدانی مبداء حرکت، تفسیر و جهشی تازه در عالم واقع شده و فیض وجود از منبع لطف و دهش حضرت یزدان به حرکت در آمده است. جمال

نامیده می شود. مثلاً رحمن عبارت از ذاتی است که رحمت و لطف از آن اوست. به این نحو هراسمی از اسماء الهی مظهري از ذات حق جلّ جلاله است. مثلاً اسامی اوّل، آخر، ظاهر و باطن در آیه "اِنَّهُ هُوَ الْاَوَّلُ وَ الْاٰخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ"، به ترتیب مظهر ازلیّت، ابدیت، ظهور و بطون الهی است.

مفهوم تجلی و کلمه هم ریشه آن یعنی "جلوه" و کلمه تقریباً مترادف با این دو یعنی کلمه "ظهور" از مهم ترین و مشکل ترین و پرمعناترین اصطلاحات عرفانی و مذهبی محسوب می گردند^۵.

یکی از مفاهیم تجلی جلوه دادن و هویدا کردن کمالات وجود است. مفهوم دیگر تجلی پدیدار شدن و آشکارگشتن است. در سرگذشت حضرت موسی در قرآن چنین مذکور است که خداوند برکوه طور "تجلّی" نمود و در اثر این تجلی کوه متلاشی شد و حضرت موسی مدهوش گشت.

تجلیات الهیه با کلمات "پرتو" و "نور" و "نور خدا" نیز توصیف شده است. در شعر حافظ آمده است که:

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
مَنْت خاک درت بر بصری نیست که نیست
و نیز در غزلی دیگر می گوید:

در خرابات مغان نور خدا می بینم
این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم
و یا این بیت:

از پای تا سرت همه نور خدا شود

در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی
تعبیرات مربوط به نور مبتنی بر منطق قرآنی است که می فرماید "الله نور السموات والارض". (سوره نور، آیه ۳۶) نظر به این معنی هجویری در کشف المحجوب چنین نوشته

قدم غیر از کتاب اقدس در سورة الظهور نیز به این لطیفه ربانیّه اشاره نموده و چنین می‌فرمایند: "... انّ جمال الرحمن عن قطب الرضوان ینادی ملاء البیان بابدع اللحنات..."

تجلی رحمانیت الهیه در عید رضوان بر حسب ظاهر ظاهر نیز با لطافت باغ و عطر ازهار و وزش نسیم اردیبهشتی در دارالسلام (بغداد)^{۱۱} قرین گشته و تجمّع همه این صفات و کمالات حسنه طیّبه مبارک بمنزله طلّیعه همه ملکات فاضله‌ای است که در این دور صمدانی باید در حیات فردی و اجتماعی و عاطفی و عقلی افراد انسانی تجلّی و ظهور یابد.

تجلی در نظر بعضی از صنادید اهل عرفان نظیر ابن عربی و صدرالدین قونوی مبدء آفرینش است. مقصود از آفرینش در این مقام آوردن شئی از عدم محض به عرصه وجود نیست بلکه مفهوم تجلّی برداشتن استار از وجه حقائق موجود است. حقائق اگرچه موجودند و معلوم امّا در پس پرده غیب مخفی‌اند و به این اعتبار معدوم. چون تجلّی الهی صورت گیرد پرده خرق شود و حقائق موجود در عالم پنهان بر خلق واضح و عیان گردد. از این نظر مقصود از تجلّی الهی که مبدء آفرینش محسوب می‌گردد آن است که در اثر تجلّی حشر عظیم به پا می‌شود، آفتاب فلک قدیم و نور وجه منیر طلوع می‌نماید و در اثر این طلوع و تجلّی آنچه در هویت اراضی قابلیات و استعدادات و کمون حقائق موجودات مستور و مکنون است به عرصه شهود قدم می‌گذارد و هویدا می‌شود. پس مقصود از آفرینش و خلق جدید انتقال حقائق وجود از کتم غیب، و نه از کتم عدم، به ساحت شهود است.

در اثر تجلّی الهی اوّل تغییر و اشرف تحوّل در اصول و اطوار و اعمال اهل اقبال تحقق

می‌پذیرد و بعد انسان مقبل و منقلب و مؤمن است که در محیط خود منشاء تحرّک و تغییر می‌شود و دامنه خلق جدید را به افقهای تازه می‌کشاند، چه انسان بنا به فرموده حضرت عبدالبهاء "جلوه‌گاه تجلّی جمیع کمالات الهیه است"^{۱۲}. در عید رضوان با تجلّی جمال جانان وجود جلوه‌گاه رحمانیت الهیه شد، قلوب مجذوب نور جمال گشت و عقول را جلال الهی در بر گرفت. ظهور انوار فجر جدید سرائر وجود را ظاهر ساخت: نفوس فارغه مستعده به کمالات روحانیه فائز شدند، صفات بشری را سوختند و باطن را به تجلیّات و کمالات و انوار یوم جدید آراستند و آنان که در حجب اهواء و تقالید خود گرفتار ماندند از تجلّی نور ظهور محروم شدند.

تجلّی جمال قدم در عید رضوان اختیار انسان را به امتحان کشید. ■

یادداشت‌ها

۱ - آیه مبارکه در باره ایّام رضوان در کتاب مستطاب اقدس چنین است:

"... ایّام فیها تجلّی الرحمن علی من فی الامکان باسمائه الحسنی و صفاته العلیا..." (کتاب اقدس، فقره ۱۱۰)

۲ - برای ملاحظه شرح مفصل در باره کلمه "رحمن" در قرآن به کتاب اسماء و صفات الهی تألیف دکتر محمد باقر محقق (طهران: اسلامی ۱۳۷۲ هـ ش)، ج ۱، ص ۵۲۵ - ۵۳۹ مراجعه فرمائید.

۳ - حضرت عبدالبهاء در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم دو اسم رحمن و رحیم را تحت کلمه رحمت مورد مطالعه قرار داده و رحمت را به دو نوع ذاتی و صفاتی تقسیم فرموده‌اند. رحمت ذاتی همان فیض اقدس یا افاضه وجود به جمیع من فی الوجود است و

هـ ش)، ج ۱، ص ۵۹۸ - ۶۰۲
 د - سعید رحیمیان، تجلی و ظهور در عرفان نظری (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ هـ ش).

۶ - علی بن عثمان الهجویری، کشف المحجوب (طهران: طهوری، ۲۱۹۷۹)، ص ۵۰۴.

۷ - جمال قدم در لوح سلطان باتوجه به آراء اهل عرفان به سه نوع تجلی اشاره نموده چنین می‌فرمایند: ... باری جمیع اشیاء را مظاهر تجلی ذاتی حق می‌دانند و تجلی را هم سه قسم ذکر نموده‌اند ذاتی و صفاتی و فعلی... (مجموعه الواح مبارکه، قاهره: سعادت، ۱۹۲۰ م، ص ۱۴۰)

۸ - برای ملاحظه شرح مبسوط در باره "عما" به مقاله شرح قصیده رشح عما که در سفینه عرفان (دارمشتات: عصرجدید، ۱۹۹۹ م)، ج ۲، ص ۵۰ - ۸۶ به طبع رسیده است مراجعه فرمائید.

۹ - این تجلی را می‌توان تجلی جمال قدم در ایام قبل از اظهار امر علنی در باغ رضوان محسوب داشت، ایامی که مرور عرف نفحات رحمانیه در کمال رقت و لطافت بوده واز آن به عما تعبیر شده است.

۱۰ - برای ملاحظه مطالب مربوط به فیض مقدس می‌توان به کتاب قاموس ایقان (طهران: موسسه مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع)، ج ۳، ص ۱۱۹۴ - ۱۲۰۴ اثر جناب عبدالحمید اشراق خاوری مراجعه نمود.

۱۱ - دارالسلام به معنی سرای سلامتی و آرامش است و از اصطلاحات قرآنی است (سوره یونس آیه ۲۵ و سوره انعام آیه ۱۲۷) که به معنی بهشت به کار می‌رود. برای ملاحظه شرح مطالب در این باره به کتاب قاموس ایقان، ج ۲، ص ۶۷۳ - ۶۷۶ مراجعه فرمائید.

۱۲ - حضرت عبدالبهاء، مفاوضات (لیدن: بریل، ۱۹۰۸ م)،

می‌تواند معادل با صفت رحمانیت تلقی گردد. رحمت صفاتی عبارت از فیض مقدس است و آن فیض است که برحسب استعدادات و قابلیت‌ها که در اعیان موجودات وجود دارد به آنها افاضه می‌شود. رحمت صفاتی در اصطلاح حضرت عبدالبهاء معادل مفاهیم رحیم در اصطلاح اهل عرفان است.

حضرت عبدالبهاء در همین تفسیر رحمت ذاتی را به رحمت خاصه و رحمت عامه تقسیم نموده‌اند که هر دو از فیض اقدس صادر می‌گردد و افاضه وجود به موجودات مجرّده و مادیّه می‌کند. این رحمتی است که در بسمله به صورت رحمن و رحیم آمده است.

رحمت صفاتی را نیز مقسوم به رحمت خاصه و عامه فرموده‌اند که هر دو از فیض مقدس صادر می‌شوند و این رحمت صفاتی همان است که به صورت رحمن و رحیم در فاتحه قرآن مذکور گردیده و در حمد و ستایش الهیه است.

(مکاتیب عبدالبهاء قاهره: کردستان العلمیه، ۱۹۱۰ م. ج ۱، ص ۶۰ - ۶۲)

۴ - برای ملاحظه شرح اسماء حسنی و صفات علیای الهی به کتاب اسماء و صفات الهی مذکور در فوق و کتاب دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (طهران: دوستان ناهید، ۱۳۷۷ هـ ش)، ج ۱، ص ۳۲۲ - ۳۲۶، به کوشش بهاء الدین خرّمشاهی، مراجعه فرمائید.

۵ - برای ملاحظه مطالب مربوط به "تجلی" می‌توان به چند مأخذ ذیل مراجعه نمود:

الف - سید جعفر سجّادی، لغات و اصطلاحات و تعبیّرات عرفانی (طهران: طهوری، ۱۹۹۱ م)، ص ۲۲۳ - ۲۲۸.

ب - احمد علی رجائی بخارائی، فرهنگ اشعار حافظ (طهران: علمی، ۱۳۶۴ هـ ش)، ص ۱۱۷ - ۱۲۳.

ج - بهاء الدین خرّمشاهی، حافظ نامه (طهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۶۸

مهمترین روز سال برای بودائیان

هیجدهم ماه مه روز "وساک"



دین بودائی: یکی از دین‌های بزرگ جهان است که بر مجموعه‌ای از اصول فلسفی و اخلاقی استوار می‌باشد. اصول این مذهب ساخته‌ی منطق است و قیاس نه امر و ایمان، شاید دین بودا تنها مذهبی باشد که در آن از روح و ماوراء طبیعت و خدا که اساس دیگر ادیان است سخنی نرفته است. به این جهت است که آئین بودا را اکثر علما طریقه و مشرب فلسفی می‌دانند نه دینی الهی و آسمانی.

با اینکه بودا خود هندی و رواج آئین او در کشور هند بوده است، بر اثر فشارهای متمدنی که در طول تاریخ از طرف برهمنان و مسلمانان بر بودائیان وارد شده اکنون جز گروه اندکی از پیروان این دین در هندوستان نمانده‌اند و بیشتر بودائیان جهان در چین و ژاپن و کره و مغولستان و تبت و هندوچین و تایلند یا سیام و برمه زندگی می‌کنند.

زندگی بودا: بنیان گذار این مذهب شاهزاده‌ای هندی بنام «سیدهارتا گوتاما» Siddhartha Gautama است. که در سده ششم پیش از میلاد می‌زیسته است. او از قبیله ساکیا و پدر و نیاکان وی در ناحیه نپال در شمال هند پادشاهی می‌کردند. گوتاما در ۵۶۳ قبل از میلاد در یکصد میلی شمال بنارس زاده شد، چون پدرش بر قبیله ساکیا حکومت می‌کرد او را

پیام بهائی در شماره ۲۱۹ خود مقاله‌ای را به آغاز سال بودائیان تبت اختصاص داده و ضمن آن مجملی از حیات و تعالیم حضرت بودا را که از نظر اهل بهاء هم رده سایر مظاهر مقدسه الهی بوده ارائه نمود. هر چند که بسیاری از بودائیان و پژوهندگان، آن آئین را نوعی فلسفه روحانی و نه دیانت خدا داده شمرده‌اند. چون ۱۸ ماه مه (می) را بودائیان روز ولادت، تنویر و در عین حال روز مرگ بودا می‌دانند لذا از تاریخ خلاصه ادیان بقلم آقای دکتر محمدجواد مشکور استاد دانشگاه طهران نشر سال ۱۳۷۷ شرحی را که درباره زندگانی و تعلیمات آن حضرت آورده شده ذیلاً نقل می‌کنیم و یاد آور می‌شویم که آئین بودا در دنیای معاصر هم پیروانی پراکنده در اقطار جهان دارد و بموجب سالنامه دائرةالمعارف بریطانیکا آئین بودائی در ۸۶ کشور نفوذ و رسوخ کرده است و از ادیانی است که سرعت نسبی پیشرفت و توسعه حاصل می‌کند. فایده آشنائی اهل بها با این آئین از جمله این است که بدانند امر بهائی پلی در میان ادیان شرق و غرب آسیاست و در عین حال که جمال مبارک موعود ادیان سامی (یهودی - مسیحی - اسلام) هستند در ادیان غیر سامی نیز انتظار ظهور آن حضرت مطرح بوده و هست و بی گمان عرفان بودائی مشابهتی با عرفان مسیحی - اسلامی و بهائی دارد.

ساکيامونی Sakyamuni یا حکیم طایفه ساکیامی خواندند. بنابه روایات چون برهمنان پیش بینی کرده بودند که این کودک اگر چشمش به بیمار و یا پیر و یا مرده بیفتد از تخت و تاج شاهی دست می‌کشد و سربه کوه و بیابان خواهد نهاد لذا پدرش وی را در کاخ شاهی دور از مردم نگاه می‌داشت. او در آغاز جوانی در همانجا ازدواج کرد و صاحب فرزندی نیز شد. در بیست و نه سالگی اتفاقاً روزی تنها از کاخ خویش بیرون آمد و شخص بیماری را دید. دانست که عاقبت تندرستی بیماری است. برحسب تصادف بار دیگر به پیر مردی برخورد و فهمید سرانجام جوانی پیری است. برای بار سوم که به تنهائی از کاخ خود بیرون رفته بود، مرده‌ای را در سر راه خویش دید که کسان او بر سرش شیون می‌کردند برخلاف تصور که گمان می‌کرد آدمی همواره تندرست و زنده خواهد ماند، فهمید که زندگی هرچند دراز باشد، سرانجام آن مرگ و نابودی است.

چون کار جهان را بقائی نیافت و آن را فانی و بی حاصل دانست، کاخ و پادشاهی خود را گذاشت به دشت و جنگل پناه برد و در بیابانها از جائی به جائی می‌رفت و برای نجات روح خود و یافتن حقیقت از برهمنان استمداد می‌جست. اما از سخنان ایشان چیزی دستگیرش نشد و دانست که حقیقت در نزد برهمنان نیست و خود اوست که باید به جستجوی آن بپردازد. جامه‌هایش کم کم کهنه شد و از تن او فرو ریخت و برای کسب معاش و قوت لایموت به دریوزگی می‌پرداخت. تا پس از هفت سال سلوک و ریاضت درسی و شش سالگی در زیر درختی از نوع انجیر هندی که آنرا پانیان Panyan گویند به حال نزاری افتاد. با خود عهد کرد تا حقیقت را در نیابد از زیر آن درخت

برنخیزد. ناگهان انقلابی نفسانی در وی روی داد و به حقیقت پی برد. درختی را که در زیر آن به حقیقت رسید بودهی Buddhi یا درخت دانش گفتند و آن مکان مقدس امروز به بوداگایا Buddhagaya معروف است. نام وی از آن پس از گوتامابه بودا Buddha یعنی مرد واصل به حقیقت تغییر یافت. حقایقی که بودا دریافت از این قرار بود:

- ۱ - نیکی از نیکی و بدی از بدی زاید.
- ۲ - جهان را آغاز و انجامی نیست.
- ۳ - همه چیز در جهان حادث و متغیر است و امر ثابتی در عالم وجود ندارد.
- ۴ - جهان را کردگار و صانعی نیست، ولی در عین حال یک وحدت عمومی و نهانی در جهان هستی حکمفرما است که مدبر عالم وجود است.
- ۵ - آدمی وقتی از آرامش برخوردار خواهد شد که «من» را فراموش کند، و دم از منیت نزند. بودا پس از دریافت حقیقت قریب هشتاد سال بزیست و به راهنمایی مردم می‌پرداخت و سرانجام در سال ۴۸۳ قبل از میلاد در نزدیک بنارس چشم از جهان فرو بست. یکی از شاگردان مخلص او بنام آناندا Ananda به عادت هندیان جسد او را سوزانید و خاکسترش را در چند نقطه از کشور پهناور هند دفن کرد و بر سر هر یک از آنها زیارتگاهی بنام استوپا Stupa برپا ساخت. آموزش و شریعت او را به زبان پالی، دهام Dhamma گویند. بودا معاصر با کورش و داریوش بزرگ هخامنشی بود. سه قرن پس از بودا پادشاهی بزرگ در هند که اشوکا Ashoka نام داشت، آئین او را به رسمیت شناخت و به ترویج آن در هند و افغانستان و آسیای مرکزی و سیلان پرداخت. امروز تقریباً یک چهارم جمعیت جهان پیرو

آئین بودا هستند.

چهار حقیقت بودائی: آئین بودا طریقه درون نگری و از خود گذشتگی و غم گساری است. او حقیقت و اصل جهان را مبتنی بر رنج می دانست و می گفت این جهان سراسر رنج است. چهار حقیقت در شناخت رنج ها و رهایی از آنها پیشنهاد می کرد:

۱ - حقیقت اول، شناخت رنج ها: به عقیده بودا زندگی سراسر رنج است، تولد رنج است، جوانی رنج است، پیری رنج است، بیماری رنج است.

۲ - حقیقت دوم، علت رنج: همه رنج ها زائیده و معلول خود خواهی های بشر است. اشتیاق به لذایذ نفسانی و میل به بقا و همه هوس ها و لذت جوئی و شهوت پرستی سبب ایجاد رنج ها می شود.

۳ - حقیقت سوم، ترک رنج ها و نجات از آنها: چون دانستیم که علت رنج ها خود خواهی و لذت طلبی است و همه آنها معلول لذات هستند، بنابراین برای اینکه از رنج ها خلاصی یابیم باید از لذایذ و شهوات نفسانی دوری جوئیم. هر قدر بتوانیم از لذات مادی کناره گیری کنیم از رنج های خود خواهیم کاست.

۴ - حقیقت چهارم، و آن بیان وسایل و اسبابی است که آدمی را به نتیجه حقیقت سوم می رساند و از این راه ها انسان می تواند خود را از رنج برهاند، آن وسایل از این قرار است:

۱ - نظر راست. ۲ - نیت راست. ۳ - سخن راست. ۴ - کردار راست. ۵ - معاش از راه راستی. ۶ - سعی و عمل در راه راست. ۷ - اندیشه و تفکر در راه راست. ۸ - تمرکز فکر در معنای راستی.

برای اینکه به این معانی هشتگانه برسیم باید هشت قاعده دیگر را نیز مراعات کنیم:

۱ - جانوران را میازارید. ۲ - دزدی مکنید. ۳ - زنا مکنید. ۴ - دروغ مگوئید. ۵ - غیبت و عیب جوئی ننمائید. ۶ - خود خواهی را از دل خود دور سازید. ۷ - کینه کسی را در دل مگیرید. ۸ - آن چیز که از همه مهمتر است آن است که دل خود را از رنگ چهل و نادانی پاک و به زیور معرفت بیارائید.

فلسفه بودا: بودا گذشته از توصیه به ترک لذایذ دنیوی از قبیل شهوات جسمانی، مالکیت و دارائی را نیز نکوهیده می شمارد و زن و فرزند و دلبستگی به خویشان و کسان را موجب بدبختی و رنج می داند. وی بحث درباره خدا و روح را چیز بی فایده ای می پندارد و در عوض از ماهیت نیک بختی و هدایت و گمراهی سخن گفته است. او می گوید آدمی باید میل نفسانی و شهوت و غضب را بشناسد و آنرا در قبضه اختیار خود گیرد تا از امیال و هوس های بیهوده رهایی یابد و به نیروانا برسد.

نفس فردی هنگامی از آرامش و وحدت مطلق جهان هستی برخوردار می شود که کلمه «من» Ego را فراموش کند، یعنی انایت و منیت او در جهان بی پایان و بی شکل نیروانا منحل شود. آنچه در عالم عمل حقیقت دارد آن است که انسان و دیگر موجودات دستخوش زایش و زوال پیایی هستند و پیوسته پدیدار می شوند و ناپدید می گردند.

او به همه چیز بی اعتقاد است و می گوید: شنیده را باور ندارید و به گفته های پیشینیان و عقاید ایشان اعتقاد نداشته باشید. آنچه را که شخصاً تجربه و آزمایش کرده اید و باوضع خودتان و دیگران مطابقت دارد باور کنید و از آن پیروی نمائید. او خداوند عالم را قائم به ذات نمی داند و به هیچ جوهری خواه مادی و خواه معنوی قائل نیست.

فردی یا آتمن باروح جهانی یا پرام آتمن نمی‌داند.

در کیش جاین در وصول به نیروانا یا سعادت ابدی، روح فردیت خود را حفظ می‌کند و با جان جهان نمی‌آمیزد. در کیش بودا نیروانا «فناى وجود فردی» است که با آن رنج‌ها و دردها که نیز زائیده وجود هستند نابود می‌شوند. رسیدن آدمی و تمام موجودات به هدف عالی نیروانا جز با ترقی و تعالی در طی یک رشته حیات امکان پذیر نیست. در طی این هستی‌های بی ثبات موجود نه کاملاً همان است که از اول بوده و نه کاملاً غیر از آن است، مانند: شعله‌های آتشی که تمام شب می‌سوزد و در آخر شب در عین حال که همان آتش اول به تمامی نیست، جز آن هم نمی‌باشد.

بودا با اعتقاد به نیروانا می‌خواسته مردم هند را از فکر سرگردانی در گردونه «کارما» برهاند و با رعایت اصول اخلاقی که در پیش ذکر شد به نیروانا یا مقام فنای در تفکر برساند.

تناسخ از نظر بودا: بودا اصل تجدید حیات یعنی تولد ثانوی را تأیید می‌کند و می‌گوید تجدید ممکن است اتفاق بیفتد بدون آنکه روح فرضی از جسمی به جسم دیگر انتقال پیدا کند، زیرا در ذرات پاک دیگر نفسی باقی نمی‌ماند که تغییر قالب بدهد، آنچه از این حیات به حیات دیگر انتقال پیدا می‌کند عبارت است از صفات حیات یا «کارما» ی زندگی که به حیات دیگر منتقل می‌شود. آن در مقام تمثیل شبیه به نقش نگین انگشتری است که بر روی مومی نقش بندد، و آنچه از نگین به موم منتقل می‌شود، همانا صفات و عوارض نقش اولی است که در سطح شیئی دوم نقش بسته است. ولی در هنگامی که جوهر آن موم ذوب شود آن نقش عارضی از آن موم زدوده شده و یا به ماده

او می‌گوید هیچ چیز برخلاف طبیعت واقع نمی‌شود، آب همیشه برشیب کوه می‌رود نه بر بالای آن، یخ همیشه سرد و آتش همواره گرم است، خدایان و بت‌ها همه باطلند و کاری از دستشان ابداً ساخته نیست، و قربانی دادن برای آنها سودی ندارد.

اخلاقیات: همه چیز در این جهان دو مرز افراطی و تفریطی دارد. مرد سالک یا تاتاگاتا Tathagata باید از دو طرف بپرهیزد و راه میانه را برگزیند. قاعده اساسی تربیت نفس در حالت مراقبه بودائی آن است که شخص سالک در حال توجه قلبی چهار زانو و مربع بنشیند و چشمها را بسته و در اعماق قلب خود پرتو محبت عام دوستی مطلق جهان را که شامل سراسر موجودات باشد بطلبد و بکوشد که دل او از محبت شدیدی نسبت به عالم وجود آکنده گردد. از خصایص دین بودائیان این است که در آن امتیازات طبقاتی و نژادی و ملی وجود ندارد. وجود در بی علائقی بالیده می‌شود و در طبقات موجودات رشد میکند و چون سالک و جویای حقیقت از عطش وجود خود بی‌نیاز گردد، توکل و تسلیم پیشه ساخته به نیروانا واصل شود.

نیروانا Nirvana: نیروانا کلمه‌ای است سانسکریت به معنای خاموش ساختن و از میان بردن که توسط شوپنهاور (آرتور) Schopenhaur (۱۷۸۸-۱۸۶۰ م)، فیلسوف آلمانی، به همان معنای اصلی هندی خود وارد زبانهای اروپائی شده است.

این لفظ پیش از بودا به صورت «نیروان جاین» Nirvan-Jain در مفهوم حالت خوش و سعادت ابدی بکار رفته است و در دین بودائی به معنای آخرین مقصد حیات انسانی است. دو کیش بودائی و جاینی نیروانا را در اتحاد روح

دیگری منتقل می‌گردد.

باری، بودا با اینکه به روح معتقد نبود به نوعی از تناسخ قائل بود و آنرا چنان که گفتیم با امثله‌ای روشن می‌ساخت و از آن جمله این مثال است:

روزی شاگردش آناندا از او پرسید، استاد روح چیست؟ بودا به ازابه‌ای که براسبی بسته شده و در کنار ایشان ایستاده بود اشاره کرد و گفت: آناندا آیا ازابه این اسب است؟ گفت نه استاد.

گفت: ازابه این چرخها است؟ گفت نه.

گفت آیا کالسکه روی آن ازابه است؟ گفت

نه.

پس پرسید: ازابه چیست؟ آناندا پاسخ داد، ای استاد مجموع این چرخها و کالسکه و مالبند و اسبی که به آن بسته‌اند ازابه می‌باشد.

بودا در جواب آناندا گفت: همین‌طور مجموع هماهنگی قوا و اعضای بدن انسان را می‌توانی روح بخوانی، ولی در حقیقت روح مفارق از بدن نیست و در جای مخصوصی وجود ندارد و چیزی جز هماهنگی اعضای بدن آنان از مغز و قلب و عروق و شراین آدمی نیست.

بودا در عالم وجود هم معتقد به چنین هماهنگی و نظم بود و می‌گفت آن عالم با همه اختلافاتی که دارد، بین اعضا و ارکان آن یک نوع هماهنگی و توازن و نظم وجود دارد، که اگر این نظم و هماهنگی مختل شود، سبب اختلال جهان خواهد شد. هم اینسان اگر نظم و هماهنگی که بین اعضای بدن انسان وجود دارد از بین برود بدن آدمی اختلال می‌پذیرد و به فساد می‌گراید.

او برای تناسخ فلسفی خود غیر از مثال موم که در بالا گذشت مثالهایی زده که این دو مثل از

آنها است:

اول مثال شمع: بودا می‌گوید همان‌طور که صدها شمع ممکن است با شعله یک شمع روشن شود، نیروی آدمی نیز ممکن است تأثیر هدایت یا شقاوت خود را به بسیاری از افراد بشر انتقال دهد، و آنان را تحت تأثیر افکار سازنده و یا مخرب خود قرار دهد.

مثال دوم، درس استاد است: استادی که درس می‌گوید مقداری از معرفت را به دیگری انتقال می‌دهد و ممکن است این معرفت در طول سالها و قرون متمادی به شاگردان متعددی از طرف استاد نخستین انتقال یابد و به دیگران برسد.

آداب بودائی: بیشتر بودائیان عبادت و پرستش بودا را واجب نمی‌شمارند و بااعلام اینکه بودا در نیروانا وارد شده و ناپدید گردیده است، وی را در حال پیروان خویش مؤثر نمی‌دانند، فقط در برخی مراسم به پای تندیس او گل ریخته و تکریمی به عمل می‌آورند. هرماه چهاربار در معبدهای بودائی برای اشاعه آئین او مراسم وعظ و تبلیغ برگزار می‌گردد.

کتابهای بودائی: ادبیات بودائی به زبان پالی از شعب زبان سانسکریت است. از جمله کتابهای مقدس بودائی تریپیتاکا Tripitaka یاسه سبد قانون و دانش است که در ۲۴۱ ق.م، در شورای بزرگان بودائی تهیه گشت و سینه به سینه نقل می‌شد و سرانجام در ۸۰ قبل از میلاد به زبان پالی به رشته تحریر درآمد.

این کتاب دارای سه قسمت است که قسمت اول سوت تا Sutta یا (حکایات) و قسمت دوم وینایا Vinaya یا (انضباط) و قسمت سوم آبداما Abhidhama یا (شریعت) می‌باشد. کتاب دیگر یا کاتا Yakat است که از سرگذشت بودا گفتگو می‌کند. ■

شیرین رضویان، شاعری نو شکفته



خود خانم شیرین رضویان گفتند:

«من شاعر همدانی الاصل متولد طهران هستم که اکنون در لندن اقامت دارم. در خانواده‌ای ادیب و عارف، ریشه‌های شعر و عرفان را در بطن وجود خویش مستحکم نمودم. پدر بزرگم مفتون کبریایی (همدانی) از شعرا و دراویش بنام شهر همدان بود.

تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در ایران به اتمام رسانیدم و به اخذ دو دیپلم ادبیات و علوم تجربی بطور هم‌زمان نائل گشتم. سپس تحت فشار خفقان‌های اجتماعی و گریز از سانسور و سرکوب ارتجاع، دل از خاک دلبند خویش برکندم و راهی سرزمین‌های دور شدم و تحصیلات عالی خود را در لندن ادامه دادم. از سن ۹ سالگی شعر می‌سرودم و تا سن ۱۴ سالگی مطالعه عروض و بحور شعر فارسی را تمام کردم. اما به علت محتوای اجتماعی-انتقادی-سیاسی اشعارم قادر به چاپ آنها در داخل ایران نشدم. نخستین کتابم به نام "از واژه تا پندار" در سال ۱۹۹۷ در لندن منتشر شد. کتاب دوم به نام "جهان‌بینی محزون صدف" در سال ۱۹۹۹ در لندن به چاپ رسید».

شرکت‌کنندگان در انجمن ادب و هنر ایران در شهر لندن توفیق آن را داشتند که در یکی از شب‌های شعرخوانی و موسیقی با یک چهره تازه در گلزار ادب ایران خانم شیرین رضویان آشنا شوند. خانم رضویان مورد احترام دوستان بهائی است از این‌رو از ایشان درخواست شد که نمونه‌هایی از آثار خود را قرائت کنند. شعرهای او بیشتر از مقوله اشعار نو است و بعضاً به روش سنتی اما با مضامین و تعبیرات نو سروده شده.

غزلی که در زیر می‌آید از نمونه‌های شعر سنتی او با مضامینی نو می‌باشد.
 نوای عشق بخوان، ای گلو بریده بخوان
 ز قعر این شب تار از گل سپیده بخوان
 ز رنگ سرخ سرودت هزار واژه بساز
 برای سبز سران شب آرمیده بخوان
 مکن درنگ که دیو سکوت پشت در است
 تو پیش از آنکه شود سینه‌ات دریده بخوان
 صدای عشق خموش و هوای جان مسموم
 تو پیش از آنکه بمانی نفس بریده بخوان
 از آن نوا که بود تار و پود بیداری
 که گوش خفته‌دلان هیچ ناشنیده بخوان
 تو همصدای شب‌آهنگ بی‌ستاره مشو
 بیا هم آتش ققنوس شب ندیده بخوان
 برای آه ز اعماق جان دمیده بموی
 برای اشک ز چشمان دل چکیده بخوان
 تو حق سرای دیار طرب‌سرایان شو
 ز ظلم ظالم و مظلوم جور دیده بخوان
 ز شعرت ارچه نگردد مشام جان شیرین
 ز تلخکامی جان‌های غم‌کشیده بخوان
 در پاسخ سؤال درباره زندگی و سابقه ادبی

خانم ژاله اصفهانی که خود شاعری
چیره‌دست است در مقدمه کتاب «از واژه تا
پندار» نخستین مجموعه شعر شیرین رضویان
اینطور می‌نویسد:

«... شیرین نقش "واژه" را که اساس و افزار
کار شاعری است و ارتباط او را با اندیشه، در
چندین شعر خود نشان می‌دهد. "هزاران واژه در
سر دارم و مفهوم"، "می‌جوشد از نهاد من آوای
واژه‌ها"، "آی واژه‌ها"، "در من خونی از واژه
می‌جوشد"، "واژه‌ها در تار و پود بالش من لانه
کرده‌اند، از بالش بوی شعر می‌آید." این پیوند
کلام و تفکر که شیرین با تصویرهای رنگارنگ
نشان می‌دهد ما را بر آن می‌دارد که بگوئیم شاعر
حرفی، مطلبی، اندیشه‌ای و نیازی برای گفتن
دارد که شعر می‌گوید، نه بخاطر تفنن سخن
بازی و شعر سازی. شیرین شاعری است
وظیفه‌مند و بسیار جدی که به مسایل
اجتماعی، وطنی و مردمی می‌اندیشد. از
نابسامانی‌های اجتماعی، از آرزوی آزادی، از
حسرت‌ها و سرخوردگی‌ها، از "وقتی امان
مردمان را می‌برد بیداد" و از عشق به وطن حرف
می‌زند... شیرین غزل‌سرای خوش ذوقی است که
با سبک شعر کلاسیک و با قواعد عروض و
قافیه به خوبی آشناست. نعمتی که کمتر شاعر
هم نسل وی از آن برخوردار است.»

اضافه می‌کنیم که شیرین رضویان به مدت
دو دوره ۲ ساله به عنوان "منشی بین‌المللی"
انجمن قلم ایران در تبعید برگزیده شد که اکنون
نیز به همین سمت با انجمن قلم همکاری
می‌کند. تاکنون در چند شب شعرخوانی در
شهرهای بزرگ اروپا و امریکا شرکت جسته
است. کتاب سوّم ایشان هم‌اکنون تدوین شده
است.

موفقیت بیشتر او را آرزمندیم. ■

الفت موقوف شیرین رضویان

چشم هامان باز روزی
مهربان مام وطن
بر خاک پاکت باز خواهد شد.
نغمه‌های شادمانیمان
به باغ و دشت و کوهت بار دیگر
ساز خواهد شد
الفت موقوفمان بار دگر آغاز خواهد شد.
دامنت از اشکمان مرطوب خواهد گشت
بوسه هامان گرد ظلمت را ز رویت
پاک خواهد کرد
عشقمان را باز بر پای تو می‌ریزیم
باز بلبل وار بر شاخ تو می‌خوانیم
در کنارت تا پسین اوقات عمر خویش
می‌مانیم
آه می‌دانم،
که هر اندوه و غم را هست پایانی
که هر درد آفرین افسانه‌ای هم آخری دارد
باز خواهم گشت
در شمیم یاس هایت غرقه خواهم شد
اشک خواهم ریخت
قصه‌های غربتم را داد خواهم زد
قصه بیداد ظلمت پیشگانت را
وطن
فریاد خواهم زد

معرفی کتاب

- تاریخچه درس اخلاق

- شوکران اصلاح

تاریخچه درس اخلاق

تألیف سیاوش راستانی، ناشر: مؤسسه ملی مطبوعات امری آلمان، ۱۶۴ صفحه، قطع ۱۵ x ۲۱ سانتی متر.

واژه "کلاس درس اخلاق" برای همه یاران پارسی زبان یادآور خاطرات بسیار دلنشین و فراموش نشدنی ایام کودکی و نوجوانی آنان است که در هر صبح جمعه بطور مرتب و منظم در این کلاس ها که در هر کوی و برزن تشکیل می شد شرکت می کردند. در حقیقت تربیت بهائی آنان و آشنایی با آثار مقدسه بهائی در همین کلاس ها پایه ریزی می شد. اولین درسی که در اولین روز ورود به کلاس درس اخلاق به ما می آموختند این جمله روح نواز حضرت عبدالبهاء بود که یک دنیا معنی در آن نهفته بود: «بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی.» این کلام گهربار آویزه گوش هوش نونهالان بهائی می شد و همواره آن را در مد نظر داشتند و گاه در جواب افراد غیر بهائی همین جمله پر معنا را در معرفی امر بهائی به زبان می آوردند.

کلاس های درس اخلاق در ایران از زمان حضرت عبدالبهاء بنیاد نهاده شد و با تشویق ها و تأکیدهای مستمر آن حضرت و سپس حضرت ولی امرالله ادامه یافت و رونق گرفت بطوری که در سال های بعد حتی در کوره دهات ایران که خانواده های بهائی سکونت داشتند

کلاس های درس اخلاق ولو با مقیاس کوچک هر هفته منظم دایر بود. سیر رشد و توسعه کلاس های درس اخلاق، نحوه اداره، مواد درسی و مربیان و معلمان این کلاس ها در ایران بقدری وسیع و پردامنه است که نه یک نفر بلکه چندین نفر باید در مورد این مهم پژوهش نمایند.

جناب سیاوش راستانی که خود سالیان دراز در مهد امرالله از خادمین تربیت امری بوده اند در سال های اخیر، در خارج از ایران با عدم دسترسی به منابع و مآخذ، با کوششی پی گیر مجموعه حاضر را که با الواح متعدد خطاب به "نونهالان گلشن توحید" و تصاویر جالب و متعدد از معلمان و شاگردان برخی از کلاس های درس اخلاق تزیین گردیده فراهم نموده اند و آن را به نام "سید حسن معلم، و تاریخچه درس اخلاق" نامیده اند. نویسنده در مقدمه کوتاهی از جمله چنین نوشته است: «مجموعه حاضر انعکاسی است از کوشش ها و مجاهدات مبذوله خادمان جانفشان و خدمات مشکوره شبانه روزی پایه گذاران درس اخلاق و مساعی صمیمانه معلمان که با دل و جان این خدمت فخیم و جلیل را انجام داده و قصری از محبت در قلوب نونهالان ساختند و با تعالیم و دستورات الهی و فضل و کمالات انسانی آنان را در راه خطیرشان در سازندگی جهان فردای بهائی کمک کردند...» در این کتاب از مساعی جلیله جناب

سید حسن هاشمی زاده (متوجه) که از پیشگامان تأسیس کلاس‌های درس اخلاق بوده و حدود یکصد سال پیش این بنیان متین را پایه‌ریزی کرده و قوه و قدرت جوانی را بر سر این کار نهاده بودند مفصلاً سخن گفته و سپس توسعه و تکامل کلاس‌های درس اخلاق و تسری آن به شهرها و قری و قصبات و دهات ایران را مورد بحث قرار داده‌اند. هم‌چنین گسترش این کلاس‌ها در سطح شهر طهران و به دنبال آن تأسیس کلاس‌های تزئید معلومات و تأسیس تشکیلات محلی و ملی تربیت امری توضیح داده شده است. اولین قدم جناب متوجه جمع کردن چند کودک بهائی در اطاقی ساده و محقر در محله حیاط باغ طهران (که در آن زمان مرکز تجمع احباء بوده) شد و با تدریس آیات و الواح مبارکه به آنها ادامه یافت، با هدایت و تشویق‌های مستمر حضرت عبدالبهاء این نهال نارس رفته رفته به سراسر مهد امرالله و در سال‌های بعد به همه جهان سایه گسترد. سراسر کتاب به الواح متعدد حضرت عبدالبهاء در تشویق و تحریص نونهالان بهائی مزین گردیده و در جای جای کتاب تصاویر تاریخی از کلاس‌های درس اخلاق و مربیان چاپ شده است. نگاهی به فهرست اعلام کتاب نشان می‌دهد که چه نفوس مقدسه‌ای از فضلا و علما و ناشرین نفحات الله در تشکیل و اداره کلاس‌های درس اخلاق از صد سال قبل تاکنون دخالت داشته و به خدمت در این تأسیس جلیل مفتخر بوده‌اند.

مطالعه اجمالی در تاریخ یک قرن و نیم جامعه بهائی ایران نشان می‌دهد که این جامعه با وجود نداشتن آزادی و تضییقات دائمی، چگونه در ایجاد تأسیسات تمدنی عام المنفعه موفق

بوده‌اند که از جمله باید به تأسیس شرکت خیریه نونهالان، مدارس بهائی (در ۱۹ نقطه ایران)، کلاس‌های درس اخلاق، بیمارستان صحت، بیمارستان میثاقیه، آموزشگاه پرستاری میثاقیه، آموزشگاه بهیاری میثاقیه، کلاس‌های اسپرانتو، و تأسیس و ساختمان حمام‌های دوش اشاره کرد که غالب آنها در زمان حیات پربرکت حضرت عبدالبهاء انجام شده و برخی در ایام حضرت ولی امرالله تأسیس گردیده و با راهنمایی‌ها و تشویقات مستمره آن هیاکل مقدسه رشد و توسعه پیدا کرده است.

امید است نشر این کتاب بسیار مفید نقطه آغازی برای تدوین "تاریخ تربیت امری در ایران" از آغاز تا امروز باشد.

ع. ص. غبار

شوکران اصلاح

از کتاب‌های تازه انتشار در ایران

یکی از کتبی که در سال ۱۳۷۸ شمسی نشر شده و در همان سال به چاپ نهم رسیده عنوانش "شوکران اصلاح" است و متن مشروح مذاکرات دادگاه محاکمه آقای عبدالله نوری یکی از علمای بنام دوران اخیر و سردبیر روزنامه تعطیل شده خرداد را در بردارد که سرانجام در دادگاه محکوم شد و اینک در زندان بسر می‌برد. شوکران اشاره به جام زهری است که سقراط را به نوشیدن آن وادار کردند.

این کتاب از جهت آنکه تصویری از طرز تفکر متشرعین و کارگردانان امور را در ایران امروز منعکس می‌کند درخور پژوهش و توجه جامعه‌شناسان است.

متهم که مدتی سمت وزارت داشته و سپس

روزنامه‌ای را اداره می‌کرده به محاکمه خوانده می‌شود و از جمله اعتراضات بر او این است که چرا روزنامه خرداد در تاریخ ۷۸/۳/۲۰ مقاله مفصلی را تحت عنوان: «اخلاق، شادی، سبک زندگی» منتشر کرده که طی آن گفته شده است هیچ گروهی حق ندارد سبک زندگی خود را به دیگران تحمیل کند. دادستان یکی از اتهامات آقای نوری را نگاشتن این مقاله دانسته و بخش‌هایی از آن را در دادگاه خوانده است. بخشی از سخنرانی دادستان که شامل عبارات آن مقاله است ذیل می‌آید:

«اگر بخشی از جامعه اندرونی - بیرونی دارند، اگر چادر و حجاب مقبول آنهاست، اگر از حضور زن و مرد در یک جمع پرهیز دارند، اگر بدون آشنایی دختر و پسر آنها را به عقد یکدیگر در می‌آورند، اگر موسیقی گوش نمی‌دهند... اگر ریش خود را نمی‌تراشند... اگر زنان زیبا را محکوم به در خانه ماندن می‌کنند، اگر در عروسی‌هایشان رقص و پای‌کوبی نمی‌کنند، اگر عزاداری برای امام حسین (ع) را دو ماه و شاید یک سال می‌دانند و بطور کلی هر نوع شادی را در این ایام منع می‌کنند... این را باید سبک زندگی ویژه آنها شمرد... اما سایر گروه‌های اجتماعی نیز در چارچوب اخلاق (و نه سبک زندگی گروه خاص) و قانون حق دارند به گونه‌ای دیگر زندگی کنند.»

در ادامه اضافه می‌کند: «در شریعت اسلامی آمده است که زنان مؤمن باید موی و تن خویش را از دیگران بپوشانند اما در هیچ کجای آن نیامده است که باید با زور زنانی را که سست اعتقادند یا اصولاً اعتقادی ندارند به این امر وادار کرد. کاری که امروز در تحمیل حجاب به عنوان یک سبک پوشش در ایران حتی بر اهل

ذمه و خارجیان صورت می‌گیرد به همان اندازه اخلاقی است که کار رضا خان در یک دوره برای کشف حجاب». نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که: «حاکمیت سیاسی و گروهی که خود را اهل شریعت می‌داند، تنها مجاز به دفاع از حقوق افراد محجبه و معتقد به حجاب می‌باشد اما حق تحمیل حجاب یا سبک پوشش یا تغذیه یا رفتار به دیگران را ندارند، زیرا این مسأله نقض حقوق دیگران است و بالاخره نمی‌توان سبک زندگی بخشی از جامعه را به عنوان دین و اخلاق بر دیگران تحمیل کرد. داشتن قدرت نمی‌تواند عامل توجیه‌کننده برای عمومیت دادن سبک زندگی خود به منزله اخلاق و قانون باشد». نویسنده مقاله در ادامه به انتقاد از طرح‌هایی مانند طرح توسعه فرهنگ عفاف (مطرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی) طرح عدم استفاده ابزاری از زنان و... پرداخته و آنها را مصادیقی از تلاش یک گروه بر تحمیل سبک زندگی خود به دیگران قلمداد کرده است و این نظریه را چنین خلاصه می‌کند که «مردم نه فقط باید مخالفت نکنند، نه تنها باید کاملاً موافق باشند بلکه باید عیناً مثل ما باشند و هرکس در پوشش، ابزار احساسات، نوع مسافرت و عروسی، غذا خوردن مثل ما نیست، اسلامی نیست چون اسلام و هرچه خوبی است در ما خلاصه می‌شود»، نویسنده در جای دیگری از مقاله می‌گوید: «مردم به دلیل وجود تفاوت‌های فردی عکس‌العمل‌های مختلفی از خود بروز می‌دهند» و نتیجه‌گیری می‌کند که: «به همین دلیل نمی‌توان یک آئین برای سبک زندگی ساخت که در آن دسته‌ای از اعمال حرام، دسته‌ای واجب و دسته‌ای دیگر مباح و مستحب و مکروه باشند» و ادامه می‌دهد: «بنا بر این، آنها

که دنبال ایدئولوژیک کردن سبک زندگی پس از ایدئولوژیک کردن دین، فقه و عرفان هستند باید به این نکته توجه کنند که زندگی و پسندهای افراد مانند اعتقادات دینی و نظرگاه فقهی و عرفانی افراد نیستند که بتوان به راحتی بخشهای نامرتبط با ایدئولوژی را از آن کنار گذاشت و بالاخره در پایان ریاکاری شایع در جامعه را نتیجه تحمیل برونی سبکهای زندگی و تبدیل شدن آن به ایدئولوژی دانسته و تصریح کرده است که: «سبک زندگی چندان تطابق و ارتباط به حیطه‌های حرام و رذائل اخلاقی نداشته و بیشتر در حیطه مباحات قرار می‌گیرند.»

دادستان دادگاه ویژه روحانیت ضمن انتقاد شدید از مقاله‌ای که خلاصه‌اش آمد می‌گوید:

«پیام این مقاله به ظاهر علمی و مبتنی بر مبانی جامعه‌شناسی شعار عوامانه "عیسی به دین خود و موسی به دین خود" می‌باشد، یعنی اصرار بر اینکه افراد در سلیقه و سبک زندگی، نوع پوشش و غذا آزادند و نباید کسی کار به کار دیگری داشته باشد. یعنی اگر در جامعه افرادی اهل حجاب، نماز و پرهیز از گناهان هستند نباید در کار افرادی که از نظر پوشش بی‌بند و بار هستند، سگ‌بازی می‌کنند، مشروب می‌خورند و با افراد نامحرم معاشرت دارند دخالت نمایند. این طرز فکر در تعارض آشکار با فریضه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است که از ضروریات دین مقدس اسلام و در اصل هشتم قانون اساسی به عنوان وظیفه همگانی معرفی گردیده است، می‌باشد. و به جرأت می‌توان گفت که نویسنده مقاله در صورت توجه به نتیجه سخن خود، به دلیل انکار ضروری دین مرتد شده است و آقای عبدالله نوری با انتشار چنین مقاله‌ای در روزنامه خود به تبلیغ علیه

ضروریات اسلام پرداخته است.

این مقاله با جدا کردن سبک زندگی از مقوله مذهب و دین، و اختیاری دانستن آن و نیز با قرار دادن اموری از قبیل داشتن یا نداشتن حجاب، جدایی یا اختلاط در معاشرت با جنس مخالف، گوش دادن به موسیقی یا پرهیز از آن، تراشیدن یا گذاشتن ریش، همراه داشتن سگ یا پرهیز از آن و مسائلی از قبیل آنها در حوزه «سبک زندگی» به ترویج ضمنی مفاسد اخلاقی و بی‌بند و باری پرداخته است و امور متعددی را که به فتوای همه یا اکثر فقها حرام می‌باشد از حیطه محرمات خارج و آن را در حوزه مباحثات قرار داده است و این ترویج ظریف اباحیگری به‌شمار می‌رود که یکی از مهمترین شاخصه‌های تهاجم فرهنگی دشمن است.

یکی از افتخارات ما این است که اسلام دین جامعی است و فقه با ابواب متعدد و دامنه گسترده‌ای که دارد، تمام اعمال انسان اعم از حوزه‌های فردی و اجتماعی و خانوادگی را در بر می‌گیرد. از مسلمات دین مبین اسلام این است که همه اعمال انسان در چارچوب یکی از احکام خمس، واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام قرار می‌گیرد. نویسنده مقاله و روزنامه خرداد و مدیر مسئول آن تلاش نموده‌اند با نفی این امر مسلم، دین را از حوزه زندگی خصوصی افراد بیرون رانده و راه را برای اباحیگری و رواج فساد اخلاقی و اجتماعی باز نمایند.»

● نشریه ما از درج دفاعیات متهم معذور است. مقصود بیان دو طرز تفکر متضاد و متناقض یکی از دیدگاه متهم و دیگری از دیدگاه دادستان دادگاه روحانیت بود که در ایران کنونی اکنون رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند. ■ پژوهشگر

نامه‌های خوانندگان

ظهور کلی الهی

یکی از خوانندگان عزیز سؤال کرده بودند که آیا عنوان ظهور کلی الهی انحصار به حضرت بهاء الله دارد؟ پاسخی که از دائره مطالعه نصوص و الواح همراه مکتوب مورخ ۸ شهرالسلطان ۱۵۶ دارالانشاء بیت العدل اعظم رسیده است با ذکر تعدادی از نصوص مبارکه روشن می‌کند که عنوان ظهور کلی الهی یا مظهر کلی در آثار مبارکه بر عموم مظاهر مقدسه اطلاق شده ولی در بعضی موارد نیز بطور اختصاصی ذکر شده است. در بیان فارسی واحد دوم باب نهم آمده که «لم یزل مظهر کلیه مشیت در هر قیامتی ظاهر و مرتفع» و در ایقان شریف مذکور «و این لقاء (لقاء الله) میسر نشود برای احدی الا در قیامت که قیام نفس الله است به مظهر کلیه خود» و در مفروضات مبارک مسطور که «اما تجلی کمالات و فیوضات و صفات الوهیت از حقیقت انسان کامل یعنی آن فرد فرید مظهر کلی الهی ساطع و لامع است چه که کائنات سائر پرتوی اقتباس نمودند اما مظهر کلی آینه آن آفتاب است و به جمیع کمالات و صفات و آیات و آثار، آفتاب در او ظاهر و آشکار است».

لطف خوانندگان ما

خانم طلوعیه اکرمی فروغی از کانادا طی نامه مورخ فوریه خود مرقوم داشته‌اند «همسرم عباس فروغی شماره ۲۴۲ پیام بهائی را در حالی که در اطاق بعد از عمل جراحی تحت مراقبت شدید پزشکی بود با زحمت بسیار و به کمک من صفحه به صفحه خواند مخصوصاً با دقت و علاقه زیاد قسمت مربوط به اولین محفل ملی کانادا را که با عکس اعضای آن همراه

بود خواند و با سختی گفت: «بنیان گذاران امر جمال اقدس ابهی در کانادا». این سعی او در خواندن مجله شما در آن روزها برای پزشکان بیشتر به معجزه شباهت داشت ولی برای من که می‌دانستم که او عاشق خواندن الواح و مقالات پیام بهائی است امری عادی بود. روح پرفتوح او در ۱۷ ژانویه در بیمارستان به عالم بقا پرواز نمود و خداوند مهلتی برای دیدن نشریه‌های بعدی باو نداد».

پیام بهائی ضمن عرض تسلیت بحضور خانم فروغی شرح حال آن متصاعدالی الله را در صفحات مخصوص درج می‌کند و از این همه عنایات پیاپی دوستان غرق امتنان است.

خدمات خانم عطیه حقیقی

طبق نوشته یکی از عزیزان ارض اقدس از جمله خدمات خانم عطیه حقیقی که اکنون ساکن ایرلند شمالی هستند در گذشته ایام اداره یک مدرسه خصوصی برای یاران غیور سنگسر بوده است و چنان موفق بوده‌اند که شاگردان قدیم را به وفاداری برانگیخته و با معلم قدیم و عزیزشان ارتباط خود را حفظ کرده‌اند.

از جمله این شاگردان خانم منیره پارسا بوده که غزلی لطیف زیر عنوان وادی طلب سروده و به خانم حقیقی هدیه کرده‌اند:

من جرعه نوش عشقم و کارم صلاي عشق
من خرقة پوش رندم و درد آشنای عشق
با توسن جمال و کمال و امید و شوق
جولان زنم به دشت زمرد نمای عشق
شاهین صفت به اوج محبت کنم صعود
عنقا نشان مقیم به قاف وفای عشق

در خلوت خیال به شوق وصال دوست
 سرمی نهم به ساحت باب ولای عشق
 در بی‌کرانه بحر فنا غوطه‌ور شدم
 آرم بکف لثالی حلم و رضای عشق
 از جان و دل خروش برآرم که ای بشر
 عالم شده است بزمگه با صفای عشق
 تاکی غریق ورطه ظلم و فساد و جهل
 تا چند دور و بی‌خبر از ماجرای عشق
 در وادی طلب چو قدم می‌نهد منیر
 دارد امید وصل بلطف خدای عشق

عشق عبدالبهاء

یکی از یاران مهد امرالله (پ پ) که در شعر
 تخلص فنا را اختیار کرده اشعاری در وصف
 جمال‌ابهی و حضرت عبدالبهاء و حضرت
 ولی‌امرالله سروده‌اند که با سپاس و امتنان بسیار
 دریافت کردیم در اینجا ابیاتی از «سحر عهد و
 میثاق عبدالبهاء» نقل می‌شود:

غم عبدالبهاء دیوانه‌ام کرد
 چو مجنون غافل از کاشانه‌ام کرد
 بجز عشقش نخواهم آشنائی
 که عشقش با همه بیگانه‌ام کرد
 مگو ای جان چه سان دل پر ز عشق است
 که جانان می در این پیمانه‌ام کرد
 منم مخمور خمر عشق دلدار
 که حصن عهد او خمخانه‌ام کرد
 گهی در قید عشقش راهی دشت
 گهی هم معتکف در خانه‌ام کرد
 بنازم معجز آن آشنا را
 که جاهل بودم و فرزانه‌ام کرد
 دگر سحر کلام یار میثاق
 فنا در عشق خود رندانه‌ام کرد
 در کارت کوچک قشنگی که همراه اشعار
 آمده خانم پروین پ نوشته‌اند:
 «بفرموده حضرت مولی‌الوری در آغاز
 آشنائی (با پیام بهائی) بیان مبارکش را زینت

مقال نموده می‌گویم که «سمع مشتاقان همواره
 منتظر استماع خبر دوستان است و طلب تفقد
 نام و نشان یاران نماید. پس مشتاقانه نام و
 نشانتان را یافتم و به پیشنهاد دوستی در ابتدا به
 ارسال چند شعر گونه پرداختم باشد که قلبی از
 جمع قلوب مطهره یاران و عاشقان جمال
 رحمن را شاد و مسرور نموده باشم.»

سیر در دل‌ها

این اثر را از جناب روح‌الله ناطق دریافت
 کرده‌ایم که با امتنان درج می‌شود.
 یک شبی با حالت رمز و فسون
 دل بمن می‌گفت آمال درون
 این دل از من آرزوها داشتی
 خواهش اینجا و آنجا داشتی
 هرچه این دل را نصیحت کردمی
 برخروش و جوش او افزودمی
 لاجرم دل رفت و من تنها شدم
 با خدا راز دلم گویا شدم
 پاسی از شب را کشیدم انتظار
 تا که دل باز آمد و شد آشکار
 گفتم ای دل تا کجا رفتی کنون
 آنچه را دیدی بما شو رهنمون
 گفت اندر سیر دل‌ها بودمی
 باطن و مکنون آنها دیدمی
 جمله دیدم پاک و بی ریب و ریا
 مظهر الطاف و نور کبریا
 در دل شب جمله در راز و نیاز
 غرق در ذکر خدای بی‌نیاز
 آیت لطف و صفا و بندگی
 یافتم در خود بسی شرمندگی
 قلب روحی طالب صدق و صفاست
 مقصدش آمرزش و عفو خداست
تقاضا راجع به تاریخ اردستان
 این عبد به نگارش تاریخ امر بهائی در
 اردستان و قراء تابعه اقدام نموده است و برای

قبل به ملکوت ابھی پیوست یادش جاودان باد.

به من نزدیک تر از او کسی نیست

شاعر ارجمند فرهمند مقبلین این قطعه شعر را با عنوان به من نزدیکتر از او کسی نیست فرستاده‌اند که با امتنان درج می‌شود.

چو یاد آید مرامهر یگانه
شوم مست نشاطی کودکانه
که این نقش آفرین استاد دیرین
جهانی نقش کرده ماهرانه
چه سان مثنی گل و خاک و زمین را
عنایت کرده ذوقی عارفانه
به یمنش در کویر خاطر من
نهاد تازه روید دانه دانه

برایش می‌سرایم شعر شیرین
بیادش سرکنم هر دم ترانه
کشد باهر نوای آسمانی
لهیب جذبه در روحم زبانه
گشایم پربه شوق معبد او
دوم تا آستانش شادمانه
که شاید در حریم تابناکش
برم راهی به افسون و فسانه
کیم من زورق بی‌بادبانی
براین دریای ژرف بی‌کرانه
چه می‌شد گر بساحل می‌رسیدم
غم و تشویش می‌رفت از میانه
بمن نزدیکتر از او کسی نیست
مراین شعله هست از او نشانه
گرت (الهام) در خاطر نباشد
بجز اندیشه‌های شاعرانه
شکایت در تهی دستی روانیست
ترا بس نغمه‌های جاودانه!

پیشرفت زنان از قعر چاه تا اوج ماه

خانم پریچهر قارداشم (مازگانی) از پرتقال طی نامه مورخ ۲۸ مارس ۲۰۰۰ خود نوشته‌اند:

تکمیل آن از یاران راستان استدعا می‌نماید که مدارک مربوط به حیات احباب در آن سرزمین را اعم از شرح احوال و الواح و توقیعات مبارکه و تصاویر مربوطه نزد فانی ارسال فرمایند هرگونه اطلاع (مانند آدرس بازماندگان احبابی قدیم اردستان و محل اخذ اطلاعات در باب آنان) می‌تواند نگارنده را در نگارش صحیح و تکمیل تاریخ امری اردستان مدد نماید

با عرض کمال امتنان

فانی نصرت‌الله محمد حسینی

Nosrat M. Hosseini

603 - 7351 Halifax Street

Burnaby B.C.

V5A 4H2 Canada

یادی از بانوئی شجاع

خانم ضیائیه افشار از قرقیزستان مرقوم فرموده‌اند: مایلم یادی از خانم نوریه عبدالهی (طالبی) کنم که در شهر کوچک فردوس در حاشیه کویر ساکن بود و در اوایل انقلاب متعصبین برآن می‌شوند که ایشان را اخراج کنند هر قدر به زمین‌های زعفران و کارگاه کوچک قالی بافی ایشان خسارت وارد می‌کنند این خانم پراستقامت و با شهامت محل را ترک نمی‌کند. ایشان را برای اتمام حجت به مسجد فرا می‌خوانند که اگر شهر را ترک نکرد حکم برقتل او دهند. نوریه خانم به کسانی که می‌خواستند این حکم را صادر کنند خدماتی را که خود به خانواده ایشان کرده بودند یاد آور می‌شوند و بعد مقداری نبات به عنوان شیرینی و تشکر قبل از شهادت خود بین آنان تقسیم می‌کنند. حضرات شرمنده می‌شوند و از کشتن نوریه خانم چشم می‌پوشند ولی آزارهای گاهگاهی و خسارت مالی تا دو سه سال قبل از صعود که ایشان ساکن محل بودند ادامه داشت. نوریه خانم جوهر محبت و انسانیت بود سال

مقاله بسیار جالب و دقیق سرکار خانم دکتر سیمین شیبانی را تحت عنوان "پیشرفت زن از قعر زمین تا اوج آسمان خواندم و بسیار لذت بردم فقط چند نکته بنظرم آمد که با اجازه به آن اشاره می‌کنم.

بنظر بنده با همه تساوی حقوق که زنان با مردان دارند باید از صفات و کیفیت‌ها و وظایفی متمایز از مردان برخوردار باشند. زنان باید مظهر لطافت و ظرافت و نازکی خیال باشند، باید ظریف و زیبا رفتار کنند و از آرامش و لطافت طبع بی نظیری برخوردار باشند... زنان در درجه اول باید مادر باشند و سعی کنند این وظیفه اساسی و پرمسئولیت را به نحو احسن و شایسته بجا آورند.

اگر مادر (و پدر) در تعلیم و تربیت و آموزش فرقی بین فرزند پسر و دختر خود قائل نشود و تحصیل علوم و کمالات را برای هر دو لازم بداند و از خردسالی تساوی زن و مرد را در ایشان القا کند احساس برتری مردان رفته رفته از بین خواهد رفت.»

باز هم عدد ۹

آقای جلال میثاقی (از امریکا) طی دو نامه راجع به رمز عدد ۹ که با اسم اعظم (بهاء) مطابقت دارد شرحی نوشته‌اند که خلاصه‌اش این است:

۱- اگر اعداد را از شماره ۱ تا شماره ۹ با هم جمع کنیم نتیجه ۴۵ می‌شود و جمع اعداد تشکیل دهنده ۴۵ (۴ + ۵) مجدداً ۹ را به ما می‌دهد.

۲- اگر عدد ۹ را بر هر عددی ضرب کنیم نتیجه باز عدد ۹ می‌شود مثلاً اگر عدد فرضی ۵۳۹۴۵ را در ۹ ضرب کنیم نتیجه ۴۸۵۵۰۵ می‌شود که در صورت جمع ارقام ترکیب کننده (۴ + ۸ + ۵ + ۵ + ۰ + ۵) به عدد ۲۷ می‌رسیم که باز $۹ = ۷ + ۲$ خواهد شد. از ضرب اعداد

دیگری (مثل ۱ تا ۸) چنین نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد

مژده بهار

شعر زیبای "مژده بهار" را از جناب نعمت‌الله مختارزاده که از احبای افغانی ساکن آلمان می‌باشند، دریافت کرده‌ایم:

روزگاری در گلستان، اعتباری داشتیم
در میان گل‌رخان، با گل قراری داشتیم
ساغر و پیمانه و می، سُکر مستی دم به دم
لاله سان از داغ دل بر سر خماری داشتیم
دور هر شمع وفا پرپرزان پروانه‌وار
بال و پر سوزان ز سوز دل شراری داشتیم
خاطری از ارغوان و آن گل مریم، ز چشم
اشک شادی را نثار هر دیاری داشتیم
بلبلان آرزو چهچه‌زنان و نغمه‌خوان
نوشکفته غنچه‌ها در هر بهاری داشتیم
در بهار زندگی، اندر خزان دوستان
اشک حسرت را نثار هر مزاری داشتیم
عمر ما آخر سرآمد، آن بهاران را چه شد
کز خزان زندگی دائم فراری داشتیم
غنچه امید ما پرپر شده در گلستان
زانکه از زاغان تمنای هزاری داشتیم
باغبانا، ما گلیم و نه گیاه هرزه‌ای
نزد گلچینان خوبان اعتباری داشتیم
مژده باد آمد بهار جانفزا بار دگر
در زمستان و خزان هرسو نظاری داشتیم
مژده باد ای دوستان مفتوح شد باب لقا
در بهاران آرزوی نوبهاری داشتیم
عندلیب خوشنوا آمد، بشارت بر جهان
سال‌ها از وعده‌هایش انتظاری داشتیم
"نعمتا" آمد طبیب معنوی بهر علاج
در دل و جان زخم‌های بی‌شماری داشتیم

● بخاطر تعداد فراوان نامه‌های رسیده درج بخشی از آن‌ها به شماره بعد موکول شد.

اخبار و بشارات عالم بهائی

ترجمه و تنظیم فرهمند مقبلین «الهام»

پیام‌های بزرگان عالم در مورد صعود امة البهاء روحیه خانم

جناب مالیوتا تانومافیلی سلطان ساموآ طی
تلگراف مورخ ۲۱ ژانویه خود ضمن تقدیم
تسلیت به بیت العدل اعظم الهی به مناسبت از
خاطره دو سفر روحیه خانم به آن کشور برای
نصب سنگ بنا و بعد افتتاح امم المعابد پاسیفیک
تجلیل کرده‌اند.

جناب بیل کلینتون رئیس جمهور امریکا
طی نامه مورخ ۱۱ فوریه خود درگذشت
امة البهاء روحیه خانم را نه فقط ضایعه و فقدان
برای جامعه بهائی بلکه برای سراسر جهان
شمرده‌اند.

جناب ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه از
طریق محفل روحانی ملی فرانسه اظهار تأسف
خود را از صعود امة البهاء ابراز داشته و به
جامعه بهائی تسلیت صمیمی گفته‌اند.

رئیس دولت اسرائیل از ر وایزمن طی نامه
مورخ ۲۰ ژانویه به جامعه بهائی سراسر جهان از
این فقدان اسفناک تسلیت ابراز داشته‌اند.

جناب فیلیپ دوک ادینبورگ ضمن ابراز
تأسف از این فقدان نوشته‌اند همه کسانی که
افتخار همکاری نزدیک با مادام ربانی داشتند
فقدان ایشان را قویاً احساس می‌کنند.

در مجلس نمایندگان برزیل در تاریخ ۲۷
ژانویه نطقی مفصل ایراد و از خدمات امة البهاء
به نیکی یاد شده ضمناً مجملی از شرح احوال و
سجایا و اسفار و ملاقات‌ها و آثار ایشان سخن
رفته است (ناطق آقای ادواردو جرگه).

پیشرفت‌های امر در ایتالیا

حدود ۴۵۰ نفر از یاران ایتالیا در روزهای

سوم تا هفتم ژانویه در شهر ریچیونه اجتماع
کردند. اجتماعی که به نام کنفرانس ملی تبلیغ و
برای تسریع در اجراء هدف‌های نقشه چهار ساله
بود. طی این کنفرانس سی نفر از یاران تعهد
کردند که به عنوان مبلغ سیار حرکت کنند و ۸
نفر هم قبول نمودند که به مهاجرت کوتاه یا دراز
مدت در اهداف بین‌المللی روی آرند. در سال
جاری ۴۳ تن در ایتالیا به امر مبارک اقبال
کرده‌اند و احباء کوشا هستند که تا پایان سال
شماره مصدقان را به سیصد برسانند.

حدود و احکام عبادت برای احبای غرب
از ابتکارات مجله ملی بهائیان کانادا (بهائی
کانادا) در شماره فوریه ۲۰۰۰ خود درج همه
احکام و حدودی است که به صوم و صلوة و
ذکر ۹۵ مرتبه الله‌ابهی و فرائض عبادتی مسافر و
مانند آن مربوط می‌شود. این مشروحه به هر دو
زبان فرانسه و انگلیسی و درخور استفاده همگان
است.

سالگرد ورود امر به اوروگوای
به مناسبت هیجدهمین سال ورود امر به
اوروگوای در روزهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر جشنی
در میان شور و هیجان متجاوز از یکصد تن از
یاران در مونت ویدئو برگزار گردید. در این
مراسم اهمیت و فوریت امر حیاتی تبلیغ توسط
یکی از مشاورین قاره‌ای امریکای جنوبی برای
حاضران تشریح و مواد لازم برای انجام
برنامه‌های تبلیغی میان شرکت کنندگان توزیع
گردید.

پرو - کنفرانس مشترک محافل ملی

از اول تا سوم اکتبر اعضای محافل ملی
کشورهای بولیویا، شیلی، اکوادور، پرو و ونزوئلا

برای اولین بار در کنفرانس مشترکی که با حضور دونفر از اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای تشکیل می‌شد شرکت جستند. مشاورات همه در اطراف مواضع چهارگانه: اهمیت و فوریت امر تبلیغ، طرح پروژه‌های سیستماتیک تبلیغی، تحکیم و تقویت مؤسسات امریه و بالاخره کلاس‌های مرتب تزئید معلوماتی بود در این گرد هم آئی همچنین اقدامات انجام شده طی نقشه چهارساله در هریک از کشورهای شرکت کننده مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار گرفت

اهداء جایزه در پاپواگینه جدید

جایزه ممتاز سلطنتی انگلستان (CBE) به مشاوره قاره‌ای - آقای دکتر سیروس نراقی عضو هیئت مشاورین قاره‌ای به خاطر خدمات برجسته‌اش به عالم پزشکی و به جهان علم و دانش و نقش مؤثری که در پیشرفت کشور ایفا نموده است اعطا شد. جایزه مزبور در روز ۲۸ اکتبر در مقر حکومتی در پرت مرسبی توسط رئیس دولت بنماینده از طرف الیزابت دوم ملکه انگلستان به نامبرده اهداء شد. مهم‌ترین روزنامه ملی کشور با دکتر نراقی مصاحبه‌ای انجام داد و این مصاحبه تحت عنوان "استاد دانشگاه موفقیت خود را مدیون دیانت بهائی می‌داند" به چاپ رسید. قسمت‌های زیر بخش مختصری از مصاحبه فوق‌الذکر است: «یک دکتر در طب که سالها در پاپواگینه جدید بسر برده موفقیت‌های درخشان و گوناگون خود را مدیون دیانت بهائی که خود یکی از پیروان معتقد و فعال آنست می‌داند. استاد دانشگاه پروفیسور سیروس نراقی ۱۸ سال از عمر پربار خود را با عنوان متخصص در علم پزشکی و در سمت ریاست دپارتمان پزشکی دانشگاه پاپواگینه جدید بکار و فعالیت مداوم مشغول بوده است

وی تنها هنگامی این پست را رها نمود که فردی را برای جانشینی تربیت و آماده نموده بود. یکی از تعالیم دیانت بهائی وحدت عالم انسانی است که ارزش و قدر همه افراد را بدون توجه به نژاد، فرهنگ و یا مذهب در همه زمینه‌ها یکسان می‌داند. پروفیسور نراقی که زادگاه خود را ایران معرفی نمود ضمن مصاحبه خود اظهار داشت: «دیانت بهائی همچنین تعلیم می‌دهد که کار انجام شده با روح خدمت به منزله عبادت به حق تلقی می‌شود. کلیه این تعالیم تأثیر فراوان و عمیقی در کار و تخصص من داشته و دارند.» نامبرده ضمناً بیان نمود که در مدت خدمت خود در پاپواگینه جدید موفق گردیده است ۱۶ طبیب داخلی را که هم اکنون بکار برای دولت مشغولند تربیت نماید. وی بعلاوه سرپرست دایره تحقیقات پزشکی در دانشکده پزشکی دانشگاه PNG بوده و توانسته است با استفاده از بودجه‌ای اختصاصی معادل یک میلیون دلار از سازمان بهداشت جهانی و سایر کانون‌های پزشکی، تحقیقات بسیار ارزنده‌ای در مورد بیماری‌های مالاریا، مننژیت، ذات‌الریه و بالاخره مارگزیدگی بعمل آورد.

پروژه تبلیغی در نیجر

در یکی از نقاط این کشور شش تن از یاران با همکاری یکی از اعضای هیئت معاونت و با راهنمایی محفل روحانی محلی در ماه‌های آگست و سپتامبر با پخش بروشور و گذاردن میزی اطلاعاتی در معرض دید و عبور مردم موفق گردیدند توجه بیش از ۶۰۰۰ نفر را نسبت به نام بهائی و تعالیم مبارک جلب نمایند. حدود ۵۰ نفر سئوالات گوناگونی راجع به تعالیم و مطالب امری مطرح نمودند که پاسخ مقتضی به همه داده شد. در این میان ۳ نفر ایمان خود را نسبت به تعالیم حضرت بهاءالله ابراز داشتند.

پیام بهائی
نشریه ماهانه محفل روحانی ملی
فرانسه برای بهائیان

*

سال بیست و دوم، شماره پنجم
شماره پیاپی ۲۴۶
شهرالجمال - شهرالعظمه ۱۵۷
اردیبهشت - خرداد ۱۳۷۹

*

نشانی هیأت تحریریه برای ارسال
مقالات، نامه‌ها و پیشنهادات

P.O. Box 106

1211 Genève 25, Switzerland

*

نشانی برای ارسال حق اشتراک، نامه‌های
مربوط به اشتراک و تغییر نشانی
Payám-i-Bahá'í

P. B. 9

06240 Beausoleil, France

Fax: 33-493-784418

*

حق اشتراک سالیانه برای همه کشورها ۲۵۰
فرانک فرانسه یا ۳۹ اورو (پول واحد
اروپا) و یا معادل آن به ارزهای دیگر است.
تقاضا دارد توسط نمایندگان ما یا با حواله
پستی یا چک بانکی به فرانک فرانسه به
نشانی بالا و یا توسط بانک به شماره
حساب زیر حواله گردد:

Payám-i-Bahá'í

No 30003/01500-00037261910-30

Bank Société Générale

8 Ave. J. Medicin

06000 Nice, France

کلیه اشتراک‌ها در اول هر سال میلادی
تجدید می‌گردد.

Payám-i-Bahá'í

Publie par l'Assemblée spirituelle

Nationale des Bahá'is de France

45 Rue Pérgolèse,

75116 Paris, France.

مدرسه تابستانه جوانان ایرانی تبار

۳۰ ژوئیه تا ۵ اوت

ایران را بهتر بشناسیم

نخستین اجتماع جوانان ایرانی تبار بهائی که
سال پیش در دوپورت هلند برگزار شد بدون
تردید یکی از پر موفقیت‌ترین جلسات از نوع
خود بود.

اجتماع امسال بمانند سال قبل شامل
سخنرانی‌های متنوع در زمینه‌های گوناگون در
رابطه با دیانت بهائی و ایران خواهد بود، از
جمله تاریخ امر، عرفان (هفت وادی و کلمات
مکنونه)، تاریخ اسلام، دیانت زردشتی، ایران
دوره قاجار و غیره. سوای آن، کارگاه‌های
مختلف معرفتی ادبیات فارسی، دعا و توجه
کلاس‌های فارسی آموزی، کلاس شعر فارسی،
و مشابه آن ترتیب داده شده است. سخنرانی‌ها
به فارسی ساده است ولی امکان استفاده از
گوشی برای استفاده از ترجمه هم‌زمان به
انگلیسی نیز وجود دارد.

سن شرکت کنندگان بین ۱۸ تا ۳۵ سال است
(در اعلان شماره قبل به اشتباه ۱۵ سال ذکر
شده) و شرکت در این جلسات فقط با نام
نویسی قبلی امکان‌پذیر می‌باشد. آخرین مهلت
نام نویسی ۱۵ ماه ژوئن است ولی به مجرد پر
شدن ظرفیت دوپورت نام نویسی متوقف
خواهد شد.

نام نویسی فقط با تماس با دوپورت:

de Poort

Biesltsebaan 3

6561 KC Groesbeek

Tel: 31 - 24 39 71204/ Fax 24 39 71745

Registration form: WWW.depoort.org

خواهشمند است به شرایط لغو نام نویسی که در
ورقه ثبت نام آمده است دقیقاً توجه فرمائید.

